



از آن تکریبی - سیاست اتحاد مبارزان کمونیست

۵

سرعت‌الله: تدویره نوازندگان سوی سوسالیسم

گزارش ادبیه مارلزی اتحاد مبارزان کمونیست به اکتبره اول

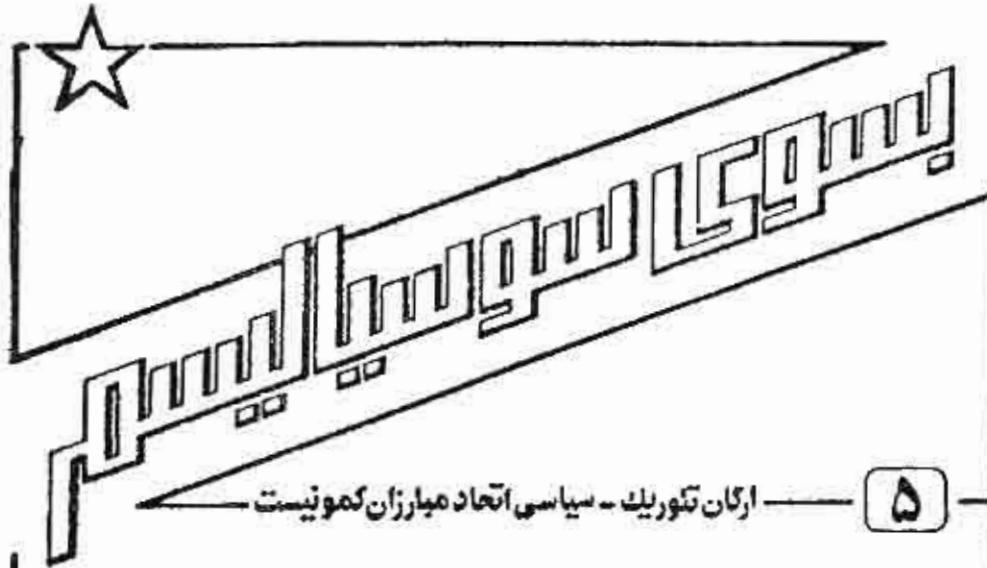
متمدنیت و دستوردهای اکتبره اول اتحاد مبارزان کمونیست

حالت آهنی در تمام سیاست گاریخونه است

متمدنیت و دستوردهای اکتبره اول کاریخونه است

یکشنبه‌یه چاپ دوم و ظاید سوسالیسم روسیه

اول هفتم



ارگان تئوریک - سیاسی اتحاد مبارزان گمونیست

۵

سرمقاله : درباره موافذن کاربسوی سوسیالیسم

گزارش گمینه مرکزی اتحاد مبارزان گمونیست به کنگره اول

منصور حکمت  
هروری بر مباحثات و دستاوردهای کنگره اول اتحاد مبارزان گمونیست

منصور حکمت  
حلقه اصلی در نزند سبات کارپوپولیستی

ت. پاشر  
منصور حکمت - ف. بیرون  
حزب گمونیست ایران در گروچهست ؟

لئیه  
پیشگفتاریه چاپ دوم وظایف سوسیال دموکراتهای روسیه

اول بهمن ۶۴

منبع

فهرست

- ۱ سرتقاله، درباره موازین کاربری سویاالهم  
۲ گزارش کمیته مرکزی اتحاد مبارزان کمونیست به کنگره اول  
۳ حلقة اصلی در نقد بیک کار پوپولیستی  
۴ مژوی بر میاختن و دستا وریعا کنگره اول اتحاد مبارزان کمونیست  
۵ حزب کمونیست ایران در گرو چیست؟  
۶ بهنگفنا ریچیاپ دوم و ظایف سویا ال دمکراتها روس

## سرهفته‌الله: درباره هوازین کاربسوی سوسیالیسم

ما اکنون بس از دندان طولانی انتشار بری سوسالیسم را از سر پمگریم. لغات‌های فانی پلیسی‌ساز، محدودیت‌افزایی‌ما که بروزه در بکال و تمکن گفت مدتی پر مباحثات مربوط به برنامه «سترنک»، برنامه «حزب کمونیست و تبهه» مقدمات و برگزاری کنگره «اول اتحاد مبارزان کمونیست متمرکز خده بوده و از همه میان روحانی‌مرد، کارآدم‌پذیر اصولی‌ای که در ذهن‌الله روحی از روحانی‌رامج پیوپولیستی گردیده‌گمر سازمان مایه‌بوده، عوامل معدومی بودند که مانع انتشار منظم سوی سوسالیسم در گفته بوده‌اند. کنگره «اول ام-ک» بروزگرایی ام انتشار سوی سوسالیسم «بروزه، بمنابه» ایزارتی در مبارزه برهمیمه روحانی‌عملی خوده بوروزدایی در ملوف جنبش کمونیستی، و بعضوان تربیوشی پیرای تحریح و تبلیغ آن کامها روحانی‌ای که امروز باید در راه ساعتی حزب کمونیست ایران برداشتند عود ناکنده کرد.

در مباحثات مربوط به روحانی‌عملی کمونیستی بر کنگره «اول» موضوع نظریات سلوشو و سنت‌های کمونیستی در انتشار اینکونه تعریف شد و محتد. نکات‌معنی در این بعثت‌ها برپنه ندد و بصورت رعنوده‌اش در برآمد ما لرار گرفت. اول اینکه نظریات سراسری «امم از نشوریک و حاس»، از ابزارهای املی ام رهبری هستند و باید به توسط رهبران و جه توسط عموم و نلتای سازمان به این عنوان در پیطری گرفته عوئد نشوبیک در جنبش پیوپولیستی عواما نظریه‌ای آموزشی و ما «دوجهی» تلفی می‌مده است. گویی میان نظریه دانان از این طریق مدلولات خود را بصورت انساط سین منظماً در اختیار اعطا و هواداران

سازمان فرار بیندهد و کار هواندگان هم سرنا مطالعه و فهم داشتند این آموزشها و ارتباط آنها نتیجه بکار خود است.

آموزش زالمن کمونیست بدون علک به کار و به از وظایف تعریفه نتیجه بکار کمونیست هست و اما سور کار آن نیست و با بعبارت بیشتره آموزش لردی و ارنقا آکادمی سپاهی اسراء در که حدودی از آموزش کمونیستی است و طبقه نظریه نتیجه بکار تحلیل و تقدیم معلمات منفصی است که بر سر راه هر کوت و تکامل جنبه کمونیستی فرار گرفته است نظریه باشد آینده رنگر باعده کمونیست هارا ما موانعی که بوسرا راهنمای فرار گرفته است آنها کنده اذهان ارادت مالین را حول این سائل گرفته کنند و به هرجوزه و غمال کمونیست توجه برخواهی معمومی از سوچیتی عینی و موافق مذهبی نظریه فعالیت کمونیستی را بخاناند کار نظریه نتیجه بکار نیز مانند نظریه سیاسی هدایت کردن و میانگین کردن است همچ مسومیت کار کمونیستی خبر سپاهی نیست حتی آموزش کمونیستی آموزش سپاهی برای پیغمبرد مبارزه است مبارزه ای که بر هر مقطع میهن بر علیه موافع شخص پیغمبری جنبه طبقاتی صورت میگیرد بنابراین عواینه مورد نظر بکار نظریه نتیجه بکار کمونیست و جزئی عواینه ای است که میگوید با مطالعه نظریه دورنمای معمومی و عمق نتیجه بکار سائل شخص فعالیت کمونیستی را بخاند و بر امر رفع موافع پیغمبری و پیروزی فالحاندتر و با استعفای نظری پیغامبری عمل کنند اگر نظریه نتیجه بکار چندین ابزاری باعده و او گر تدکھلات کمونیستی تواند به نظریه نتیجه بکار چندین لغز و جایگاهی بددهد آزاده ماعلا در این زمینه به روی آزادیستی در مطابدها میگردد.

پس سوالیم تا امروز سهم سپاهی بر آموزش و پیغمبری کمونیستی واقع داشته است کمونیستها که توانستند با تطبیق این میانهای نتیجه بکار با تجربه زنده مبارزه به شد جای خود را از جایده سرمایه داری و نظرات و مسلک دشمن و لشی نموده و جریانات بورزواهی و هردو بورزوازی لکر و فعالیت کنند کمونیستها این که توانستند اکنون دیگر مستقل از بورزوازی و هردو بورزوازی لکر و فعالیت کنند کمونیستها این که در دوره اخذند ذکری و اتفاقاً نظری سال قبل را به وضع پیشتر گذاشتند اما درین حال بسوی سوسالیسم در مواردی به عنوان اکسی نتیجه بکار از همان آزادیستی نظر بدل ندهد است سا برگزگره این عواید برخورد آکادمیک به نظریه نتیجه بکار کاملاً مذکور کردند.

نکته دومه مثله همیشه فردی توبیندگان مقالات و نظریات کمونیستی بود مقاصد نظریات کمونیستی همگر در موارد ممکن و نابلیه بینه بینیه باشد با اینکه با اینها توبیندگان آن منتشر خود هست اگر این مذاکرات بیانگر سوابع رسی سازمان نیز باشند این امر بخصوص بر مورد نظریه نتیجه بکار ممکن است که «مناید» را از همیشه

لردی آن شهر میکند و هر توقیه و مطالعه را بینان و نقطه بین سازمان منتظر میکند این عیوه به انکمال مختلف به پیغامبرت جنبه ما لطف میزند اولاه جنبه مارا از هنر اعتصم و فناوش و هیران سپاهی و لکری همود بر هر مقطع سخون میکند و لاجرم بی مسئولیتی و نتوان در نکر را سازمان میکند و رام میزند آیا بالآخر معلوم خواهد است که توبیندگان کار ۲۶ روزندگان ۱۱۰ همکار و نظائر این بیانه های آنکار سازمان طبقاتی چه کنای بوده اند؟

آها طبقه کارگر ایران نماید رهبران خود وند - رهبران خود را بعناده تمام سفر حرکت آنان را ناطر پنده، آنان را ستوں علاوه‌ای عان بداند تا بتوانند برتحلیل بهای رهبری این اصولی استوار و ثابت‌لاد بروز وند؟ رهبری از بخت‌های بسته، این اولین نتیجه، این بیکار بحراصولی است، ثانیها، این روی دید گاهی متابعیزیکی از سفر تکامل افکار و نظرات کمونیستی بدست مددده، کویس افکار کمونیستی حامل جدلها، یعنیه، موضع‌گیریها و نتاپل علوفه فکری و نظرات گوناگون نیست، براسن اگر جنبه‌های این کمونیستی به این عدوه مملکه بوده آیا با امروز قادر به تعطیل و غرس آموزی از تاریخ مخصوص جنبش جهانی خود بودم؟ لذتی، کامیابی، بیل، مارت، لوگو، مورگ، استالین، تروتسکی، گرامی، سلطان زاده، حیدر موسوی‌علی و مدهما نام دیگر در تاریخ جنبش کمونیستی بین‌المللی بارها ظاهر شده‌اند، آیا اگر نظرات‌ده، اینها مرغایه اسم سازمان، به این سبب، به این سبب، نظرات‌ده، نظری آن سیاست خود بوده برولتاریای جهانی امکان بحالات فراین جمال طبیعتی مستمر در بالای زمین طبح و امکان حفایت از رهبران اصلی در سایر رهبران فرونهن غوررا باقیه بود؟ آیا فرمجهن صورتی سایر برویم امروز خود را به وضوح لهموت بنامیم، از ایکرا لنهی در نایزی با ایکرا نوی بگوییم و با اعراقات پلخانه، کامیابی، تروتسکی، بیوتاریین و استالین را از عالم منی سازمانها، برولتاریای که اینان هرچال هریک در مقاطعی در آن متواجدند و برآن تاثیر ممکناً داشت تجزیه دهم؟ آیا سایر میتوانند میتوانند شایاندگان لکنی حریمانات مختلف بر مارکسم، جمال ذاتی و وقفه ناید بر مارکسم انقلابی را با اعراقات گوناگون همراه و لتری حل محل کنم و مارکسم را بعنوان یک معلم در جمال تکامل بنا موزیم؟ سلامه، این بکار دیدگاه سایریزیکی استند سازره، طبیعتی در سطح ابدیت‌لوزیک و تفکر مارکسمی را ندیده ممکنند و با برویه‌هی از این مبارزه، که حقی در درون حربهم ب امکال و پیزه، مسوده صواره، امامه طاره از طریق حذف تقاضه نظرات و هویت فردی این نظرات، تکامل افکار کمونیست را مرتباً تکامل افکار سازمانی جلوه میدهد، محدودیت و جمودی که این روح ببرای تحیله خواهد کرد بوضوح روشن است، نالتاه رؤی دیگر این والعیت این است که هنگامی که سازمان برولتاری ستوپیت و تعهد فردی را بکلی تهدید بگردد سرویت سازمان به تقاضه‌نفره رهبران کرده، اعراقات نظری و سیاسی افراد - اعراقاتی که اعزاب کمونیش میتوانند با تنهیه ترکیب رهبران خود به نفع اصول مارکسم انقلابی از آن علاوه ناید - به ناگفته و بسیاری خود بیرونی بصورت اعراقات سازمان جلوه گردد، جمال ذاتی سازمان نظرات، بصورت نیسان در موافق سازمان بروز ممکنده و ورگشکی رهبران روحیه با خود سازمان را نهی به اندام و اعراقات من کهاند، تعریب "بهکار و بیمه‌گشتنگی سیاسی ای جون روحانی ما و نایدیش ما نموده" بازی از نتیجه، این رویه بروپلنتی است، امروز این هرده بورزوا های دویاره، سلمان، سازمان بهکار با دهدان برولتاری دست‌دوستی فاده‌اند و زبان‌دها رهیم‌بیارز بهکاری که سازمان خود را برای انقلاب - ولو به همان تقویم بروپلنتی آن - موافتداند و ساعت‌اند، بیهداز هر زمان بست است، هررا که تذکر انقلابی در بهکار، نایدگان فکری و سیاسی هناخته مده، خود را نهادته است و

نمودها و عارضه‌های عملی و متتنوع سبک کار پژوهیستی و دست بالان را به فرمولهندی درستی از علت پنهانی این نمودها و عارضه‌های دوم کاربست این تحلیل مسیح لر، درجهٔ تولید و توزیع نقد این موارد و نمودها و تعریف کار کمونیستی در عرصه‌های مختلف دنالیت. بعد از رفاقت پا خار پس از جمیعتی تحلیل کلی «در نتیجه از آن و نزد فرمولهندی‌های ناکافی ابراهاد هدۀ است». سخنان رویی حکمت که در مقاله به آن رجوع هدۀ به «مان جمیعتی نهایی ای برداشت است که روش و مبانی آن باجزیات بیعتری در قلمروی میربوط

به سبک کار پژوهیستی و روش‌های عملی کمونیشن هم اکنون منتظر هدۀ است».

مقاله «حرب کمونیست ایران در گرو جست؟» طرحی کلی از نتیجه نظرات مادر زمینه «تعریف حزب کمونیست و اصول ناظر بر بروزه» عملی تکمیل آن در عرابه کدنی است. در این مقاله پس از اشاره به انحرافات عده‌ای که امروز بر تعریف حزب وجود دارد به ملزومات عملی تکمیل حرب کمونیست بر عرابه کدنی برداخته هدۀ و پیویزه بر اهمیت استقلال ~~منابع~~ کمونیستها از عزده ببورژوازی پنهانی بر اهمیت دشایی به عرصه‌های متعدد دنالیت کمونیستی از پکنور بر جایگاه تعبیین کننده «کارهای کمونیستی که بتوانند استواری نظری و عملی حزب را تأمین کنند» از سوی دیگر «ناکنید هدۀ است».

عقل کبری اولیه ما در همه موقعیت اجتماعی - سماوی سعی اینها را افتاده است. ما موجودیت و خواص اولیه خود را می‌دانیم این عراحت بودیم. این عراحت همان تراپی انتقلابی نر مقطع چهار سال قبل است. عراحتی که در آن جنبش تورهای وسیله‌ای حرکت نداشده بود و هر کس را که داعیه کمونیست بودن و انتقلابی بودن فاعل به خود مسلط نمی‌کرد، عراحتی که با اینبار انتقلابیون و کمونیستها را - با هر تعریفی که از خود نباختند - ناگزیر بر من ساعت که در قبال سائل سوسیو-سیاسی انتقلاب مونته کبری عملی کنند. حائل و گروهای کمونیستی نر چنین عراحتی نمی‌توانند گروهای سبود و شروعی باقی بمانند و با عرضه سدود و ویژه‌ای برای تعلیمات خود تعریف کنند. انقلاب با تمام ابعاد عظیم خود بمورتیک واقعیت رنده با سائل نظری و متنی بدیده و پنهانی کمونیستها تزار را غارت و ایام این امر موب می‌عد که حائل کمونیستی متعددی نکل یکمود و هر کدام از راویه خان خود به انقلاب به متابه ملک واقعیت مام و لر اکبر پرخورد نکند. این مسائل بطور اجتناب ناپذیری نکل گرفتند و هر قبال انقلاب اعمال هدف

پس ملک عصیانی امثل و قدری، کنده عراحت اجتماعی نر مقطع هکل کبری ما وجود دارد عراحت انتقلابی در حاده و گتردگی سائل نظری و متنی انقلاب بود. خواص امامی دیگر آن سلطنه این بود که طبله کارگر سائل را از انقلاب تذکیل نمی‌داند و مجموع در تذکین به خطا نه کسر را به مردم اسلام گذاشتند خود، جواه، از این ماء این واقعیت بود که کمونیستها نهر ایجاد کاری خاند باهم سفه، سفال و واحد و از پذیرش مصلح پوچندند. جذیق کمونیستی از ملک عصیان و احمد خان برودار خود عزوب گردیده است وجود داشتند. به همارست دیگر سال جزو خود نمکی ای میانیان انقلاب بود و لافل در سلاح نظری اکثر نهروهاي مدعی کمونیسم بی تزار تذکیل جزو کمونیست به شاهد کلمه اساس پاچگون به سائل انتقلاب از گفت گذاشتند بودند و امر تذکیل عزوب کمونیست را به ملک عصیان خود تذکیل کرده بودند.

به این ترتیب، با توجه به این موامل خذیل کمونیستی ما به طرز اجتناب - ناپذیری بحضور خود و تذکیر سائل متعدد و کوهک - با ترکیبی از روشنگران انقلابی نکل گرفت. حائلی که با همان طول و مرض محدودهای به انقلاب و به سائل سیاسی می‌رسی آن برخورد می‌کردند و همیشه خود را نر موضعگذیری متحاب خود قبیل به این سائل سیاسی منحو می‌کردند. اینها کمتهای ای که وقعتی متعطله‌ای را اکارهای سعادی و نهره نیویندگه برای مثال در ارتباط با مبارزه بعدی‌ای مدعی از طبله کارگر هکل گرفته باشند. حائل کمونیستی کوچکان در سراسر سائل سیاسی و بین‌داشیان انقلاب تزار نباختند ولی از اینها بمورت ساختی کوچک با مائل و دورنمایی هر امری با به هرمه های می‌گذاشتند. انتقلاب و سائل آن خروت وجود هک جزو کمونیست را پرجسته مهاشت و از اینرو این مسائل کمونیستی بمورت همزمان امر انقلاب و اسر جزو را این مقابل خود مهدیاند و فر تقوی و هر آنکه خود به آن می‌بریانندند. این واقعیت بهانگر وجود هک تناقض می‌نماید و حرکت این حائل بود. تناقضی که می‌باشد در سر حرکت

چیز کمونیستی حل نموده از مکو برانه کشیده به اعتبار انقلاب در سفر این  
سالانه بود و از سوی نیک حزب کمونیست به منابع پیغامبر طرف انجام این برانه کشیده  
وجود نداشت.

ما هم میکنی از این مسائل بودیم: زانه انقلاب و سروم از جایگاه معنی درین  
سازمان حزبی بیندهی است که افرادی که سند اویله را تکلیف ندادند کمونیست بودند و  
پیغمبر از انقلاب نیز نظرات سیاسی - اینتو لوزیک مینی نداشتند. اما این تعبین کندنه  
نمیتوشد. ساله ای ای اینست که آنها سند را به منابع پیغامبر طرف مخلص کلیک ندادند  
بود و آنچه این مخلص کوهک را مخصوص و منابع پیغامبر طرف نظراتی بود که آن جمع کوشک  
در قبال انقلاب نداشت. این نظراتی معنی نظراتی که بنیاد موجو دیت مخلص سنتی  
بنیام سند بود در جزوی «انقلاب ایران و نقیب و لذارها (علوط صدیه)» مطلعکن است.  
اگر نیکت کنند بزمیها بود که علوط معدہ اساساً مستعمل پر بعثت ما و موشکمری میانی  
معنی در باره مخصوصیات و مرحله انقلاب ایران است. سوچا هم در این جزوی پیغمور  
پیک عدالت کلی و ملروی مطرح نمیباشد. حزب کمونیست بصورت پیک نیاز از مطرح نمیباشد  
حال آنکه امروز همین مقولات سیاستیم و حزب کمونیست برای ما معانی مخصوص ایرو  
سموس ترقی گرفته است. ما در میارزه اینتو لوزیک ملهم رویزه و نیم پیوندیتی  
مفهوم سوسالیسم و ای ای مقوله سرمایه داری دولتی که پیوندیت ما دست نام سوسالیسم  
حمل و هرمه میگردند، کاملاً ناکنکش کردند. کامهای علی علی پیماری در جهت ایجاد حزب  
کمونیست برداشتند و حتی از تکلیف کنکره میس آن در آینده نزدیکی خن میگوینم.  
اما سورا میانی «علوط معدہ» بیت انقلاب نکرا اتفک کردند که برای این استه تکلیف بعدگان اولیه.  
سند در قبال این مسائل معنی پیغمبر طرف مخلص کلیک نزدیک نمود را زیگران منابع کردند  
بودند و بناگیر برخی مخصوصات آن دوره مخلک تکلیفی پیغامبر طرف بودند و اسلام  
هزوت کرده بودند و با به غرضه عمل گذاشته بودند. نهارهای پیک انقلاب بالدلل  
تکلیف جامن مخالفی را ایجاد کرده بود و ماهم میکنند این مسائل بودند. بدین  
ترتیب تکلیف بعدگان اولیه نهاده تا آنجا که به سرنوشت سند به منابع پیک تکلیف  
معنی پیغامبر طرف معدہ پیک نموده از پیغمبر نهاده راجع به سور تکاملی آن از اینجا  
آنها نداشتند. پیک نموده دون، با برخی مخصوصات بالسانیه و با تعطیل از کامهای علی  
سندید. برای ای پیغمبر طرف اینقلاب و شکلی حزب کمونیست در آینه نهادند. بیمارت نیک  
پیار این نکته باید ناکند کرد که از اینجا اینعماق بیماریان کمونیست با تمام پیغمبر و با  
 تمام عمهه ها و نهارهای امروزی این وجود خارجی نداشت. اینجا بمورت پیک مخلص کوهک  
مخلک گرفت و بر عنین اینکه بر سطح نظری درستی خود را - به منابع پیک تکلیف معنی  
به ساله حزب و انقلاب سوسالیستی وست میباشد اینجا کامهای علی رسیدن به آن  
اعنای را تعریف نکرده بود و حتی ایزارهای نظری کامی برای تعریف این کامهای اینز  
نمیباشد جمع نداشت. و میمدم که این مسائل در انتهای جزوی «علوط معدہ» باشان  
تبیین کلی هرمه میباشد.

در آن مطلع مالزی طرف تکلیفاتی سفر حرکت معنی را برای «سند» پیغمبر معنی میگردیم «سند» هوادار

۰ انساد میارزه در راه آرمان طبله کارگر بود و نکته عمل که از نظر تعکیلاتی  
برای خود فاصله این بود که اینها نظرات خود را سلخ میکند. «آرمان» این نظرات  
را من بخورد. «سپه» به «آرمان» می بخورد و از آن پس «قاعدتاً» سر مرکزتر  
میبار جوب. آرمان مخصوص بخوده «قاعدتاً سازمان یا لدن بر میکنیلات مسامب  
اساسه چرای «سپه» از آنجا هرچه می خودد. «قاعدتاً» لما بیان تبلیغی، ترویجی و  
سازمانی فر جذب کارگری به سلی اخراج آنجا هرچه می خودد بهمبارت بیگرد و علی  
تعکیلاتی ما در آن مطلع تباخته تا پیوستن به هم از جربانیات اساس تو (پادشاه  
آرمان) فر جذب کمودیتی تلقیق شده بود. واقعیت نهان نمود که ما نویم نادهند و  
حتی آن نکته محل تعکیلاتی محدود هم اندیشه بود.

تو طایفه ملهد است این نکته را هم توضیح بدهم که چرا از اینها «سپه»  
تحت علوان «هوا دار آرمان» هرچه بکار گرد. فر میان جربانیات و مطالعه کمودیتی که  
در اوایل تمام مکمل گردد بخوده جربانیات مطلع اصلی بوجود آشده بود. جربانیاتی که  
نمودا به خط سوم مفهوم متفق. سازمان بیکار حل مركز و ادعایه کمودیتیها و آن  
طبق ساله بر اکندهای که بندها یا پنهان از این تعلیه کمودیتها گروه «وحدت انقلابی» ...  
را بوجود آوردند. بناج راست این طبقه بخوده در مطالعه این خط سوم گروه های ...  
جهان آنکارا از اینها راه خود را چنان کردد و بیک جربان روزبه بونصی مخصوص بخود  
آورند. غایبی دفع از اینها فاصله خود را با این خط حفظ کرد. خط سوم فر والع ط  
«سپه» - تعکیلاتی «بیرونیتی» بود که هنست آن را همین بعد می جهیزی از راه  
کار «خانی» - تعکیلاتی - نقدی ماهیتنا «بیرونیتی» - تعکیل میداد. پهله اینکه خط  
سوم فر قیال بخودی موقع تایید آشیر نداشت و در مطالعه روزبه بونصی متن و احراز  
طریق از خود «مرزیندی» های اعلم کرده بود. ما بطور کلی خود را به این خط سوم  
و بخوبیه به جناح جو آن در زمینه میدهیم. با توجه به اسناد مدون این جربان ...  
«آرمان» را فایده جناح چو از یا به می کردیم.

بنابراین ما به علوان مکمل اول خط سوم را پست اصلی جذب کمودیتی  
میدهیم. جناح جو آن را جناح به عنوان ارزیابی می کردیم. جناح که موافع تاطع فری  
در باره مقدبندی انقلاب و حد انقلاب بارزد. تصور ما این بود که سپه بخوان بله  
جربان لکری به این پست همی می بخورد. حتی در آن زمان هم ارزیابی ما این بود که  
ما از لطف نظری بخوبیه نزد زمینه متدولوزی مارکسمه تحلیل تصادی جاسه و درک  
رابطه القصاد با سیاست و مبارزه طبلاتی و انقلابی از خود آرمان جلوتیم. اما  
چنین تلقی میکردیم که آنها از نظر درک تاکنیک های مخصوص، از نظر سازماندهی و  
مبارزه تعکیلاتی از ما جلوبرده و نظرات قدیمه های ما را نمی داشتند. گفتیم که این تصورات  
محلی سریع فر طرف میان چند ماه اول ابطال خدا. مخصوص هد که ما متوجه بودیم. لمن  
فر والع از فریکه لطف ما از ودمت ذهنی جذب کمودیتی نتیجه شده بود.  
بنابراین نکندهای که اینجا باید تاکید خود ایست که ما از اینها با این نک

دست پکار تدبیر کردند که رامان پیشناز مبارزه علیه پیرویم در جهیز کمودیتی ایران  
میومن. البته آن ترکیبی از اراده که سهند اویله را تغییر نمایند پیرویم را به  
منابع پیشنهاد کردند. میتوانند، به شرورت استقلال طبقه کارگر از لحاظ  
نظری و عملی - تغییراتی بین پرده پودند. علت این ساله این بود که اندیشه ماقبل در  
زید این رفاقت نقد داده بود، للشه و متولوزی این پیشنهاد از همان ابتدا  
مارکس مبنای تکری این رفاقت قرار گرفته بود. بدین برآین پیشنهاد از همان ابتدا  
پیرویم را به عنوان میان اتحاد اسلامی و میهم در چشم کمودیتی حکوم میکرد. اما  
دکته هم این بود که می تصور میکردیم که مبارزه علیه این پیشنهاد از مطیعه نباشد  
این حد دفعوار تبادله می تصور میکردیم که طیف چه خط سوم از نظرات ما انتقال  
میکند و خود پردم پیغمبر این نظرات را در دست میکرد. میان این طریق که گذشتم می  
دانم از زیارتی بین خود و این خط تدوینیم و گفتیم که مثلا این تصور نادرست فرازد.  
واعده میکنم این اتحاد مبارزان کمودیت با آن مخصوصاتی که یافت و وظایفی که بسر  
عهده گرفت، گروهی که توانست خود را به روشنی از خط سوم مشایخ کند و این خط  
را معرفی نماید کند، از اینجا وجود نداشت. امّا می حامل بکه پرسوه نکمالی بود.

این یعنی صحبت را جمعینی میکنم. من کوچیم این والعمرت را بغان بدهم که  
امّا بکه متابعه پیش تغییرات میکنند ای مرکتار پیش تدبیر هدف نهادت نباشند موجوه بنت  
خود را به نتایج آن رسیدهند. با و در نتایج این هر دو بام رعد کوچیم. دورنمای  
ما نیز در طول پر اینکه مان و هنگام ها و طایف مان رسید کرد. این تاکید مجددی است  
هر این حکم که مانع مصوب انتقال پیرویم. انتقال ما را به ناگیر رسید میباشد به  
این صورت که به نتایج وظایف نویسی که همچار روح جهیز کمودیتی بطور کلی قرار  
میباشد. آن بعده این پیشواز نیز که بطور سبی جلوتر و پیغمازتر بود بسیاری  
اینها در قلب تدبیر کنندگان تبری به پیش میراند و ماه به اعتبار مزبوری نظری ای که با  
پیرویم مانندیم، نتایجیم نر این بعده پیغمازی باشیگریم. مایباشد در از زیارتی  
گذشته ام. امّا آن را پیشنهادی در حال تدبیر در نظر گوچیم و بحال فاصله باشیم که  
این همان امّا که اینجا نهاد. ما در اینجا موجوب نتیجه ای این رسید نیکر و  
در این میانی نیکری را مدعیم و امور موجودیت افق نیم و شوان نیکری باقیمانم.

با توجه به این ساله حیات تعدد ساله اتحاد مبارزان کمودیت را میتوان به  
دوره های مختلفی تقسیم کرد. در طول این چند دوره امّا میکه در حملات میکه پرسوه خود  
آگاهی را از سر گذاشده، یعنی پرسوه آماده شده از برآینده تدبیر میباشد تقویتگر  
پیغمبر از نظرات تقویتگرها نتایج عملی مطلع از این نظرات. بطور ملائمه  
این پرسوه آگاه خدن به خود و وظایف خود بود. این برسوه به در معاشر سفلی  
نتیجه می خوده و من فکر میکنم با این تقسیم بندی و در چهار جوپ این تقسیم بندی  
ما سائل گذشته خود را پیش نزد عواهیم کرد. این را هم نذکر میدم که ملیمان  
مزبورها این دوره ای از نظر ملی سبیل نهاد. اما لطامی توکان ها من همی را بسیاری  
حرکت از پیش دوره به دوره بعد ملأ قرار نداد و به پیش تسلیم بندی واقعی رسید.

دوره اول : از زمان تحقیک‌های او لیه محقق بند نا جدایی عملی از آرمان را در برخی گردانیدن دوره با تلاش ما در جهت طرح نظرات خود، بدون مر دستور فرار نداد و پر اینکه منتقل تحقیک‌لائی مخصوص نمی‌شود، در این چند ساله، در عین اینکه ما به سمت طبله کارگر و برموردید به مسائل جنین کارگری گرامی باشیم، اتحاد همای تحقیک‌لائی و سازماندهی سعینی در میان کارگران را وظیله خود نمی‌دیدیم. ما بحث‌های را بر جنین طرح کرده بودیم و هدف‌ما تقویت مفهومی سعینی در جنین کمونیستی - هارج از خود سا- بود. کانی را که جلب این نظرات می‌غذید، منی نر واقع هوا داران خود را ... به سنت آن طبقه مسند سهیمن بود مهدایم. سا وظیله سازمانی نیز رهار ابرمهده خود نمهدیدیم زیرا خود امیدوار بودیم در آینده‌ای بسیار نزدیک توپط آن طبع می‌عنی سازماندهی سی خوبم. ما هوا داران خود را به سازمان یافتن با آرمان تعویی می‌کردیم، زیرا امیدوار بودیم خود بزودی با آرمان سازماندهی خوبم.

والجهت این است که این همان دوره از نظر سازمانی با آرمان تلاوی نداشتیم. هر بوعضای سفلی ای بودیم که بدون وظایف مخصوص، بدون کار تحقیک‌لائی منظم نم طبله کارگر، بدون ارگانیای مخصوص، نر راس مددای روشنکر - و در آن مقطع بعضاً کارگر. اتفاقاً بای روابط سفلی متناسب با فرار گرفته بودیم. تلاوت نهایا فراهم بود که ملا و پندربیج که قابل ملاحظه بودی از آرمان را تکمیل می‌نایم ....

چنانی سا از آرمان نزد خود آفریدی. دی سال ۱۹۴۸ مورث گرفت. ما ابتدا پنابر شروری‌ها که ملنا در جنین طرح گردیدم، نام خود را تغییر دادیم و خود را «اتحاد سیارزان کمونیست» نامیدیم. در این مقطع نظرات ما و آرمان عملاً از هم فاصله می‌گرفت. آنها ملنا نظرات مارا تائید نمی‌کردند و عملاً از برموردید به آن طلبه من رفتند. نظرات آنان نیز در بوعضای آفرغان - مورث تائید می‌نمود و بصور پرای دوره‌ای نسبتاً مطلولی آنان عملاً ساخت بودند. املام هوا داری از آرمان عملابه مانعی بر سر راه تعالیت ما نبینید هدیه بود؛ اما راقیعت نهان ناد که ماله باشدار یک تغییر نام ساده لرا از رو دید و یک گستاخه جانبه از آرمان مورث پیگردید. جنایی عملی ما در متن بحث‌های مورث گرفت که برای «وحدت» با آرمان به پیش می‌بردیم (ما با همان درکی که در آن مقطع از برنامه و هویت کمونیستی ناداشتم، ام بر موردید به آرمان لزوم وحدت بر سر بودیم و موافع اصولی مدون را تاکید می‌کردیم) در آن مقطع بحث برنامه در گروه ما طرح بودو بوزیر نوینه « برنامه جمهت » بمورث بروی منظر عده بود) آرمان این مورث را درک نکرد و راه ما نیز گر بطور کلی از آرمان جدا شد.

یا جنایی عملی از آرمان بورنای و معتر و وظایف‌های جانبه تری در مطابل سا فرار گرفت. با جنایی از آرمان ما به خود زگاه کردم و این سوال را بر مطالع خود فرار نایم که وظیله ما بعنوان یک تحقیک‌لائی کمونیستی جهت. تا آن زمان این سوال و مسائل مخصوص تری چون سازماندهی کارهای انتشار ارگانه نلمهم و تضمیم نمرو در بعدهای متعدد و متتنوع تعالیت و غیره به مدنی واقعی کلمه برای ما طرح نمده

بود. اکنون با این جایی، ما خود را تعکلی نمی‌نمیم، مانند سایر تنکل‌های متنکل، که باید پنده دست و پا و برانمک تعکل‌ها معنی نداشته باشد.

دوره دوم: که از جایی از آرمان تا انتشار بر قاعده ام. نکرا در برس گیرده دوره متنکل مدن ماست. دوره‌ای که در آن تثبیت هویت متنکل‌دوستان و ازمان‌دهی متنکل کارها و امکانات‌تان را آغاز می‌کنیم. در این دوره نه تنها هویت و موجودیت متنکل خود را در جنبه تثبیت می‌کنیم، بلکه در عرصه‌ای معنی‌بده مکانه روی پهناور تبدیل می‌شون. در عین حال مسائل تعکل‌هاش ما و نقشه شفاهی‌اش مطلع متعدد ماست این دوره می‌کند. وقتی ما حرکت متنکل خود را آغاز کردیم، این خصوصیات هم مکانه به مکانه آنکار متنکل در طول این دوره ما واقعاً به صورت روزمره با امر تعکلات و ازمان‌دهی خود روبرو بودیم. نیروهای خود را ارزیابی کردیم و به عرصه‌ای متنکل تخصیص دادیم تقسم کار کردیم و به هر صورت‌هر کی به کار خاص متفاوت داشت. پس از انتشارات پیویسد آمده بعنوانی برای پرخورده کارگران و مسائل جنبه‌کاری ایجاد کردیم. پس از تانعیمیان و هواپیاران را بوجود آوردیم. ترددیم دوره است که رلایانی نسبتاً زیادی بنا پیوستند و گسترده‌گی پیشتری به کار می‌دانند. مثاله هم در این دوره مخصوص‌های متنکل خود را به آن نزدیک می‌نیمیم و برای تاثیرگذاری بر این جریان به مکانه ارگان نهاز نداشتم. مهندسین ایزار مادرانه دوره نماید "پسی-سویالیسم" بود. با هماره پسی-سویالیسم و نتائج متنکل آن معملاً بر ما تحریک کهنه ایجاد کرد. ایزار بدگرما نفریه "علمه بیکاری" بود. علمه بیکاری حامل کرایه‌های مانند ارگان مخصوص از مکو و روی آری مان به مسائل عملی جنبه‌ای از سوی دمکر بود. مبنای کارهای علمی بیکاری ملکیه جزو "دورنای للاحت..." بوده و با بطوط کلی بحث‌های مطرح هدف این مقصد که قابل تبرناست نایابی بیکاری پیشنهادی مانع هدف بود. ارزیابی مبارز آن نقطع این بود که در دو عرصه جنبه‌ای خلق کرد و مبارزات کارگران بر علمه هوارش بیهان انتقامی، مسائل هرم جنبه‌ای انتقامی ایجاد اسرار اسرار است. بر کردستان که توهمی به رژیم وجود نداشت، رویارویی متنکل انتقامی و مذکور آغاز شده بود، و در عرصه مبارزات کارگران بر علمه فلک و غدار خان انتقامی می‌زد و از سوی پر طبله کارگر، این نوهای متنکل خود و طبله کارگر با کمل و دعالت دمکری کهنه‌یست به منافع خود بر این انتقام آگاه شد. علمه بیکاری بر مبنای نهادهای این مردم می‌بارزات کارگری و با شوجه به وجود مک‌جنبد با للعمل علیه بیکاری آغاز به کار کرد. در این دوره ما هنچ نه فکر برک اصولی تئوری تعکلات بودیم و بخصوص نه شباهل نظر با رلایان از سازمانها و گروهای دیگر در این زمانه کنکاف می‌کردیم. تلکی نام در آن زمان از علم و تئوری مازمانده محدود بود و علاوه بر تکنیک مازمانده مضر می‌ماید.

بهر حال در هایان این دوره اتحاد مبارزات کمونیستی پیویسد آمده بود که در جنبه‌کمونیستی مذاخته عده بود، مبارزه معنی‌را بهتر کناده بود و در جنبه‌

اسا به اعتبار پرچمار عدن در میارزه علیه پوپولیسم همیت منقلی باقته بود.  
دوره سوم: فاصله انتصار برناهه ام.ب.ت تا انتصار برناهه حزب کمونیست  
(یعنی انتقاد کنگره سوم کوولد) رادر برمی گیرد. در این دوره فعالیت‌ها همچنان  
که گذشت به خود می‌گیرد، حسومت اصلی این دوره اینست که اولاد دلو آگاهانه برای  
ساختن حزب و تلاش برای تبدیل برناههای لنهنی به برناهه بکنفرنسری والی در جنگ  
کمونیستی و گردآوری نعروهای واقعی پرولتئری به گردابن برناهه در دستور کارسافراز  
گرفت و تانها ساله پراهنک به خوبه کمونیستی برای ما واقعاً طرح شد. در حالی که  
در دوره دوم ام.ب.ت اساساً به سیک کار مروختی پوپولیستی در جنبش تیکن کرد بود،  
در دوره سوم انتقاد از این سیک کار و تلاش در برآفتن سیک کار کمونیستی مغلای در بروز  
ام.ب.ت مکل گرفت. ساله سیک کار کمونیستی از بکو با ساله ساختن حزب و ازسوی  
دهنگر با ساله روی آوری به جنبش کارگری پیووند پیووند. تا آنها که به ساله حزب  
مریبوط می‌شود. مادر برآفتم که حزب نمی‌تواند به این خوبه کار کند. کام به کام  
در میان نیم که برآهنگ سیک به خوبه حزبی و کمونیستی نیست. در رابطه با  
جنبش کارگری، پوپولیسم اساساً دستاوردهای تبادلت که سا به آن انکا کنیم، و سا  
بندوان سازمانی که برناههای کمونیستی را اعلام اتفاق داشت کرد، بروی آوری و سمع  
به جنبش کارگری و برآهنگ سیک گرفته را در دستور کار خود معرفیدم. علمیرم وضعت  
سیاسی در آن مقطع و علمیرم در اینجا پلمس و هدم و سرکوب و اختناق سا سم پودم  
که په جنبش کارگری روی پیمانه دیدم. اکنون سا برناهه داغتم و می‌باشد این برناهه  
را په درون طبیعه کارگر پیویم. این گرایش به جنبش کارگری نیز به سه خود سا را  
در پرا بر بحث سیک کار قرار می‌نماید. سا بسرعت برآفتم که کاری که تا آن زمانه  
در طول دوره دوم، گردد پویم کاری کمونیستی غریزه دهنده تغکلات و سازماندهی  
نیزه است. په رحال همانظور که گفتمن حسومت اصلی این دوره کار سا گامهای  
آگاهانه و عملی برای تشییع برناهه - و نه پطور کلی میارزه امکنلوزیک - مطرح  
شدن مسئلله سیک کار و سازماندهی جنبش طبله برای سا بود. همین سمت گهی است  
که سا اجازه ناد در این دوره دوکار اساسی را بروست بگیرم و علمیرم نسبات  
پلمس و لقاو بدت مالنه بورزدازی در آن حتی از دوره قبل، یعنی از دوره  
هرابط نتا آزادتر فعالیت به گهیتر ناخشم - اول مسئلله ارتباها با کوولد بود  
و دوم انتصار کارگر کمونیست. این دو عاص رهیقا مائل و منفله مارا در آن دوره  
منعکس می‌کند. از بکو ما منقاد شده بودم که باید نظریه ای کارگری، سما -  
تبیهیست منتشر کرد تا رفای سا حول آن سازماندهی هوند و امر سازماندهی را به  
پیش ببرند و از سوی دهنگر معتقد بودم که از هر نظریه ای مهیه در این مقطع پهپورد  
بحث‌های مریبوط به برناهه سلیک با کوولد است.

با گذگره دوره کوولد هر آنها ماعدهی برای دنبال کردن عملی بحث برناهه  
بوجود آمده بود. قبل از اولین نفتت سا رفای کوولد سا در باره نموده  
برهوردمان به وفای و مائل اصلی که باید در این نفتت‌ها مطرح شود صحبت کردیم.

ایند این بحث سارچ عد که به غیوه "قدیم" نز برخورد به گروههای دیگر بحث را برخورد پلانتفرم‌های انتداد عمل و در این مقطع بیوژه برسود جذب‌کننده متمرکز گفته معلمی سریع متوجه عدهم که بحث انتداد عمل نز آن مطلع جای مسیحی دناره دستله مهتر سندگیری کنگره "دوم کوماله بود" دو جریان نز جذب‌کننده می‌رسند نامکاره را بزنند و یکی از این جریانات کوماله بود. از این رو ما نتیجه گرفتیم که مهترین وظیفه ما باید این باشد که تلاش کنیم کوچک خود بروم برخاسته را بلند کند. آن نیرویی که ما درینام مدت برای بلند شدن این بروم انتظار را ناچیز نمایم گذون آن بود. وجود نیافت و نی باست مسلمه و نهاده لرجهت رفع موقعیت نیز کوت کوماله در جهت برآفرانخت بروم برخاسته تلاش میکردیم. ما باید از این زیادی روی این سندله متمرکز شوکردیم.

ازسوی دیگر، بروم ایش که همه "نیزیات‌ها" بکی بس از دیگری تعطیل شده بود داده ما تصمیم گرفتیم که تغیره کارگر کمودیسترا، با عنان امکانات سین و سندور و خرابی ناساعد منظر کنیم و چشم کردیم، سه ماه پیش از ۲۰ هزار داده نداشت بد کار نزدیک خدمت و نا لرور نهین؟ خداره آنرا منظر کردیم.

اگر توجه گنبد در این سال بسوی "سوالام" ملا نمیطلیل عد. علت این ولایت تصمیم آگامانه "نمی‌بود". علت این بود که با توجه به امکانات محدود تحریره و هما نجده به هر ایش که نز جذبیش مرده خود "تعزیره" بسوی شویالیم ملا نمیگر بحروف متمرکز کمودیست گناهه بولیم. ما مخدوایتم بز برخانهای برمیم که بعد از این بزرگ‌تر نیزی نیست که نیزی بایست تغیره را منتظر میکردیم و به این معنی نیست که اگر کار سراسری مان را ایامه میخادیم نتایج پیغامبری نیزی گرفتیم. ناچار بیهوده‌تری سر جذب‌کنگاهتم و برای سال نهضتاً استیم نز سریع‌تر سازمان پهکار نهالت مولوی تری بگذیم. اما ما در محدوده "انسریزی" معین تصمیم میگرفتیم (البته فرجات دیدگر و نز ارزیابی انتقادی ارگانهای گروهی باید ب این نکته بهر نازیم که هرا از همان ارزیزی‌یعنی انتقاده "مولوی و اصولی تری نند)، اما بحث من برخانه است که این دو نیست گهی اصلی، خصوصیت این دوره از فعالیت‌مارا غافل مهدوده. ما گاهی ای اگامانه و عملی در جهت تئوری و برخاسته بزد اهتمام و برخانیک یه غیوه "خریبی" برای ما طرح عد. دورنمای حزب و دورنمای کار نز جذب‌کارگریه این جهت گهی اصلی دو دوره "سوم لفالت" ما بود ...

دوره "سوم با کنگره" سوم کوماله به پایان می‌رسد. این بیک دنله عطف بود زیرا این کنگره امکان ناد که برخاسته "عزب کمودیست منظر خود و انزواجه" خود را بختسر این برخانه لردارد. ما از کنگره "سوم کوماله نا امروز یک‌دوهه" کنگاهه برای ترقی و جنب وظایف جذب‌کارگریه این جهت گهی اصلی دو دوره "انصار

برنامه حزب ناگفون ما کاری انجام داده ایم، اینکار به روای لدمیم در دوره "جدید" صورت گرفته است. طبقاً هیچ تکمیلاتی نمیتواند نسوان و آنها از دوره ای وارد دوره "دیدگری باز غایبت بوده اینطوری که همه کارها و امسای و میراندر دلخوا وظایف کاسلا ستفا و تجیید را برک کنند. این کاری است که باید در این کنگره اینها بود. آنها در این چندماهه هادئ آن بوده ایم بنقاً مهرات دوره "جدید" و مطابله "گراهامی" در چهت اینها و ما و آن بوده است: با اینها و با تدبیت خط مدنی امریکی در مخابله علیعی و بیدکامهای کنده، دیدگامهای متعلق به دوره ای که اکنون به گذشته تبلیغ فارده، این کنگره درست در این محل ثالث تعریف میکند و با این مسئول روابریست که دوره "قبل" را چگونه باید مانته، داد و دوره "جدید" چه مسمیاتی دارد و چه وظایفی برمیکند. ما میگذرد به انتقاد ما اگر کنگره این عنوانها را برگزیند، اگر در دوره "جدید" به روای قدم لکر کنده پادگوی انتظارانی که از آن داریم نخواهد بود. ما مطمئنیم که با توجه به هنامی که داریم و با توجه به پیشنهاد همین رسی که ناهمینباشیم، کنگره این مسمیات را این نقطه صدر ای را میگذرد و لذا بحث ما پیشتر این خواهد بود که با توجه به این برک یا همایی دستور - جلسات کنگره چه اهمیت تعدادی کندهای دارد.

پس ما فوجیان مثل فلاکی ای فرار گرفتاریم. اما این دوره بندی از زایده "حرکت اراده مبارزان" کمونیستی بودن برای پیشنهاد کمودیتی این دفعه بندی بگوییم ای دیدگری است. در حالیکه در این نظر ملتف آنها، چندین بطور کلی نیز با این اطمیان فرار نارد. هنین در حالیکه، ۱۰۰ تا ۱۵۰ تا قابل از برنامه "حزب کمونیستی بندی سازمانی خود را میگذردند و در طول دورهای مختلف، تکلیف‌های خود را روشن میگذردند. حزب کمونیستی از در سفر تکامل چندین بطور کلی است و در آن واحد تکلیف ۱۰۰ تا ۱۵۰ تا و حدیث‌های نورا رونمیگذند. با برداشته "حزب کمونیستی" هم به دورهای نظمی میگوید. مومن اینکه این دورهای باید بدورهای حیات ما از زایداً قطابی داشته است، از این پس بر اینکه ما چندین بیک پیووند ناگزیر باهم نارد و این ماستیم که نهضتن میگذرم که این دوره "لویس برمل" به خواهد انداخته.

تاکید میکنم که این "ما" دیگر آن "ما" به معنی محدود امریک نیست و تمام بحث بنظر من در این کنگره بوسایت که این "ما" امروز کم است، آیا هنوز ۱۰۰ تا است و ما باید بدلاعال حل مشکلات و سائل اینکه باهم؟ ما این "ما" جرمیانی، است به ویعت اینکه، کوبله و مخالف متعددی که امروز با هرناهه "حزب اد" میگلند اینکه اینها در هنوز کمرویست؟

بنابراین مومنان و باید دورهای که چندین براین مدت پیشتر گذاخته است را نیز برسی کنیم. هند سالی که برای ماقام سعاده دوره ای بود که به آن امساره، گردد، برای چندین بیک پیووند "دوره شکوتا" نیز بعنی متولد مدن و طرح هفت بمنای اصلی کلمه و وزالت سویا لیم هر دو بورزایی بوده است. دویه ای که مختار با دوره "استلال" نیست. زمانی که سویا لیم هر دو بیوژنایی به میک مدنای مدلی متولده

مهد و گشته می باشد، سا متوجه بودیم و مصلاید ببال آن حرکت میکردیم، در این  
روند سوپا لیس خود ببورز راهی ما نب جریان تلکیک خود از آن بودیم و وقتی او به  
زوال منشاده مارکسم انقلابی به دستاوردهای تعمیم کلیدهای معرفت داشت، امن  
حلق، آخر را بگرداید در انتظاط باشم بر نظر گرفته، زیرا بوجود آمدن بک ط منجم  
مارکسم انقلابی در جنبش کمونیستی بک مامل سهم نب زوال سوپا لیس خود ببورز راهی  
بود، معاً این تقابل از کنگره دوم کوشه به نفع انسحال پیویلیم بهت میگردید.  
بعبارت دیگر مهترین نسله طبق در حیات جنبش کمونیستی نب دوره «تبیل، کنگره» دوم  
کوشه است، کنگره ای که سحر صعود پیویلیم را خانه ناد و سلطه وحدت آشنا  
بر جهاد، با این کنگره مهترین تعلیمات کمونیستی ایران (به اعتقاد من غلطول تاریخ  
ایران، حتی نب مذاقه با حزب کمونیست ایران در مقطع جمهوری کیلان) بندوان هست  
جریان جرس کمونیستی باها مکانی توجهی گشته، که بک مبارز مطبقاتی انقلابی طولانی  
را این مقابله ببورز واژیان که ابوزیمین خود ببورز راهی را در هم کوبیده است، رعیتی  
میکند، به این مقابله ببرنامهای حزب کمونیست دست یافت و بیارزه برای دستهای پسر  
عیونی ای برآتیک کمونیستی را نب ستور خود فرار داد، اینها دیگر پیویلیم ناگزیر  
از فروریدن بود، کنگره دوم کوشه تاکثیر مستحبی نب تعمید بیاران پیویلیم و در  
کامن اعتبار تعلکلایی پیویلیستی داشت، با این کنگره دورنمای دیگری در مقابله  
مارکسم - تعلکلایی گشته میگردد، وجود هزمان ب برنامه «ام-بک و کنگره» دوم  
کوشه کیهای آن است که برآن مطلع ناتریاک و صالح لازم برای هکت قلبی پیویلیم  
دیگر فرامده است، هکت پیویلیم دیگر در آن مطلع بروعنی تقابل بیش بینی بود و مادر  
مقاله «پیویلیم درین بست» سرنوشت پیویلیم و تعلکلایی پیویلیستی نظر پوکار  
وا به روشنی بیش بینی کردیم، برآن مطلع دیگر متعجب داش که مارکسم انقلابی دیگر  
زمینه ای نب کوشیول نیست، بلکه بک مذکور شدند و موثر نب جنبش کمونیستی و در حال  
نه کل گرفتن است که مذاقه است خود ببورز راهی تعلکلایی پیویلیستی را هم بازود نرم خواهد  
هکت.

بنابراین دوره ای که برای سا دوره «تنبیه استقلالیان بوده برای پیویلیستها  
دوره» بایان حاکمت و آغاز زوال اعماق بود، دوره ای که برای سا تعلکلایی و برآتیک  
گشته میگردد، «برای آنها دوره» از کنگره فتن برآتیک و تعلکلایان بود، دوره ای  
که تعلکلایی پیویلیستی پیکی برآز دیگری به پیستی و پیشنهاده، پاسپویلیستی و تعل  
میگردد، و امروز یاز در مطلع انتصار ب برنامه «حزب کمونیست و انجام مارکسم  
انقلابی می بینیم که ما با هیبت نظریا مطلع پیویلیستها در بعد تعلکلایی رویرو  
همنم».

این مقابله در شهر حرکت گشته، سا و جنبش بطور کلی، اکنون نب شهر حرکت آمده،  
به بک پیوند همچنانه تبدیل میگردد، مانند سا و جنبش امروز بمورث گیر ناپذیری  
به هم پیوند خورده اند و بنابراین ما در این کنگره به آنها که از اسازمانی و بکه  
کار سه میگوئیم و به آنها که از برقان و ناکنیک، باید نه اتحاد بیارزان

کو نیست بلکه کل جنگل را مدنظر نامه باشم. اینک را من نیز نداشتم بعده از اینک جنگل و مردم بزرگ در سال کل جنگل هستوان تصحیح کرد و سازمان ناده این مارا ناگفته می‌سازد که با روحهای جدید به استقبال سالهای دوره "جدید" برویم که با انتشار برنامه "حزب کمونیست آغاز می‌شود.

گفتن که دوره "جدید" ساده‌باشد بحسب کامل پیوپولیتیات. ابعاد مختلف این "غیرت" را میتوان بیکه عورت، یعنی آزادیم است. ساخت و عدایم برآورده و متعددی از پیوپولیتها به طالعه هکل و فیضه افتاده اند و تمام موجودیت‌هاشی - عان و تقاضات و تعلیم‌های قوی لذتی و قوی متد ولزیک تکمیل می‌شوند و نازه، همه اینها برای آنکه عاید روزی بتوانند لذت دویال قبول مارکیم اندلاع را نمی‌کنند. یعنی دیگر با احتمام است. هن بست عملی از مکو و نظریها را مختلطی که برای توبیه، کنار کشیدن و دست بکاری نزد این ایجاد می‌شود، اینها وجود، مخفف، پاسخ‌نماییم را باید از طلاق یافته از سازمانها پیوپولیتی است. یک تصریف از این اتفاق‌ها نظر اشتیارات موسوم به "انقلاب سیواهیت" است که پیش از راه ریختهای ساخته شده کنکه به مسلکی راه‌پیویش آن اعماق این دستورهای بین‌دولیم ارتضاد مات و ساده است. یعنی ساخت و جربه‌ناتی هم متعدد که امسا به انکار اصول و مبادی مارکیم و خروج از این اجتماعی پیوپولیارها رسیده اند و نظریم بکی از جربه‌ناتی باقیمانده از "وحدت اندیابی" که بین بست عملی هورانه در مسود بلکه در مارکیم جنبه می‌کنند، بیرات دیگر پیوپولیم در غلطهدن مستلزم و آنکار بد نامه بیوتزاری است. ساختی که باعورد ساختهای توبدی ای و اکتریتی می‌شوند با دربرابر توهدی و اکتریتی "جا به می‌شوند و اگر بتوانند پیمان انان حرفست و هر قدر در حظ کنند، حداکثر از میاره" حساس کنند و ماده‌لذتین می‌شوند...

اما موقعیت ما (به همان منای گترده که گفتم) چیست؟ واقعیت اینست که ما در موقعیت‌های رساندی غرار داریم. ما بمعترین تعالیم را ( تعالیم بمنای کانیکه می‌خواهند مرکت کنند) می‌خواهند فعال باشند را غرایعت‌های ایم، هرگز مرلکر می‌باوره و انقلاب است به ما نظر دارد. ما امروز پرنسامه "حزب کمونیست" شنیدی که قریب ۵۰ سال علاوه‌آن در جنگل طبله‌ای را بصوص بوده است را فرست داریم. جنگل ما نیتواند از این دستوارد به مقبره‌اند شود. ما یعنی نعروایی پرنسامه "حزب کمونیست" همکار بندی کامل جدید در جنگل بوجود آورده‌ایم. سفت بندی که در مکوی آن جربه ای مادر را در این روش بینی اش و اکارهای ایش برگامهای بعدی که باید برقراره جربه‌ای که مسئله و وظیه امروزه را تلیهم این والتبیات در ملوف خود و آزاد کردن انرژی خود برای انجام وظایف هتلری تکمیل می‌شوند. این جربه‌ناتی و تعالی اینسته، اینکه تمام آینده "هوران" برگوییدن این طی می‌شوند. این بک مت‌بندی کامل جدید است. این مفت‌بندی "زمندگان (چی) و پهکار (مرکز)" نیست، این مفت‌بندی قدایی و خط ایست، جربه ای همه " تعالیم هوران" ایسم از نهانی و خا و وحدت اندیابی ساید فعلاً "کامپونوتویست" خدا و اتحاد است.

کنونیت‌ها و اینهاد هب و همراه را تاگزیر میکند تا مینها به موضع را در مقابله آن  
پنگردد. دلک گفرو و انتقام ماه مخالفت مارا نهیز با منجم میکند و با به آشاد  
هزیره میلند. بر هر مرورت بمناسه "حزب کمونیست ممالک فران" هررا ب انسام بالتن نعت  
برهم اهدال پنهانه تهر و پیروی و قسم سوی مهدده. آنها که میخواهند در مقابله مایباشند  
ناگزیر بزرگ برهم میانانی خواهند رفت که موافق منجم ترجی را در مقابله ما قرار  
مهددهند. هریمان ما از هم اکنون شهر خود را بر سریعه ممالک امن افراد کویده است.

جوانان شاهزاده امنباو کوشه در مقطع کوتونه بر برآبریورز واژی و نهیروها.  
آهکار ابورز و اس در حاشیه نهیروها هریمان معتبر مبارزاتی است. هنچه مذاومت  
علق کرد باه ملزو و بیه مرد. بالعمل اندلاع امراض است. بله جدید و allen گدره داشت  
که در طرح های سود توجه و حائز اهمیت است. و بر صدر این جذبه کوشل لزار  
بازد که بله نهیروی مینهانار بمناسه "حزب کمونیست است. حیواناتی است که توبه" و همی  
از مردم هر این کشور همچ امده به آن دولتشاند و راه دستگیریا بر تعکل و مهاره  
تحت برهم آن جهتی هم میکند. مازسانی که هر روزه در تبریعی روحیاروی با نهروها  
سلح مسدوی اسلام در حدا مقدم جمهوریان مذاقل آزاد عده مهیجند. بنا بر این اینظر  
والهیهای اندیه همراه پهلویان و چه نظایر هریمان ما بله موجودیت باورگردی،  
قابل انتکا، اصولی و تقوی استدک موجودیت خود را به احراز ایوزیون، ظهیر  
سیامد تحصیل کرده است. در سریعه کوچکترین جا مغل کارگری سفر نهیل عده است.  
اکنون نهیک ممالک امارات ما نهیتوانند به بله موجودیت جوانان تهدیل خود را آنکه  
بدوا حساب خود را با جوانان ما و بمناسه "حزب کمونیست روسی کنند. این طب بدلی  
محبوبیت اعنی هروره "جدید است"

خر چند هر این طی ما نوره" رویی از فعالیت دوروه" حزبیت را آمار میکنیم.  
نوره" حزبیت دوستی؛ بله نوره" ساختن مصلی حزب کمونیست و بله گر مبارزه" ب  
نهیروه" سریس. ایندرو بهدود ناگشته ای نامه دارند. مهاره" بد هیروه" هریمان همان  
سراب است که مارا به حزب مسمر شاند و ساختن حزب بله بهدود خطر اساس مبارزه به  
نهیروه" سریس سه معنی و allen کلته است. مبارزه" مصلی و هریمانی گاهی ای اکامه ای  
و مفصی سرای ساختن حزب و مبارزه به هیروه" بله حزب" مهاره" حزبی برگلیه" اینهاد  
تعکلهاشی" ناکنیکی و همراهه این روح و پیغامها در نوره" جدید است و یکدیگر "ام" که  
باید برای این مسائل ناکهند و بله این مسائل بهدود زاد و تنهای این چندین سورتی ایم" که  
میخواهند باز مردم راک بر جنگار بررس و طایفه همیه و مسائل دو فرجیه ما باید.

برای برگل و طایفه ایان بر نوره" چیدید لازم است جنگدا لگامی به گذشت" ایم" که  
بمانند از هم و مصوب نظام شد و قدرت هم را بررس کنیم. ما باید بلهم که از جه  
جهزهایی باید بینیم و کلام کمیودها بر کارمان را باید رفع تعالیم. در اینجا نهیز  
طبعاً انتقاد باید خودم گره گامهای اصلی برکار میباشد و جزئیات میتوانند در بخطای  
ململ نه باتوجه به این روح کلیه" بررس خود".

در مرور نطاها نهاده ایم" که لزومی ندارد به تفصیل محبت کنم. اینکه دو دلکه

اما از همکنون اول اینکه مادری باز را بر مادری و بزرگتری مادری میگیرد. مادری مادری و بزرگتری را میگیرد. اما آنها این بناست که ما آن کامهای را که میباشد برای تجلی مرده کم مفعت تر این وظیفه برداشته بود. برداشتم؟ بنظر من نه. و نموده این، عدم انتشار سوی سویالم در مکال گذته است. اما ما به کمربودیم به این معنی که شایع تلاش خود را در محدوده امکاناتمان درایم زمینه میگردیم. دوم اینکه امکان نیز مانند کوشش و مانند آن نیروهاست که غمیده‌ماند کمربودیم بررسیجهت به سامانه گردی و کاسپکاری و تدکیلات تبلیغاتی درست کردن و از زاویه‌ای غردد بورز وابسی تدکیلات را حدیث شروع نموده بینه مرتفع‌لایدیم. بعیارت دیگر اینکه نیز هم تدکیلاتی هرگز نیست کار مانعو و ما هماره کوچکیم تا این‌تلوزی و سیاست را بر تدکیلات مقدم نکنیم. اصول ناطر برکار ما اور این‌تلوزیک و ماوراء می‌بوده است. محبیه کوچکیم این تا امول این‌تلوزی انتقامی مان یوکار تدکیلاتی مان ناطر پادشاهی ندانه. تدریست به ما امکان ندارد استنای حل مالطیس فایر باعثیم که ناید تدکیلا. تهای نیز هرگز مرتب‌ابل آن زانو می‌زندد. اما من به قدم که نقاط قوت اصلی ما عده‌ما بذله نظری و متولوزیک نارند، برای درک نقاط قوت امن هم باهدار مینهای متروع ننمی‌نمایم.

نقطه غصه‌ام اسas ماه حلتمای که نقاط قوت اگون مارا توضیح می‌دهد، اینست که ما بنا به دلال و خراپی اجتنابیم. داریمی می‌می‌نمی‌نمایم که بنا به آن هوا می‌برایم و به هیچ تصوری لنه‌ی تدکیلات ملحی نبودیم و به اسر تدکیلات‌هستایه بله علم پرورد نکردیم. اینجا من از برایتک تدکیلاتی امکان در مجموع می‌گوییم و به این مثله کاری ندارم که امنی با آن وقوع اختلاط در موارد مختلف درایم می‌شود. شایعی کرده استها تذکری نداره است. بیهوده‌مان به مک‌حلات تدکیلاتی مان تبعیمه شود. ما به تصوری لنه‌ی تدکیلاتی تصوری‌ای که سازماندهی به غیره کمونیتی می‌بریمی‌نمایی‌ستهای کمونیتی را بر دستور کار می‌فراریم، منکی تصوریم. ما عملاً به غیره‌ای فرآنتقادی بینه‌از دو سال از سیک‌کار و بینه و تلویزیونی تذکری‌لایی بیوپولیتی و که بر جنبد حاکم بوده تبعیمه کردیم و آنکه کمتواستهم این تبعیمه را کنار می‌گذاریم. نند همیزی تا تنازع مطلق لش اقامه تفاهم. این اسر وظیفه این کنکره است. سانا این کنکره از حاکم‌تسلیک‌کار پیوپولیستی رما نند، ام و مکس از اساس ترین وظایف این کنکره اینست که مارا از امن سیک‌کار خلیل کند و بسیار درک لنه‌ی از تدکیلات و رویدهای کمونیتی در زمینه کار تدکیلاتی استخوار کند.

اما هرایط ناریه‌ای که ملت این شفیدم بوده چه بود؟ اولاً بنظر من بسیار حال برک امولی نیدگاه بروانتری بر زمینه تصوری و پرنسپ بر برک تدکیلاتی بمعنی میگردد. پسون پیشه عدن نهدگاه‌هایمان از زمینه امول سارکشم - لنه‌یم و کاربرد صحن آن فر انقلاب ایران و نهضتوان سیک‌کار کمونیتی را اتخاذ و پیاده کرد. بعیارت دیگر از نظر تحلیلی و تصوریک بحث برناشد و برک امولی محتواهی وظایف برناسته ای

کمونیستها بر پهاده کردن ملی آن بین میگیرد، ما باید ابتدا من فرمیدم که چه هدف را باید پهاده کنیم تا جویی بتوانیم درین ~~پرونده~~ آن باشیم، ما برای ملت این احاطه را بر دیدگاهها برنا می‌دانیم، قبلاً گفت که دیدگاهها مادر کلمت خود کمونیست بوده اما مثلاً تبا در زمینه "برخورد به مکانات سینما تلقیل همه بود" ما اسرور برنامه "حزب کمونیست را داریم" (و ما مکالم فیل برنامه ام، ~~که از اتفاق~~) که بد مالیات از مهدود به پیهودگی روپهای عملی سوریه بسیاری و این را فریاد کنیم که روپهای ملی ای که بکار می‌برد این متعلق به مالیت، متعلق به طبقه" دست، ما در دوره "سوم حیات تکلیفاتی مان به این مشکل بین بربریه امایه اعتقاد می‌آنرا به سراسر این رساندم" البته به همان درجای که از سیک کار موروثی کنیم، به همان درجای که توانیم هنر عکل و قرم تکلیفاتی تضمین انجام دست، به نتایج عملی معمص ردمدم ... حتی آن گوشه "جزئی، آن توک" سوزن از آن طرح که توانسته مکانیقه عمل تبدیل شود، گره "معصی از کار سا را باز کرد، اما سا مثلاً نتوانیم از این حدود فراتر بررویم و حتی نندی که در آن زمان بر سیک کار رایج باشیم نندی کلی بود که باید تبدیل و تعمید مجدد و این کنگره باید این وظیفه را برمهد، پیگیرد.

پس میکی از زمینهای تاریخی این بود که برک نشونمک - برنامهای مارکسم و قلبی استقلال اینتلولوزیک - میتوانیم از ببوروز واژی خطر لازم کب استقلال در روپهای تکلیفاتی بود، عامل دوم این بود که نا خود زیاد خودمایه شفولین تکلیفات و درزیمه کار تکلیفاتی سحر و حائرالذهن نیودم، این تا پیشگی تکلیفات و للهان خود ذهن پلا، روپهای پیوپولیتی فر تکلیفات مارا تهمیل میکرد، گندی مارجیعیندی انتقامی تجاوب عملی و للهان سرت انتقال در زمینه "سائل تکلیفاتی باخت مجدد که مادر این زمینه در جنگیزه نتها پهنانز نیاعمره بلکه نیباله رو باشیم" ما در مردم تکلیفات و سیک کار نتوری نداشتم و از اینرو کاملاً به انحرافات تختیر بیرون و نمیتوانیم در زمینه سیک کار تیکن کریم و نتها براین مکال امیر توانیم از این نیباله عروی دست بکشیم.

منکن است رلایس مثال کمینه ... و مولویت‌های آنرا برزنند، اما این کمینه بر همه "امداد خود کاملاً حاصل کار نفعه نند ما نبود بلکه خود نفعه" عروج مساعدترین نامت، ... نکده "مم این است که دستاوردهای این کمینه نیز به دستاوردهای تکلیفاتی تضمیم بالله تبدیل نند، یعنی اگر به رنیق من گفتند ببرو ویر للان چه کمیای مانند کمینه" ... هزار او نیمیاست یعنی همه یعنی چه کار باید پکند و تکلیفیز نند، بود:

از این معقد اساس + یعنی للهان نتوری لنهی تکلیفات و تیکن به روپهای عملی خود، ببوروزی، مک‌سلله، مک‌لستطوبه، از مسائل تکلیفاتی نتیجه مجدد، من نیمدوام تمام این لیست را مروی کنم، لطفاً به چند نمود اعماهه میکنم:

سائل میارزه نرکارهات و سله و متنه و همه هرچند روز بکبار تصریح میکند؟ این فرارهای متعدد مدتی مرا این بود که هر کس در کارگری و سما دنبال خود بسود و مسوله برخال تحويل گرفت و تحويل دادن این نوع کارها به رفاقت دیگر بود، من این نکته را مرنا بمنوان نمونه گلشم، متوجه من است که حتی شربات پلیس که به تدقیکهای باعث گردید بپولیسی وارد شداید مدتی در این سبک کار نامرت و نقشان و لک تغیری سارکهشی تدقیکهای رسمیه فاعله است. همچ سازمان بلطفویکی در این غراییت در هیابان دستگیری نموده دد، در هیابان سازمان دستگیری مینموده که به کارعلقی تبلیغی، آنهم از نوع هیابان آن، مسؤول باشد، اما آخر کی که در «هیابان» کار سازمان نمکند چرا در هیابان دستگیری مینموده؟ این نوع دستگیری نهود، رایج بوده است و دستگیرهای کلامیک ناشی از نفوذ حاسوسان پلیس در روابط اجتماعی کارهات و سله پنهانی که همیشه ای خط اول جیبه «میارزه» عملی، آریه ممکن است که عویضی از روی سوابق خود در محلات شهر غناهای خوده اما این یک مسئلله است و دستگیری در خیابان، بر سر فرار و غیره، مسئلله نمیگری است، بعثت رابطه سبک کار و مسئلله ام، انتہی مصلحت است و من آنرا به مباحثات کذگره موقول ممکن، در اینجا خواستم به ارتباط نزدیک این در اشاره کنم.

خلاصه ممکن، نقطه شفت امی ماقعه نکت تغیری لنهی تدقیکهای و تکمیل به سبک کار بپولیسی بیود، نقطه غیلی که اگرچه غرور به وفع آن کرده بودیم هاما ابدآ نباید تصور کنیم که در این کار موقوفه مدهادم، کذگر باشد این مسائل را حل کند و به این معنی کذگر، به کذگر این مسائل را تنها پیرای این مکمل نمکند بلکه پیرای جنبش پلور کلی طرح و حل ممکن و به این متنظریم یا به این مبنیه رهمند بدد و هم خود به دست آوردهای خنجر ماه در ایران و جهان بعد این زمانه ممکن خود.

این سورعملی حرکت و روش تفاظ قدرت و غصه مابنایه «مکانهک معمون بود، لاله لاله» واقعه ایشست که ساجزی از مک جنبد و سهتر هستم، ماجزی از مک جنبد جهادی هستم، ما بک جهیان ایران، نهادی و ما کردستانی نیستم، اگر دو سال قبل این مشخص شده مانند که مادری امیاهای بک جهیان سهیم همین و اکنون بروم ام این جهیان را در این کشور بلند کرده ام، اگر امروز جهیز بسواهد راهگهای سا مائده و مختلط است، و مختلط در تمام ابعاد آن، و مختلط حتی نسبت به هموطن خودیان، اگر زمانی رفاقت اسازمانی برخوب سهندی بودن از دیگران مستایز مینداند و اگر پیش از آن، کمونیست بودن «ملک تمايز عده امروز نمیگر جهیان ما باید بروزه، خواستار «بلطفویک بودن» و امیاهای بلطفویم در سلح حیا شد، جهیان ما نهایت به کمتر از این محدود باشد.

ما جزئی از مک جنبد هایی هستیم که هند ده سال است زیر زیاله، رویز بونه مدفون است، رویز بونه بر اعکال مختار منطقه نزدیک شوریهای فعالیتها و رویها را نام جهیان ما جا زده، بنام جهیان ما سفرنی کرده و به سورمهای کارگروز متنکر

خواند است. اینجا نیز من او "ما" بمنای حق و معتبر از "برنامه" حرب کمونیستی میکنم. پنگاره پنهان دیگری بجانب کنم "برنامه" حرب کمونیست را دیگر محدود به آین شور وها ندانم، بلکه برنامه مفهومی کل آین جهان جهان پنداشم. به اختلاف من موقعتی که برنامه "ام" تسبیتیه برنامه" حرب کمونیست داشت "امریکا برنامه" حرب تسبیتیه برنامه" بین الملک فارس. آین والیت را پیشهم و تنها اگر آین را پیشهم موقوایی برای من دور نهاد و باقیتی خود را به انجام برسانیم آین را پیشهم که جدیش کمونیستی ایران اکنون بر مطلب از اگر قدر است که میتواند اتفاق طبله. کارگر روسیه و جندهی سویا ای دیگر آسی رویه (بلطفی کیا) را تکرار کند. آین لطف به آین اعتبار نهست که مادری داریم بلطفیم را آنرا کنم. والیات عینی مهار زده طبلاتی در سطح جهانی چندین ایجاد نمیکند. روزی بونص اکنون بن آبرو عده است. فریاد اینکه "مارکم انتلابی" نیست. بلند عده استه اتفاقاتیها که اتفاق داشته و به انتلاب ششم با آن خصوصیات را تما کلامیه خود در ایران هکل گرداند و به اینام مسلحانه کشیده عده است. اینکی که طبله کارگر با آن وینشی در آن حرکت داشته است. و آین خاصه از نظر معاشر و فرمذگی آکامترین پدر طبله کارگر در آنها باعده آنهم در کشوری که صفت در آن به اتفاقه کامی بپیشیدن نهیں توجه نکنده به بروگزاریه و پدیده است. طبله کارگر ایران اولین بار چندین اتفاق و تلاطم مسلحانه ای پیرون آمده است و امروز جلدی ما درین آین جنبش و سمع طبله به نظرات کوتی و به برنامه" حرب کمونیست ریشه است. حال اگر کسی پنگاره که آین جهان را باید به چیزی کم فراز بین الملک کمونیستی نظر داشته باشد به اختلاف من او خود بپردازی کوئه نظری است که میتوارد مارا غلب بکند. جهانی که برین آین جنبش والی طبلاتی بمنوان نایابند" آین طبله کارگر، از درون جهان اتفاق طبله و اتفاقاً به آین دید کامهای رون کمونیستی پایه مده گذاشته استه و طبله فاره که بگوید میتوهم آن جنبش جهانی را بازم که بین الملک لندن نایابند" آن بود. آین جهان در پسر حرفکت خود، همانطور که درین آین سال پیز در ابعاد کوچکتری دیده ایم هنام تعکلهای پسوک خود بپرداز - سویا است را که به عمال خود مارا بالقب "پیغمبا" بین الملک نوین. استیزا میکنده تمام آن کامی را که نام خود را مارکم است گذاشتند اما خاکش اتفاق ایستک ایران کویا بخود و آنان به نان و دواهی پرسندند" اینها را به سادگی کنار هوا مدد زد. جنبش ما جنبش نهست که مردا انسانهای سین آفراساعدتیه باعند و توان خود را از اراد پکشید. جهان ما اتفاقاً نیاز ناریعنی طبله کارگر جهانی استه نیازی که درین دوره برکورهای مختلف بروز کرده و زیرین و تعکلهای ایندی خود را نیز بوجود آورده است. ما موظلم برا ای انسانهای باعثان علویه ماکن و استواری پلیویم سیاره کنیم و برایشی بر ملوف خود کامی را راه نهیم و بدور فر نهیم که آین را بخواهند. برا اینکه نه کام او اینجا بردارم به اینهم و سمع نظر نیاز نهیم. اگرما برا ای آنکه پریم متنقل خود را فرماهی پل جهانات کس. اهمیتی چون آرمان و بدکار برای ازیم ناگزیر بودم دیدگاههای خود را تا مسلولان

حزب و بوروزواری و انقلاب بی و قله و سمت دعم تا بتوانیم مزبورا در میم کنیم، تا  
پیشوایم مفوق عویرا معمک کنیم، امرور نیز برای اینکه این برنامه را بهانه کنیم  
برای اینکه بگذرم به جلوی برداریم لازم است که افق دینمان را ناسرحد امکان و سمت  
دم و اعلام کنیم تا ساکن بستایم که بین اللئل کمودیتی را از اینجا بایمه و میزی  
کنیم و همانطور که تاکنون وظایع خود را از طریق حل منص مسائل مخصوص جنگی به پیش  
بردهایم از این بین گاهای مخصوص عویرا واقع بینایه تعریف میکنیم بین الملل  
را حزب کمونیست ایران عواد ساخته حزب کمونیست ایران را این جریان ما عوادت  
نمود و جوانان ساره دستهایی به دیده روشن نسبت به بیکار و برانک کمونیستی  
تفعیل میزنند برای ساختن حزب و طبله ترقیت از ایام این طبله عواد ساخته این  
سر قدم بقدم حرکت مخصوص ماست آن رفتاین که سر بودند که ما بیانی بیعت و طلب  
دانشجویان هارج کفواره بیعت باید انتربالیستی را در دستور کنگره فرار نهادم  
این و سخت نظر عویرا دفعان داشته اینکه آیا کنگره ما متواضع و طایید اندرناشیم  
نالیستی ما را بدقت مخصوص کند و ما بتوانیم قویاً آنرا انداز کنیم با اینکه بگزینیم  
است و اینکه بر هرسورت مباباده این و سخت نظر را داشته باشیم بیعت دهگری است  
کنگره ما باید بایم این و سمت نظر برای رفتای کمونیست بمعماری باشد که در  
کوچه و پس کوهه های پنهانها خود را و بستانار را می بینند و امر انقلاب را به جمال  
خود را و پاسدار محدود میکنند کنگره ما باید اینها را از این محدودگری پنهان  
بکند و ل تعال کند و ووچ ما برای تعال کردن این حائل و هجریات از آنکه گسوردن  
نشکلات «ستای» بزرگتره منجمد و خوبه به آنها نیست این روح بین برلینیها  
بود ساید تمام این الدیم و سمع را برای اینها پیش میم ما بجزئی و فتحی را مر ملوف  
خود بیکاریم که از اینها این افق و سمع و این و سخت نظر والافتة باشد.  
دوره ای که با برنامه حزب کمونیست آغاز شده است برگفت ناینهاست حتی  
خنکه سا جندر را به اوضاع قتل باز نیمگرداند ما باید خوشبختانه این دوره  
را ستدیم و به چنین بیانیم و با این اندیشیدن در جنگی کمونیستی بایم که به خذائی این امر معتقد  
یکه مخصوص و لغرنمود در جنگی کمونیستی بایم ملى که همان حزب کمونیست ایران  
است ما باید در این دوره با این هدف حرکت کنیم حزب را بایم و به عدو بگزینیم  
حزب مازره کنیم.

دستور جلسات پهندنایی کنگره بر مبنای این تم اصلی تنظیم شده است ما بیعت  
فریباره برنامه حزب کمونیست را در دستور کنایه ایم هر ۱۰ مگاهن برنامه  
هم اکنون تصویب و منظر ندهد است؟ هدف ما اینست که کنگره ما بار نیمگره رسماً  
و با انتورنیتای بمقتضای کمته سرکزی این برنامه را مورد تاکید فرار ندهد  
و برنامه حزب از این بی مسوب کنگره کوبل و کنگره اینکه باشد طبعاً در این  
جلسه رفلا نظرات عویرا در مروره برنامه بهان عوادت کرده.

بیعت دهگره بیعت چنین کمونیستی و دورنمای ساختن حزب و طرح تدارک حزب است  
کنگره ما باید بتواند گاهای علی ای را که ما از این بی دعوا بدو نیروهای برنامه

حزب و نهاد آنها کو مدله باید پرای ساختن حزب بر راهیم بدلت مخصوص کند. کدگره  
باید مخصوص کند که تاک نک ما و ارگانهای تغییرات از فردای غریب زمینه همه باید  
پکشند. کذا، خلقهای اسلامیان حلقه اصلی تعالیت درست بگیریم. کنگره باید اسلام  
دوری از طرح تعاونی حزب نهیز لراین پیرد و گامهای پیمایی سارا تعریف کند. به روایات  
که به کمک مرکزی انتظامی میگردند در آینین زمینه راهنمایی کالی بندد. بعثت حزب  
کمونیست، پلک کلید اصلی بحثها ماست و اساس کارما نه دوره «حلمه» بمناسی دوره «  
جزیت» است.

کنگره باید به تاکنیکها پیراموند. مثلاً حزب و انقلاب پهوندی ناگتنی با یکدیگر پاالتندند. مادر را بیل بیشم که اینجا خربرا بازیم و میس به سراغ انقلاب پرسیم و ما بر انقلاب حرکت کنیم و خربرا بد بونه "ترامویی پس از این دو به یکدیگر گره خورده اند. پس ما باید تاکنیکهای خود را در این انقلاب بر وعده تحقیق کنیم و بروجی بگوییم که بر صفت جذب طبقه کارگر به عواصم کرد و پهلویان برناه هزیرا به آنها زده تاکنیکها بسی فراجهوانیم "هرچه نرمورد تاکنیکها اصولیتر و مادگیرتر نیست سخن بگوییم "هرچه تاکنیکهای ما روین نر و گنویشی نم باید و حدتجریان ما بیمه تسهیل مواد مدد یک جزء بحث ما بر باره "تاکنیکها نرمورد مخصوص تر مایه لعلنا معاوی کنگره "سوم کوولد است. نظام تزییک و اختلاط دوری خود از قلمرو اسلامی کنگره "سوم را روشن کنیم تا از فرعا بدانهم که بخشیان تاکنیک با رفقاء کوولد مول چه مسائلی باید متمرکز خود تا انجام تعکیلاتی نهاد هرچه زودتر پدست آمد .

می بحث نمیگریم، مبحث سبک کار است: این کنگره باید بتواند روی دست آوردهای تاکنوں مردم و زمینه بازد و آنها باید بازد بسازد و مستمر از آنجزی است که فاکتون بدست آمده است - ما باید امول روغنی سازماندهی هرورا درختیں طبله کارگر مخصوص کنیم . امول سازماندهی هر چیز و تورهای وعده سازماندهی تعلکلهای جانبه را مخصوص کنیم . ما باید سنت های ویژه "کار کمودیتی را به موزیم و در مغوف خود تلبیت کنیم . با وجود برترانم و این سنت ها حزب حق در منعطف ترین عرا با خود نهض حزب باقی خواهد ماند . ما بروای تبدیل هدن به یک هزب احتجاج همیم به این سنت های پامدار خارمیم . و کنگره باید بر پیش بود آرزوی این سنت ها هر کرت کند.

میخت انسانه هاید تا حدود زیادی سعکلات این دیگر مهتوان یک تعکل مینه را رفع نمیکند هر برآ باعتقاد من انسانه های که پتوانیدنیان انسانه های مزبور قدرار گرد و وجود دارد. انسانه کوولد این را تامین نمیکند. تدوین یک انسانه که مونته منطبق با موقعیت و هرایط ما و با توجه به وظایف عملی ای که فر پنهان داریم بسیار تحکیلات سایه ای خودروی است. تنها به این طریق مهتوان سلکل روابط محلی و نمکلی و انتورپنیه در درون تحکیلات و وظایف ادارگاه های تعکیلاتی و غیره را حل کرد. طبعاً این انسانه درین حال کمک نمیکند تا انسانه مزبور نیز بادقت و سلک موردگذی بجهاتی تدوین شود. درباره میخت وظایف انتربال مهتوان اینستی و جامگاه تعمیم گشته اند بهین

از این محبت کردم و نهایی به توضیح مجدد نیست. مابله بعثت‌های کنگره، از جمله سائل جزوی در تعکیلاتی را نظر نشاند و بررسی این مباحثات کلی و یادهای مبنواند بررسی و حل و فصل کرده.  
سیم را کوتاه میکنم. کنگره، مابله بتواند به سنت‌های ویرژن کار کنونیتی دست باید. کنگره، مابله بتواند وسعت نظری را که تاکنون از جنبش ما همراه بوده است به آن بازگرداند. کنگره، مابله این واقعیت را تثبیت کند که مابله از مکتبهای مبنی متن که پیدا از سکم و سال است که با پوروزواری پرجذگ است. کنگره باید این جایگاه والعن را به جنبش ما بازگرداند. کنگره، باید وظیفه سارا در قبال ساعتن حرب کنونیت ایران هزاریک هرچه بیشتر با کوشه و جدگشدن بوعاد و فکوهه برای ساعتن هرچه سریعتر حرب کنونیت روشن کند و مورد ناکمدد قرار بند. مابله باید جنبش کارگری ایران را از تحریریه "مونباری" که پیویلهم بس آن تعمیل کرده و از آئینه "مرکبایری" که رویزبونیم میزن برای آن تدارک بدهد، است و ما کنیم. مابله مبنیاتم. و اگر این دوره "جدید" را با درک کامل و جامی از وظایف انسان بینیان بگذارم، انتقاد اسونال کنونیتی هر ز دور از ذمته نموده بود. میانطور که اکنون سال بین از تولد میان بینایه "مکمل" با این واقعیات مطمئن رویرو عده‌ایم، مابله موجودیت بین المللی و قدرت واقعی جهانی مادر سال آئند، در نصیر امروز ما دلخیز، حرف‌هوریا اینجا تمام میکنم.

## حمله‌ای اصلی در نقد سبک کار پوپولیستی

(تکلیف از سخنرانی در کنگره اول آم.ک)

ت. یاشار

از آغاز کنگره، این متنه برای همهٔ مارون تقدیر شد و لازمتدر عین درین طبع به مکنند مقصودتری از سبک کار هودمان در گذشته و می‌آیند که تبلو کرده بودند سبک کار خود را در زوایی است میرسم.  
من در این مورد تزها مخصوص داشتم. من معتقد بودم که جوهر و ماهیت سبک کار پوپولیستی، سازماندهی و سازمانهای ماوراء طبقاتی و با جذا از طبقه، کارگر است. ملاصد استدلل من آن بود که از آنجا که پوپولیستها خود را تابع توده‌ها، بر انقلاب میدانند، بعنی می‌بارزه، بین تکمیلات خود و رژیم را بجای مبارزه، طبقاتی بین پرولتاپریا و پرروازی می‌نغانند. لذا شوه، تکمیلات آنها سماگری سازمانهای بسیار از میانهای ماوراء طبقاتی است. و فمد حکت این فرمولبندی را نقد و رد کرد و نظرات خود در بارهٔ ماهیت سبک کار پوپولیستی و آلترا ناسیونالیستی آنرا بیان داشت. من انتقادات را می‌کنم وارد میدام و نظرات اورا می‌بینم. اما لازم میدانم پرای تدقید و روشن عذر بهتر مطالع و قبول از آنکه عوارض مخصوص سبک کار پوپولیستی و نتایج و رهبری‌های معین مسئلی به روزیم، در همین طبع بحث را آمده نعم.  
اعکال و خندان‌اس بحث من در بارهٔ ماهیت سبک کار پوپولیستی برکجا بود؟ فرض کنم امن تر را می‌بینم که از آنجا که پوپولیسم خود را تابع توده‌ها - و یا طبقه کارگر ماین فرقی در متنه ایجاد نمی‌کند - در امر انقلاب میدانند مبنای بر این به سازماندهی و سازمانهای بسیار از طبقه دست می‌زنند و طبقه را خارج از مکان اختیاری اهل سازماندهی

میکند. بر اینصورت بر مبنای این تقدیر این اثباتی مانگر چه حکمی بود؟ بعده نز قبال این مشوال که پرولتاریا و کمونیستها چونه فعالیت میکنند و چگونه متغیر میشوند، چه باقی داشته‌اند؟ جواب روشن است. بر اساس چنین تقدیر از سیک کار پیوپولیستی، بحث اثباتی مان چنیز چیز این شعیبود که "از آنها که کمونیستها متقدید پرولتاریا باید بر انقلاب به بوروزی پرسد و نعروی سرک" انقلاب را ن تفکلات محدود بلکه طبله "کارگر میدانند" بنا بر این سازماندهی طبله فرمیکان اجتماعی خود را طبله "عود فرار میدهدند".

شدت اساسی این فرمولیندیه که آنرا حتی به نظر ایشان که میتوارد ها آن تویه حساب کننده یعنی به پیوپولیسم و زردیک میکند، در اینجاست که بیک انقلاب میین را سور فرار ناده است و میتوارد با برخورد به بیک انقلاب میین نهان دهد که کمونیستها چونه تمامیت میکنند و متغیر میشوند. از انقلاب بمقابله میکنند اجتماعی آغاز میکند و کمونیستها را بنایه کانی که پرولتاریا را بمنوان نعروی سرک" این انقلاب به رسیده می‌دانند و میکنند که طبله "کارگر نیز این انقلاب بندورت پرسد" فرنظر میگیرد و تعریف میکند. این فرمولیندی کاملاً بیک نهاده تاکنیک و مفروض و منوط به تحولات عینی اجتماعی است و بنا بر این شعیواند هویت علی مارا توپیح دارد.

در این توپیح مکی نهاد که بر هر انقلابی کمونیستها و حزب کمونیست باید برای تحمل مزمونی پرولتاریا و تصریف قدرت حاصل برسانند. پرولتاریا مبارزه کنند. اما آنها این امر را در مقادیر کنند و تمدن کنند، صیوبت علی ماست؟ آما میبد ترین راسای ترین فرق ما با پیوپولیستها از این است که مایز هر انقلابی به این امر می‌برنداریم و آنها برای بالاتر راهین علی - و پایان تفکلات محدود بجای علیق مبارزه میکنند؟ اگر چنین استه بر شرایطی که انقلابی بورز و لیع و باز رحال جریان نیسته تفاوت کمونیستها و احزاب و نعروهای خردسرزها را چگونه باید توپیح داد؟ روشن است که کمونیستها تنها انقلابیون دوراً دانقلاب نمی‌نمی‌ند و سایر این هویت علی آنها نهاده شعیواند از تحولات مخصوص میانی - اجتماعی بر این یا آن کشور میهن و بر این یا آن مطلع معمن توپیح خود.

بنابراین، فرمولیندی من گرهه بمنوان جرس از بیک کل و در حد برخورد به بیکی از عوارض سیک کار پیوپولیستی، درست است، اما پیوپولیسته بیانگر نقدهای ماز بپولیسم علی نهاد و شعیواند بیک کار کمونیستی را، بمنوان جزوی از هویت و غیره "فعالیت میمددگر کمونیستیه توپیح دارد".

اجاره بدنهد قبل از آنکه به بیان برک عورم از این نلد ریدهای که اکنون آنرا هر دست داریم و پیدا زیم، این نکه را توپیح دهم که جرا تفکلات ما بیک کار پیوپولیستی ناید و در عمل نظرات تنتوریک - برناهای خود را نمایندگی نمیکرده. پر این واقعیت همکی مانندیم که از لاعاظ نظری، ما مز قاطع و روشن با نظرات هر دسوزروا به رایح بر منید راهنم و به مارکسی انقلابی سجهز بودیم. نظرات بر نامهای میانی، حتی تاکنیکی مانهوار، بر خروج اسلام اسلام تنتوریک، حاصل و تفکلاتی پرولتاریا به مرور ایجاد حزب کمونیست، بر خروج اسلام اسلام تنتوری و اینکه انقلاب دیگرانمک حاضر تباگان ایست درجهت تحقق سویا لیم، بر اینکه از نظر پرولتاریا این انقلاب فرام-

آورده، زمانهای میتوانند و ذهنی حرکت به سمت سیوالیم است... با این منظره، برای این اصول متکی بود و از آن اصول ناگزین میگردید، من بیاد نارم که بارها در بعثتی ترویجی معلوم به این نگاه افراط کرده‌ام که نقطهٔ مزیت ما انقلابی که درگیر آن میگردید نهست، بلکه امری امر طبیعته، کارگر است. ما سیوالیستهای هستیم که میگوییم برولتاریا را پقدورت پرسانیم و انقلاب خانه، نقها هرابط میگوییم - اجتماعی میگوییم را برای پنهانبرد این امر بپسورد آورده‌ایم. ما بارها و بارها بر برخور فرمیم پهکار هریز مددگار راه کارگر، ترویجیست‌ها... و کلیهٔ عربه‌های روزها - سیوالیست‌هایی که از انقلاب و تحولات انقلابی حرکت میگردند و از زاویهٔ انقلاب بسیار غلطند، کارگر میگردند، این نظرات اشتراک‌گذاری‌ام و توجه‌ام و پرسنای این احکام لذتمنی این جزئیات را املاک کرده‌ایم و ماهیت شرده بود - زوابن آنها را فاش نماید ایم.

اما اگر ما خارای نظرات تدویریک صحیح و اصولی بوده‌ایم و همان نظرات هر دو بدل و اثی نهضت مرزیندی‌های روشن و درستی داشته‌ایم، اساس مغایل ما چه بود؟ بد نظر من مغایل ما این بود که نظرات تدویریک - برناشای مان را به سطح تدویری تعکیلات بسط نداده‌یم. گرمه، کار اینجا بود - مشکلهٔ ما این بود که تعکیلات‌یعنی گری میگردیدم به سازماندهی جنای از طبق و جدا از مکان اجتماعی ارادی که به ما می‌پوشند دست‌من و دم و سائل‌وار این قبیل؛ بلکه انکالی در این بود که تدویرهای ما که بر استقلال نظری، عملی، شناسی و تعکیلاتی برولتاریا تکه میگردند به سطح تدویری تعکیلات بسط پیدا ننمیگرد و مابه تدویری لذتمنی تعکیلات جیز نبودم. نظرات تدویریک نمیتوانست بالغصل بهای خود، در این میان می‌خلقه، نشون میگمیں تدویری تعکیلات، گم بود.

تعکیلات چیست؟ ضرورت وجودی آن چیست و چرا به تعکیلات نهاده‌یم؟ همچنان این سوالات را با این معنی برای خود طرح نمیگرد، ولتش به شفاهای و افکالات انسانی تعکیلات برخورد میگردیم، هلترا در اینکه بدر مانع گویی از کارگری جذابت، برای همکار ارتباطات درون تعکیلاتی منظر و اصولی نیست، در اینکه هالت تعکیلاتی ما مدتی را روشن‌نگری است و پادگی نمیتوان آنرا برولتیزه کرد و... حسین میگردیم. حق به این نتیجه نمی‌رسد یو دنیم که حل مسائل ما بر گزو دستیابی به تدویری تعکیلات است. این پیش‌امدود دو سال پیش ناگفتم، ولی میگم که مرا این معدن تعکیلام که تدویری تعکیلات ناظر بر اسنایه تعکیلات است؟ آما تدویری تعکیلات به تسریع و تعمیق کردن ارگانهای مدد و نفعه، ارتباط آنها با پکدیگر می‌بردارد؟ آما تسلیمی تعکیلات دربارهٔ همه، سازماندهی کارگران سبیت میگند؟ کسی پیشرا به اینصورت طرح نمیگرد و تو بالتفنین این شوالات تأمل و تمعد بخرج نمیگارد. من لکر میگشم بر بعثتی مربوط به سپه کار در این کنگره، امرار ما میگم بر تعمید بیش و لیل از هر چیز بر سطح تحریمی بدببال پایخ متنه گفتن، گاملاً بجا و اصولی بود، تدویری همکار امر تعجلی نهست حق آنها که او پروانه‌کو و میوه‌های صلی سبیت میگنند، نمیتوان با جنبندی آنها بر عمل سخت‌خود را ثابت کرده‌ایم، به تدویری دست یافست. اکنون ما میتوان تدویری تعکیلات را فرموله کرده‌ایم و در این مبنای میتوانیم پایه و اساس کلیهٔ مسائل و بعثتی تعکیلاتی خود

و ایکنامی و سائل را از رونه حل کنیم.

اما هر آماه بعنوان هسته سند وحد تشكیلات اتحاد مبارزان گوتیم + لزمان ایند این شوری را بر دست ندادیم؟ بک پاسخ اینست که رفاقت که سند را تشکیل مانده آگاهی و خواصی و روشنی در ماره + مثله تشكیلات ندادند. سند این آگاهی را داشت. همچنانکه از نتایجی که ایکنون به آن رسیده ام گفتند گویی نیست. فقط درک میقشم ماست از آنجه وجود داشته باشد و شوخته عده و مرتبه میراثیک معرفه است. البته این متنه متنوایند مورد پیش پا عدد که آنها تحت غرابیل که سند موجود استها فته دست باقی نمی بودند درک عیتی امولاسکن بودند باین بود - در هر حال این یک جنبه از مثله اینه حبشه درون، که دیگر بک عامل تعادل و ازفاخری نیست ماین است که ما زاده + این انقلاب هستم. این بک تشكیلات است که بر دل بک انقلاب سین عکل گرفته استه مرز بندی ها و مقدبندی های طبقات مختلف را تمام + را این انقلاب تحریه کرده بیان مدعایته و به آنها برخورد کرده است. بیرونیم را به اعتبار این انقلاب متعادل است و ... بخوبی راهمه بعنوان بک تشكیلات + باعتبار این انقلاب تعریف کرده است. از اینحالت که بعث هویت مدنده میشود + ما چون زاده + این انقلاب بولهمه صور میکردیم که دیگر تاریخاً متولد ندهد ایم. در عمل آنقدر برای ما همه جیز بود. کار روتین و همچنان سوسالهایی برای ما سادل با کار آرام سپاس بود و لغایهایی بغير وزنده و نامربوطه سائل مبارزاتی روزه + محبوب مهد. ما مبارزه را به معنای طلاق و مخدوشی + به معنای مبارزه + بالفعل که در جریان استه درک میکردیم. بارها در نظر اینها تحقیق که این انقلاب + اتفاقی است عارج از مسأله شوابط مجهیز را به کار می تعمیل کرده است اما این معلوم نیوکه این + کار + ما جیز است که انقلاب و بیزگهای سین آنرا تدبین کرده است از قطب نظر نیدگاه گذاشت. ما که گرهه طریقه و تجهیز ندهد بود + اما بصورت بهمنی خود بخود وجود داشته این + کار + ناسی است از ویژگهای سین در هر رایط حاضر انقلاب دیگر اینها استه و با بد رطایف مجهیز را به پیده برد و فردا انقلاب سوسالهایی است و باید لعالمت دیگری کرده و بیزگی ها تدبیر میکنند و کار مام مناسب با آن تدبیر میکنند. یعنی فعالیت گوتیستی امریست که گوشی حملت نایت و ماهیت و هویت سینهای ندارد. گوش تشكیلات گوتیستی و لعله کوتیستی بک امر ۱۲۰ ماله امری که امول و مس آن از مانعیت ناکنون وجود داشته است +

تفکیلات ما بر انقلاب ایران بخود آمد و در انقلاب ایران هدرا هنایه و مثل بجه از دیگری که در آب متولد میشود، اینجا فقط آبرآ می عناید و وقتی هم باشد به عذرکی رهبه با خرامه زمین خودندرو و نقی مهد و به همین حرثیب بزرگ میخوده + مامه صور میکردیم که تشكیلات گوتیستی ما به این عکل و شد میکند. از این نظره همچنین شوری وحد و منی بکار تشكیلاتی ما ناظر شمود. ما بعنوان هسته سند مسوادار سازمان + اتحاد مبارزان بر راه آرسان ملبده + کارگر + اعلام موجودیت کردیم. در آن موقع چند اندیار مارا وحدت با سازمان آرسان تشکیل میدارد. بعد برایها سینه بهد آمد که انتقال تشكیلاتی مارا ضروری میکرد. هسته سند تبدیل به اتحاد مبارزان گوتیستی شد. در مرحله بعد کوشه به هریان

مارکسم انقلابی روی آورد و ما نزدیکی با کومله را در دستور گذاشتیم و... بهمن ترتیب، اهداف تفکلاتی مانند بی اوضاع و احوال معین تغییر مهکرد. از لحاظ نظری از میان ابتدای اطراف و اهداف تشوریک - سیاسی ما و پس بود و آنرا به طبع برنامه نیز ارتباط دادیم، اما از نظر تفکلاتی مسؤول عرامها انقلابی حامی بودیم و نیدگاهمان همراه با تحولات جاسوس متحول میشد. این برای ما روهن نبود که سنتل از برمورد ما سازمان آرمانه متنقل از نزدیکی با کومله و سنتل از اهداف مقلوب تفکلاتی که در هر دوره متنابل بود تغییر میکردیم، امولاً ما چگونه تفکلاتی هستیم، هویت عملی ما چیست و باید بمتابه که میتوشیم، اهداف و چشم اندازی از وشد تفکلاتی خود داشته باشیم. این پایه و اساس بعدها در امر برای اینکه و تفکلات بود و نیاز سائل و موادی سبک کار گفته "ساراستوان براین مبنای توضیح دارد.

آنچه ناگذون گفتم را جمعیتندی میکنم، من گفتم انتقاد به سبک کار پیوپولیتی در تالیف این فرمولیندی که "پیوپولیم چون خود را نایاب تبدیل میکند" ناگزیر است سازماندهی و سازمانها بین جدا از طبقه است بجزئیه این اهدکال اساسی را نارد که میتوان انقلاب را سور ترار بدد و ناگزیره دروجه اینها خود، سبک کار گفونیتی را نیز به اعتبار انقلاب تغییر میکند. ولذا نیتمنواد بک نند پوگیر و ریختی به پیوپولیم علی باغد و به سبک تصرفی پایه ادار و اموال از سبک کار گفونیتی سخر خود. در ادامه به این موضع برداشت که تفکلات ما با وجود آنکه از لحاظ تشوریک - سیاسی همواره سر اسلام طبقاتی برولتاریا فرستاد و چوچه شاکمد میگذشت و اما این نظرات را به طبع تشوری تفکلات بسط نداده بود و علت اصلی در قلمبین مابه سبک کار پیوپولیتی را باید در اینجا سنجو کرد. همین‌ها توضیح داد که لقمان بک نیدگاه تشوریک منجم در مردم تفکلات، ناهم از آن بود که ما بمتابه سبک تفکلات، زاده انقلاب ایران بودیم، از سائل این انقلاب ناهم می‌باشد، هر لقتم و این گرامی خود بخودی را داشتم که متناسب با مر و نهمت مینم، از نظر تفکلاتی هفت مطابق مینمی را در برای بر خود ترار نهم و لذا خوهر و هویت سبک کار گفونیتی پس ای ما نایلوم و مبتدنی بر سبک خود بخودی و مقابله از اوضاع و احوال معین بود.

در ادامه محبیت لازم میدانم درک خودم از نتایجی که در مردم تشوری تفکلات به آن رسیده‌ایم را توضیح دهم. متنه ولنی برای من روهن ند که وفید مکت طلب را به این سروت فرموله کرد: "تفکلات را باید با محاست و اهداف ناظر برآن توضیح داد." این سبک نز اصولی و پنهادی است. با حرکت از این تز میتوان درک کرد که هر آن تفکلاتی گزی و سازماندهی جدا از طبقه ماهیت سبک کار پیوپولیتی را توضیح نمی‌دهد. تفکلاتی گزی بخدمت چه همایتی و برای حصول به هدلی؟ هر آن تعریف سازماندهی و سازمانها بس عدوه، مطلوب پیوپولیست‌هاست؟ تنها با اتفاقاً بر اهداف و همایتها محدود، ببورز و این ناظر بس سازمانها یه پیوپولیسته میتوان برای این سوالات یا سخن روهن بافت و ترسیاب اینها درک کرد که تفکلات گفونیتی چه باید باشد و چگونه باید فعالیت کند. کافیست از خود بفرمیم که همایت و اهداف طبقاتی برولتاریا کیا است؟ اگر جواب می‌مالیم است در این

میرت تر اساسی ما نرمیاره<sup>۱</sup> تعکبات کمونیستی تیزه همانطور که رفیق حکمت بیان کرده این مواد بود که «تعکبات کمونیستی ها حزب کمونیست، تعکلی برای سازماندهی انقلاب اجتماعی برولتاریا، انقلاب سوسالیستی است» کمونیستها حول سوسالیسم و برای تعطیل سوچا لسم مشتمل میگردند و مبنای اساس پراهمیک آنها را این امر تشکیل میدهد. این به نظر میلی بدینه میرسد. اما «سما چو حل گشت آسان خود»<sup>۲</sup> این خلقه اصلی است و همچو از سا ناکنون این خلقه را در دست ذکر نه بود. لیکن این اصل به همین ساخت؟ نه اینه بعنی آن لعائنه که پیروی از همین میگیرد. ناکنون انجام سعادتمند و تعکبات را هم برای میان میخواستم. بعنی سازماندهی خلقه و باشکوه برای خلقه تعقیب بخودمان طبله کفرکر. برای انقلاب دستکاریم و برای اهداف قابل صول در میان انقلاب.

پیوپولیسم تمام اهداف و آرمانها و تمام «انقلابیگری» افری به انقلاب دستکاریه محدود و منصر محدود و تعکبات پیوپولیستی در برای میهن عذر بخود میآید و در خلصت همین هدف لیار میگیرد. برای مام میلا تعکبات عین تغیر را باشت. این تغیر اساسی بود که بین نظرات شوریک ما و سیک کار علی مان وجود نداشت. تعهد و بالغه ای برای اهداف و سیاست - مثل طبقات برولتاریا، بعنی آنچه بعراز همه وجه تابع شوریک - برنامه ای سا از پیوپولیسم بود. در میل پیغماز هدف لرامی خود بود. این والیت میان بعدده آست که ما چه دستاوردهایی در تئوری و برنامه داشتیم و چه نتیجه عملی در مردم فعالیت میلی.

از موضوع دور عدیم، فرمیاره<sup>۳</sup> استنباط خودم از تئوری تعکبات و سیک کار کمونیستی محبت میگیرم. اجازه بدهید برای توضیح پیوپولیستی تعکبات زمان کوشله را مثال بزدم. کوشله سازمانی است که ناوای برنامه ساخت و بعنی ناکنیک برولتاری است مانع از تغییر علی نمای تعکباتیم گزی نمیگنده. توسعه از مکان ابتدامی همان بنا نمیگذره فرگهر یک جدیتر انقلاب و انسی و دفعه است و در این جنیفر سرویست و نیز گاه، وضع توده ای فارد و... و با این حال، سیک کار کوشله کمونیستی و اصولی نیست و این ستداست که خود ولایت کوشله بسیار بـ آن واقعیت و آنرا طرح کرده اند. هرا چنین است؟ واضح است که سیک کار کوشله را از رایه<sup>۴</sup> تعکباتیم گزی کروه سازماندهی جذا از توده ها و غیره نمیتوان نند گرد. اگر چمن سائلی بخوان همراه سیک کار پیوپولیستی در تعکبات ما و سایر ای پیوپولیست بخواهیم بارز و برجسته ای به هم محدوده در مورد کوشله چندین عوارض میمودندار و با مملکاتی کاملا ناهمز و حالیم است. مثله کوشله را تنها با انکا به لذت سایی سیک کاره بعنی آنچه ناکنون به آن رسیده ایم بخوان توضیح ندار. بنظر من ستده ایست که تعکبات کوشله مدل آنوار میگذارند که مقص هنکل گرفته است؛ جدیگ میارست. محدود کردن ساخت علی به رهبری و سازماندهی این جنگ امریست که معمود گفت بطور خود بخودی و ناخواسته انکاس سنتیم و تعیین گنده ای در تعکبات کوشله ناگهه است. و کوشله بر تمام مردمیان فعالیت علی اتفاق و کار سازماندهی و تعکباتی این این هدف را بدلیل میگند و میلا در عدیت این هدف فرار گرفته است. البته بخت من بگذر این نیست که هرگز لعل در بینین مسلمانه علی کرد برای یک سازمان کمونیستی اعتماده است، بلکه بخت بربر آست که سیم تعکبات و کار تعکباتی را چندین سهادی قرار دادن انحرافی و غیر مارکسیستی است. اگر سهادست

سازماندهی چند مقام و مرتبه بینایه محور و اساس برای تکمیل کسونومیتی «مرای کرسان» سمع و اصولی مدانیم، آنگاه مین تدکھلات و سیک کار فعلی کوولد هم فرست و اصولی است و یا خداکثر نارای نواقیر و کبودهای است که با اندک تعبیراتی املاح میخود، اما اگر معتقد باشیم که کوولد هم باشد حیات پرولتاری - یعنی آنچه در برنامه حزب مردم اعویضتاری و دیگر لفظ این معای خاکمی کوولد طرح و تعریف شده است - را مبنای تسلیک و برانکه خود فرار دهد و اگر معتقد باشیم که ساخت مملی کوولد بتواند بک تعلکلات کمونیستی که در بیک جنبش ملی قمال است را باید سازماندهی مدنبلک پرولتاریا بکردستان سول اعدام مستقل طبقاتی افر و مر کنار و مبنی بر آن بیوچ و سازماندهی دیگر ای برو - لفری و سورا ای دیگر اندک و انقلابی بر جای خود گردید، هک یدهد و آنکه در سراسر جهان ای ایالات و سازماندهی کوولد نقد ریشه ای و میخ تری فرار میگرد - آنگاه می فهم که به کار مملی - تعلکلاتی کوولد از آنرو افتبا هاست که میلا نمودت سیاست پرولتاری و ساخت را که در برداشت و اسناد مود این سازمان بجهان دده است، فرار نشاده بلکه از او میخواه احوال روزه از بیک جنبش ملی بالعمل و موجوده نهادت میگرد و بر خدمت این جنبد فرار گرفته است.

از نقطه نظر عقیلو و طایف سراسری کوولد نهاده انتکار این حرکت از بیک جنبش بالعمل را میتوان در کارکوشه متعاهده کرد، ما کوولد را امتحان جریان مارکسیسم انقلابی نوچه نار مبارزه «طبقاتی پرولتاریا ای ایران میدانیم» و این واقعیتی است - اما کوولد در جهت اینها نتفی سراسری ملال نبوده و تاکنون عملی کم به این مثله بیاندازه است. جرا این طور است؟ امس مثله باز در اینست که کوولد در اینجا در کردستان بروگیر بیک جنبش و سمع و زنده و قمال است، در حالیکه مبارزه در عراق از کردستان خاد نیست و جنبش طبقه کارگر نسبت به آنها در کردستان میگذرد و پیمار بیک و آرام بیک میخورد. از مهم رو کوولد این گرایید ملی را نارد که تعلکلات مودودرا بر کردستان و برای مثله کردستان رو بیویند و تعریف کنند و حتی در مواردی هامد آن بوده ایم که انقلاب پرولتاری را به این امصار که تاجه حدی برای جنبش ملک کرد ملید است، تبلیغ و ترویج میکند.

پنایا منعم در رابطه با جنبش علو کرد و هم از لحاظ سراسری، اساس و مبنای سفلات تعلکلاتی کوولد در این خلاصه میخود: استنتاج اعدام و ساخت مملی و برای این اساس تعلکلات و مبانی برای تکمیل انقلابی از بیک جنبش انقلابی بالعمل و موجود.

برای تعلکلات ما نهاده اساس و مبانیه ستله مین بوده است، ساخت مملو ما پرولتاری نبوده است - ما برای بعده کارگری «تعلکلات تهران و ... ساخت مملی مین میگردیم»، تله علیها مختلف طرح میگردیم و در دستور کار فرار میدانیم، نفعه علیها و اندکال سازمانی را بازها و بازها تدبیر میدانیم و همه املاح میگردیم... و با این حال از آنها که سا نهاده سختگذیر بیک انقلاب موجود و سائل مختله مملی آن فرار دانیم، تمام ساختها و نفعه سلها را به این انقلاب و در خدمت عین انقلاب محدود و خلاصه میهد. و از آنها که این غمده «کار با اعدامات نظری و برداشای ما درین تاختن بوده مدام با اسائل مملی لایحل رو برو و میگذیم و در عرصه های مختلف به بن بست میخویم».

اکنون ما همیت ملی خود را بازگیرانده‌ایم؛ ما انتظاریم که کوئینتن منهم که سازما-  
ندی انتقلاب سوالاتیست، امر همیگر و تعطیل نایابیز بر ماست. ما بدهی از جنبد جهانی  
بلطفه کارگر هنرمند، بلطفه ای که بهداز می‌توان است ملته مالکت همیگر و استثنای طبقاتی  
و برای محروم کامل آشنا و استقرار سوالاتیم بیها خاسته است. ما حول این حد فرموده کی  
مدهایم و برای تحلید این حدود مبارزه میکنیم.

فرغاتمه لازم میداشم از راویه "دیگری برآمدیت و ضرورت تشكیل و فعالیت بر مبنای  
سیاست ملیقانی پرولتاپاریا تاکید کنم و در معین رابطه پوچی و بسی حاملی خدموهای عملی  
بپرداختنی و آشنا نعم، بعثت من بر سرمندله " تاکتهک پرولتری و تناسب نصروی و ملیقا تی  
برینک انقلاب و مکران تاک است.

از لحاظ نظری، مثله برای ما روشن است. سا از آغاز ثالث مان و فر جزوی «علومنده» این مثله را طرح کردیم که بک از دلایل دیگر اینکه بودن انقلاب ایران، ضعف و غصب مانندگی ذهنی (نشوریک، هراس و تکلیفاتی) ملیق «کارگر ایران» است. بهین آزادگی برولتاریا برای دست زدن به یک انقلاب سویا لیستی در گرو پیده عرضه شد و تحولات سیاسی اینکه بک انقلاب دیگر اینکه پیروز شد به پیشین نحو میتواند آنها را برآورد، کند. اما نتایج ملی این نز جهت و گونه اینها برای انقلاب چه باید بکند؟ پایان این شوال نیز از اینجا برای ماروین بود: گونه اینها مولده که قدر اینها عوود را برخود خلبه بر سرفه ای برولتاریا تبار رهند و باید بکونند که طبقه کارگر هرجه بیفت و میخت بر اهداف منقل مابغایی خود آگاه خود و صنوف خود را در تکمیلات منقل خود منکل سازده باید تناسب نموده، طبقاتی را به تنوع برولتاریا به نوعی تغییر دهند که ملیق «کارگر بتواند بر هر جاده و تحول سیاسی و تحول طبقاتی خود را بکوید و به رهبر انقلاب تبدیل شود...» اما گونه میتوان چنین وظایفی را انجام نداد آیا با مرکت او احتمال میتوان همین انقلاب اینفلاتی که مدتی باعتر عقب ماندگی ذهنی طبقه کارگر ایران را نگرانیکه است میتوان بر این عقب ماندگی ملیق نمود؟ آیا میتوان طبقه کارگر را حول مسائلی که انقلاب دیگر اینکه طرح بکند، آگاه و منکل کرد و درین حال ایند ناشیت که ملیق «کارگر بتواند بدآن حد از آگاهی و منکل برسد که این انقلاب دیگر دیگر اینکه تواند بلکه به انقلابی بلاحله سویا لیستی تبدیل خود؟ نهایی به توضیح نوشته که چندین امری غیرممکن است. این دور ماطلی است که بک کار بپولیمی سارا به آن نجار میکند. پوپولیسم از این حکم که اهل ایلان دیگر اینکه بک مرحله ناکنکی و جمهوری دیگر اینکه - انقلابی بک مدت ناکنکی ساررا و رسیدن ره سویا لیسم است چنین تنبیه میگیرد که نارسیدن به این هدف میتوان و تباید که سویا لیسم را مدور ثالث میتواند فرار داد؛ بنظر بپولیستها این ذهنی گشی و اراده- گرامی است (سویا لیسم عربه ببوروز را بی نصوتها و عوارض نظام سرمایه داری را می بیند و پرسیمی بنخواست: نهی حقوق دیگر اینکه «مندلیکی بودن رژیم» مکنجهها و اعدامهای - وابسته بودن و کم و کامنی های نظام سرمایه داری ایران ... و حاضرات برای تغییر و اصلاح تمام این واقعیات ب مبارزه بپیشزده اما وقتی از بینای دیرین و مریان ترقی و تقویت زیان ماء یعنی از سالکه بپوروز را بی ایزار دولهد و استئشار طبقه کارگر، خن بپیمان می‌آمد و

ضرورت النای سالکت مخصوصی و ترجم کوبیدن نظام سرمایه‌داری و اسلاطار سوسالیسم طرح  
محدوده پژوهش‌ها بهما نذکر محدوده که ذهنی گزالت نکنده هموز ولت آن فرازرسیده  
است<sup>۱</sup>

اما برای خوده بورزوواری هیچگاه زمان نداشت! از سوسالیسم لرائی ورد<sup>۲</sup> این را  
هد سیاستنم که با احواله<sup>۳</sup> لعالیت سوسالیستی به بعدها بهروزی انقلاب دیگر آنکه حقیقت  
نهین انقلابیم هیچگاه، به بهروزی نهواهد رسید. ما همواره به ضرورت برقراری همزوسی  
برولتاریا در انقلاب دیگر آنکه تاکید کرد اینم و این مکانه ضرورت‌مند است. این ضرورت از  
موقعیت اجتماعی طبیعت<sup>۴</sup> کارگرو از اعتراض او به استثمار و سالکت مخصوصه، از نندادو  
به ارگان نظام سرمایه‌داری و از خواست او مبنی بر ترجم کوبیدن کامل این نظام ناجی  
بیشود، این موقعیت است که برولتاریا را از نظر عینی در رأس و رهبری تئامی طبقات و القاع  
ناراضی و متعزز به این با آن بینالانی و ستم مقصص نظام سرمایه‌داری قرار مهدد و به او  
این رسالت را می‌بخشد که مبارز بیگنگره راه نیکراسی پاگد. بنا بر اینه تنها با انتکاته  
این موقعیت معلی تنها با در دستور گشایش آنکه کمکی و سازماندهی پیروز و پیروز این  
شروعی کارگر حول اعیان و آریانهای مستدل برولتاریت<sup>۵</sup> که میتوان نتاب نیروهای طبقاتی  
را نجوعی تنبیه کند که همزوسی برولتاریا برآ انقلاب دیگر آنکه تا مین عود، و افزایش بهروزی  
برولتاریا انقلابی فرامین انقلاب همانطور که در هر هر ایست و وضعیت دیگری دیگری  
تنها و تنها در گرو برآنکه کنونیت هائی است که هیچگاه سوسالیست هر دو هدف را مواف  
نمیکند.

تنها در این صورت میتوان از بهروزی انقلاب دیگر آنکه ندن بیمان آورد<sup>۶</sup> تنهای این  
صورت میتوان به اینداد هزاریلی که بیک انقلاب بتواتحه سوسالیستی را در دستور کار  
پیگناره امید پست و تنها در این صورت میتوان پیغمربیله<sup>۷</sup> مقصص به هر تعلو حسای این‌جهانی  
نهین، به هر حرکت مقصص بورزوواری و باطبیقات دیگر و به مردمبارزه<sup>۸</sup> مقصص کارگران در این  
ما آن مردم و حول این با آن هدف مطلقه بیرونی امولی و صحیح نامه و همیشه هموزاره  
بیک انقلابی نمال و پیگیر بود.

بنا بر این ولی از این زاویه متله را بیرونی ممکنم در می‌باشم که انقلابیگری  
خوده بورزوواریه<sup>۹</sup> حتی در پیغمبر اسری که تمام حد و هویت نظری و عملی اورا نمکمل  
نمی‌شده یعنی به لر جام رساندن بیک انقلاب دیگر آنکه نیز عاجز است و تنها به دور خود  
می‌چرخد و فرجا میزند.

حرفلایم را ملاصد و جسبندی ممکنم. بیک کار و هموزه<sup>۱۰</sup> لعالیت عملی و سازماندهی  
هر نفعکباری، اریانه و اعیان طبقاتی حاکم بر آن نفعکلات نامی محدود. بنا بر این  
صور و اساس پژوهش معلی را «تفکل و مبارزه» در راه دیگراس و امدادهای قابل حصول  
در بیک انقلاب دیگر آنکه<sup>۱۱</sup> و مبنای فعالیت کنونیستی را «تفکل و مبارزه» در راه سوسا  
لهم<sup>۱۲</sup> تغکیل مهدده. تغکیلات کنونیستی<sup>۱۳</sup> نفعکباری هرای سازماندهی انقلاب سوسالیستی  
است. ما این حلقه را در دست‌نداختیم<sup>۱۴</sup> همایت‌عملی به انقلاب دیگر آنکه و بهروزد پس  
سائل این انقلاب محدود و منصر مهدده است و از آنرو پژوهش‌منی بوده است. طبیعت<sup>۱۵</sup>.

کارگره بحاطر مولویت‌بلجامی خوده قلیل از هرجوزه مالکت‌عروس و انتشار طبقاتی نظام  
سرپا به ناری مفترض است و زمینه و مبنای عدهن پسرا اینکه کمودستی را این والدعت تکمیل  
نمدهد. هر قراری هژمونی برولتاری بر انقلاب دیگرانیک و لذا همروزی آهن انقلاب‌نیزه  
نشای با هرسیت‌هذاعن آهن‌لادیت و بر دخور‌گذاعن سیارزه هر سید حاشت و اهداف طبله  
کارگره امکان‌نیزه است. ولنا از آهن نقطه نظره معنی از نظر سیارزه مر راه دیگراس «دمو  
پلیک کار پیوپولیستی نادوان و معلم است. دیگر صحبتی ندارم».

# مروری بر مباحثات و دستاوردهای کنگره اول اتحاد مبارزان کمونیست

(سخنرانی در جلسه اختیاریه کنگره)

## منصور حکمت

در سخنان اختیاریه کنگره، وقتی من از وظایف کنگره و سوریت درگ خصوصیات و اهمیت دوره جدید سخن میکردم «طی مسائل سوریت اظهار آمده واری»، سوریت ذکر وظایفی که "باید" کنگره مالحاص دهد و نظیر آن، طرح میشد. این طرز، در انتهاش کنگره، میتوانید این مباحث را با الحسن بسیار مطلع شو و سوریت مباحثی غمله باشه تبریزی کنم «زیرا کنگره این اسد هارا مصلحت آورده کرده است و ساری از آن "باید" ها را مصادده است. به انتقاد من کنگره مالحاص کلی به اهداف خود رسیده و حق العاده، موقف آسمیز بوده است. برای پیشروی بیشتر، دیگر یابه از کنگره غایور نشود و آن وظایف را که کنگره مقرر کرده در عمل و برآنک شکل لائی و ساسنی خود به معنای واقعی بیاده کرده.

کنگره ماهه یک چاپگاه تاریخی معنی تعلق دارد. کنگره ما ز هم اکنون این حایلگام را بدست آورده است. حتی اگر بنایه دلایل تاریخی مشخصی، به فرض به دلیل مشتملای شکل لائی ما و یا صفحهای فردی با بنایه انسانهایی که امروز این بارستگی را بدش گزته ایم، دستاوردهای کنگره نتوانند مستقیماً توسط ما بسیار شود. باز هم کنگره ما تنگی را بگف آورده اسد که جذش کمونیستی ما ز آن به مقب رانده نموده اند. کنگره ما می ترد بسیزه چون برنامه حرب کمونیست، پیش روی برگشت ناپد بروی را در جذش کمونیستی مانندیست میگند. لکن اساس اینست که کنگره ماهه یک جریان بهداشتی طبلاتی تعلق دارد. بهداشتی طبلاتی که منصر به ایران نیست، منصر به اتحاد مبارزان کمونیست نیست. بلکن خصوصیت مینی حیان امروز است. دو راه ای، که اکنون آغاز شده است، نه بنایه اراده "مه

ملکه به حکم شراطه مبنی دوره نوین است . فرجم همروند آن دو دوره نوین بگ حکم چهاری نهست ، این دوره را به این اختصار دوره نوین نص نامید که فقط باز پسندانه در آن شخولات تاریخ سازی رح خواهد داد . فرجم این دوره را پسندان آن نهیگرده است ، اما این دوره ، دوره‌ای متفاوت وحدید است ریوارابط ، مقولات ، نشکلات‌ها ، افراد و غیره همه باید براساس قوانین حرکت متفاوت وحدیدی حرکت خود را تعریف کند ، حایله شان را مازی باید وحدد آمعنی شوند . افزاد دوره‌قبل اینجا شخصیت تاریخی پیدا می کنند ، فقط دیگری همایند و نشکلها دیگر دوره قبل در این دوره جدید خواهی و خصوصیات تاریخی پیدا می‌کنند ، واگرگنند ، آنگاه بعد ، میندوند ، از میان همرونده بجزاک پاسخگوی خصوصیات جدید شرایط مبنی نیستند . این خاصیت هر دو دوره تاریخی - اختصاری جدید است که در آن به حکم شرایط مبنی ، کارهای جدیدی را می‌شود کرد و کارهای قدیم را نمی‌شود و نماید کرد . همانطور که گفتم ، این دوره بسیاری طبقاتی طبقاتی تاریک جهانی . طبقه کارگر اینک پس از چندین ده سال سیروئت تبددا بصورت مستقل در مردم سپاه است جهانی ظاهر شود . پس ساله سرفا برس راحیگاه برنامه حزب کمونیست برای اشعاد مبارز آن کمونیست و تحول خود مایتایپیک موجود بیسیاس معنی نیست . با ایجاد تحولی جهانی در شرایط مبنی و موقعیت متفاصل طبقات در سطح جهان سخن می‌گوییم .

ما امروز با من بهم روزی زیست روزی زیست در سطح جهانی مواجهیم . بنابراین زیست اقتصادی جهانی ، زیستهای آماز جهنشای هرولتری هستند . جهنشای های بروانتری زیست رشد ایده های بروانتری است . زیستی است برای از زیرخاک و آوار درآمدن ایده ها و آراء بروانتری ، بیان شکلیات پیدا کردن این آراء و تربیت شدن رهبران و مشکل شدن رهبران چنین کارگری در سطح جهانی . و اینها به حکم شرایط مبنی در یک جهنش واقعی به هم بیرون می خورند . از این رو آنچه مادران کنگره سیکوئیم و ساظلی که در این کنگره به آن سیهرداریم تصادفی نیست . ما افرادی نیستیم که به ناگاه نوی دیده اند و واضح شده اند . وجود خود واضح شده اند مینهند از ند که چهار راستوانه متتحول کند ، بسیوی که پیش از این نیز توانستند روزیانی که برای جهش کمونیستی ایران وجود مان نزدیم چنین ، از زیستهای میتوانند بروزدار است . همانطور که برویه تحول ، تکامل و پیشروی مارکسیسم انقلابی در ایران نام اکنون صادقی نبوده زیستهای های مبنی داشته است . کنگره مایک از اجتماعات آن رهبران جدید چنین بروانتری است که در این دوره باید بوجود آید . اینکو انتها مطابق در رهبان می پس از دیگری تشکیل خواهد شد ، و در سطح ایران هم این اولین و آخرین نیست . کنگره کوبیله به توجه خود چنین اجتماعی بود . کنگره مایکن اجتماعی بوده است ، همه آن شکلها و تجمعات که مایک کارگران بپیش برویه خواهیم آورد تاریخ شرایط جدید و دوره خدید را برای آنها می‌نمی ، چنین اجتماعات خواهد بود و همانطور تباشها و نشستهای بین المللی مارکسیتهای انقلابی وضعیه ، زیرا در سطح جهانی هم ظلمانی روهایی وجود دارند که دریافت اند مایه ای امنیت سرمایه داری صرامین بالیم و این است جاره ناید بروزی زیست ، انقلاب چدید بروانتری در این پدیدار شده است .

ما هم بست روزی زیست را در ایران به خوبی مشاهده و تحریه کردیم ، و نه تنها این ، بلکه

خودمان منصر فعلی دریه پن پست کشاندن این رویداد نیم و نکل را در به بند چربیان  
الم مارکسیستی در مقابل آن بودم . این واقعیت ، چیزی فریبگ جوان بیداری مجدد  
طبقاتی در سطح جهان است .

این بیداری مجدد طبقات طبعاً در سطح نظری و عملی هر دو معنی دارد .  
سازمانی که در طی این چند سال ما در سطح نظری برای بیداری طبقات کارگر ایران ، برای منحصر  
کردن ایده های صلح هرولتی و برای بازگشت به تئیزم اعتماد دادم ، ظلماتیگانی شدید  
است . زیرا آن حذفی که برای امنیت ، است نا این حرکت را به شر بر ساند ، چنینی که  
با رفتهای آن همچنان به چشم میخورد ، حذفی برای تصحیح غایبی است . چنینی  
برای اثبات سخت تئیزم بصورت محدود ، در چارچوب مکابله فکری نیست . چنینی است  
که پایه ایده ها و آرا ، متنقل خود دست یابد . این ایده ها را سیل بدند ، پیش  
بینده می آیند و آنها را به شایع ملی نمی رسانند ، آن حذفی و حزبیانی که سیار مدد این  
شایع ملی است ، مارکسیستی میگردند . اماماتوار استیم خود را ناد خود بنشون ، اهیت اساس این  
کنگره در این است که اتحاد مازنایان کمونیست نواست خود قوی شدیں سدرال از شر خرگشت  
خود بگد و حتی خود را بعنوان تحولی بارز مقامت در برآورده طایف دزدی خد پند کشید .  
۱۰.۵. تواست آن پیوی از تعالیت ۱۰.۶. ساده این را که بیانگر ضعف پرگرش بسراز  
بعده کردن این وظایف تلویزیون بود ، بعض آن وظایف را که شایع درک وجود دارد ، گوش این  
وظایف سینه دهد . صفتی نداشت . به بند معنی ، کنگره اول ما ناظرین بیوست اتحاد مازنایان  
کمونیست به حزب کمونیست بود و نه صرفاً مفظعی از سرعت کمال ۱۰.۵. نه تصحیح روشنایی  
۱۰.۵. نه پیشترشدن ۱۰.۵. و نه ثابت شدن حقایقی مادریزادی ۱۰.۵. اتحاد مازنایان  
کمونیست پیش از این کنگره برایتی بر سریگ دوراهی قرار داشت و اکنون جهت حرکت را به نفس  
مارکسیست اتفاقی و حزب کمونیست دفعه ای تحسیس کرده است . مهمترین نشانه کنگره اما اینست  
که تواست اتحاد مازنایان کمونیست را از موضوع تعالیت کمونیستها به تکلیفات کمونیستها نعلیل  
کند . قبل از این کنگره اتحاد مازنایان کمونیست هنوز خود موضوعی بود که مارکسیست اتفاقی  
پاید روی آن کارسازگرد . پاید به او شان میداد اگر میتواند پیشکلاتهای پیشناوار ماقبلی  
ساخت ، اگر میتواند بد تکلیفات مزبوری باشد ، پاید امروز ، و یه چنینی های متبت تدویریگد ،  
بلکه نتاط ضعف ملی اش را بر ذره بین مکار اورد و نکامل خود را در راستای برانیک کمونیستی  
بدشال کند .

با این ترتیب حرکت مازنایی دستیابی به اصول برائیک کمونیست ، یعنی از آن حرکت  
جهانی طبقاتی است که در ده سال آینده جهان را تحت شایع خود فرار خواهد داد ماس  
حرکت ، حرکت بیداری طبقات کارگریها گذشت مجدد شد به معنی سیاست است . چنینی  
موقیعیت شاید در اوائل فری بهشت و خود داشت . اجزای کمونیست و " سوسال دموکراتیک"  
 مختلف در معنی سیاست فعال بودند . مارکسیستی به نحوی گسترده درمان کارگران و  
روشنکاران طرح بود . احزاب کارگری و کمونیستی دهها کنگره و کنفرانس در سطح جهانی  
داشتند و موضع کمونیستها در قال مسائل چون چند سران ، حق از نقطه نظر بودند از

نمی سپار خانه ایست بود . مدت هاست که دیگر چنین نیست ، مدت هاست که طبقه کارگر حضور مستقل خود را در روسلاسیاست به نمایش نگذاشته و دناله رو طبقات دیگر بود ، است . از نظر عینی زینه های مشخصی برای شرایط چند دهه اخیر متوات سراغ کرد ، نظریه اسان حنگ دوم جهانی ، تحدید تقسیم جهان ، آغاز بک دوره ای واقع اقتصادی نسبتاً طلاقی و تغییر بحران اقتصادی به مردم را کشورهای این بالیست به مرز . امامد خود مستقل طبقه کارگر در محته سیاست ، از نقطه نظر عوامل ذهنی ، بین از هر چیز مدین حاکمیت رویز بونیم بر جنیف ساخت . این دوره ای است که اکنون به حکم هرایا علی و به حکم منتهی نکری و نظری طبله کارگر جهانی میرود که به همان رند .

پس مایک سلول از این حرکت نوبن هستم و اگر جز اولین سلولهای عتیم که روح این حرکت را در ریگ میگند و هنگان می آید پاید به خود افتخار کنیم . امانتها هنگامی بعد روت واقع خود در تغییر جهان امیز در جهت این آربابیان انقلابی چندین دساله پس میگوییم که پراستی در رایهم که چنان وسلوی از حرکت جهانی طبقه کارگر هستم . و نه مدد ای متکر و مصاحب نظر که پس از تئیه گریهای منطقی از فکر مجرد ، اگنی به نیجه - گریهای ملی از آن رسیده اند . نه این تعریف درستی از مانیست . مانیست بسیار خانی برسیم که صلا ریجیده ایم . برای مثال حرکت کویله را در رندر بگویید . جرا کویله که مدد تا در ریگ حنیف ملی در گرفت است . پیغمدهای تاریخی منعطف را منحصراً به میوان موضع کارگر خود نداشته است . ایده های مارکسیسم انقلابی را در دل خود رشد نموده هد رهبران برجسته ای ، سلاح به این ایده ها ، در آن برویش میباشد و یه یک شکلات قدرتمند مارکسیست انقلابی بدل میشود . حال آنکه در تمام جهان شرک کویله را در چشم می ، چنانکه طبقات دیگر نیز بار امده انقلاب و مبارزه پایه میدان گذاشت اند . همواره محظوظ بونیم ، مسازش طبقاتی و رویز بونیم را برای جنیش بر جسته ترکرده است . جرا کویله که در ریگ حنیف ملی در گرفت و هنوز ساله غارس و گرد و سنی و تنهه بروتوده هایی که کویله در میان آنها کار میگند تا شیرد اراده در حنیف ملی ای در گرفت است که مسائل آنرا مفصلاتی چون خودستاری و حق تعبیین سرنوشت تشکیل می دهد ، یک چنین سازمانی به یکی از اولین سروهای پیشتر از هرایی بسیار کشیدن مارکسیسم از زیر آوار بونیم نمیدیل میشود . این دلالت میهن شخصی دارد . ملت این نیست که مثلاً چند نفر در راس کویله توائیستند مانند ما از فکر های مجرد نتایج منطقی درست بگیرند . مسئلله این است که این افراد در این دیوه زمینه رشد و پیشروی پا گشته اند . در طول این ۴ - ۵ سال اخیره حد برا بر تعداد افرادی که افکار اصلی داشتند ، افزادی وجود داشتند که غیر اصلی و نادرست می اند . پیشید ماند . جرا آنها رفتند و ما ماند مایم ؟ این گهای آن میتویست است که ازان جمیعت میگند . میتویست که خود را از لابلای حرکت ما به ظهور میگساند و به ما خاطرنشان میگند که بونیم های میشی ساعد و با درگ لائونتمندی های اقتصادی و سیاسی یک دهه " تاریخی مشخص حركت کرد مایم و میگنیم .

ما نه فاتحهای و جیرگرا هستم و نه خون خیال و پیونتاریست ، ما از واقعیات میشی و از قابلیت های واقعی چنین مان سخن میگوییم . و اگر کس بهداشود که معتبرانه سارا

مورد سوال قرار دهد که "چرا خوشبندی میکنید، مگر در این کفره مدد؟" اندکی نمود به مگر در نواحی کفره صدای مرغ و خروس گواه این نیست که حق برای تضليل امنیت کفره من باشد تا این حد از شهرها دور میشیدند، چرا خوشبندی از میکنید؟" ما به چنین کس ما کسانی بسیار حرفها داریم که بزیم. ما میگوییم در کفار صدای مرغ و خروس، صدای آتش نیزمانه و رگبار تپیهارها هم ضبط شده است. این سروصدای مک جنگ طبقاتی در جمهوری وسیع است که ما، ما به این معنای گفته‌ای که برناهه "حزب گوتیست بوجم آن است، در آن شرکت داریم. ما میگوییم در شراباطی که مایک تهاجم اسرائیل سازمان آزاد بیمه فلسطین به عنیت من افتد. این ماقبل که سال است در این جبهه، وسع میگیرد. ما میگوییم در شراباطی که روسان یک جناب وسیع آینه‌سین - وادیکال [پهکار] اسریز به اسلام و فرقان وطنی و امثالیم قسم میگویند که همان ۱۴۰ سال قبل هم برای زمان خود کهنه بودند. این ماقبل که استوار بر مارکیسم انقلابی به پیش میروند. آنها رفتارند و ما مانند مایم و قویتر شدند. ما میگوییم شاه کنید که جنیش حافظ جوان دارد که اصول ما بر آن ناظر است. ما خوشبندی نیستیم، بر عکس، کاملاً واضح گرامیم. زیرا شراباط میزی ایجاد میکند که جنیش پرولتری برای بیش ریش دست پسری ایدئولوژی انقلابی خوبیش و تعاونیگان آن دواین دوره میعنی درازگشت. و این ایدئولوژی، مارکیسم انقلابی است و تعاونیگان آن می‌ستند.

در این دوره دیگر کس نیتواند دکتر سعدی و نوام نگریمه بستود. همچو دکتر سعدی در دریه "ما سربوشتی بهتر از مخفکه" بعنی صفر بیدا میکند. دیگر مای لغاز شد: است که در آن طبقه کارگر میکشد تا هزینه‌ای و خرد صنعتی را کفار بزند په زبان ستبل خود از منافع و اهداف ستبل خود سخن بگوید، زیرا دیگر که انداده کافی از دنیالبروی از طبقات دیگر لطفه دیده است. این گرایش‌هایی بولتلرهاست که این اجازه می‌دهد در طرس سه سال کاری بگیرند که در شراباط دیگر در طرس ۵ سال میگذرد. ما یا مجموعه "محمد و دی از ادبیات سیاسی - ایدئولوژیک" (محدود به نسبت آنچه از این پس باید داشته باشیم) توانستیم اثکار و آرای را در حدیش که میتوانستی ریشه‌گیری کنیم که شاید باید باشد. اتفاقاً ادین در شراباط دیگر مقدور نبود. واقعیت اینست که انقلاب باید نباشد. انقلاب اجتماعی که شاید آن دیواره نیاعته شده است.

دوره نویش از جنگ آشکار طبقات درجهان میود که آغاز شود. این را قصیت خود را در پیووه گوتانگون و کشورهای مدنظر، از جهان های سیاسی و اقتصادی در گیرهای امپریالیست گرفته، تا بالا گرفتن کشتن درین دول اینهاست، نشان می‌دهد. اینکه این مجازه آشکار چگونه انتکاب پیدا خواهد کرد، اینکه مادر تپه در راه برگردان بگیری فرار گرفته ایم، متناسبه بدقت برای متأهل تحلیل نیست، واگر این قدرت تحلیل را در اشتم، کامها از آن حلولت بودیم. سا له اینست که متی موای بیافت این قدرت تحلیل نیزما امروز باید به ندای خپلور ستقل طبقه کارگر در صحنه مجازه سیاسی باشیم تهت بد هیم، ما باید بوجم بولتلرها را در این نبرد آشکار طبقات بدهست بگیریم. تنها باشد مطلب شدن به پژوهیدار این جهان جهانی و به این اختصار جهان شدن وجهانی اندیشه‌دن، می-

حوالهای تواست بد رستی در یا بهم که بوزاری امریزکجا امتناد است و چگونه میتوان میره  
سیاسی را به آورده . بنابراین وقتی مادره اندک در اینجا گرد آمد ، ایم باز استوار شد این  
مدله اندک بردارگ فوایسی حرکت دوره نوین سخن میگویند «مادره ای داد را برگ کنیم که همسر  
مده اندک به حکم شرایط مینی در مدت کوتاهی به ده ها هزار نفر بدل خواهد شد . این  
بیک شریعت مینی است . انقلاب ایران ثابت کرد که اپده های درست طبقاتی در مقاطع ساره  
آنکار طبقات بسرعت توسط طبقات دفعه دو آن جذب میگرد و نمائیت آگاهانه گویندست  
پیشگاهی ، یعنی پیشوایان و رهبران طبقه کارگر ، بسرعت درگ میتوشد و شرمه مده ده . ما باید  
این راصیه درگ کنیم که سلوی آگاه درگ هارزه طبیع طبقات هستم ، این انتشار ا  
د این که جز اولین سلویها میتوشم که موقعیت خود را درجهار چوب کل این حرکت و  
نوایسی حرکت این دوره میشناست و میخواهد که نفی تحول پوششی داشته باشد . بقول  
پلعاده ، «ماکریها میتوشم که در میمه ساده رشد میکند و محیط خود را تعمیر شکل  
مده ده . مادران کنگره به این می بروند .

ما باید این بهای را برای طبقه کارگر ایران برمی . آنچه درباره موقعیت مینی گوشی د  
خواهیم مارکیم انقلابی ایران گفتم ، باید جز لایحهای تربیت روزمره مایانند . این اصر  
رایه همین شیوه باید به میان طبقه کارگر ایران طبقه کارگر جهانی برد . اینها اندکار  
تایید بر تئوری به این معنی نیست که هر که ذهن تقویک تری داشته باشد میتواند واقعیات  
سمهتری را درگ گند و هر که از نظر تئوری شعیف باشد میتواند ملطف پدیده ها را درگ  
گند و از اما باید به مسائل خود فکر کند . ابدآ ، به امتداد من رهای طبقه کارگر مقوله ای  
است که در ذهن خارگر گزین روتایران هم میگند . آنها میگویند که باید آزاد شوند ،  
به این ترتیب بیک جز لایحهای تربیت و سازماندهی ماتریضیع نشی است که جنبش ماینه ای  
میگند . باید به هر کارگر مگویند که آمده ایم تا در این زمان را آغاز کنیم که به رهایی  
طبقه کارگر می اتحاد ، آمده ایم تا میهمانی کارگر را برای تضییں این امری میخانم که حرکت در  
آردم . مایماید بگویند که با بیولیستها ، با هر آنکه نام خود را گویندست گذاشته امایمه سیاق  
طبقات دیگر فکر و عمل می کنند تفاوت داریم ، مایماید بگویند که حقی با گذشته خود - قبل از  
کنگره - تفاوت داریم . این جز همیشگی تربیت ما از این پر خواهد بود .

این دیدگاه که برای گویندست کردن کارگران باید ابتدا از مسائل و متابع فیزی شروع کنیم و  
بیندیش کارگران را گویندست کنیم ، به امتداد من دیدگاه نادرست است . امریز هم بحث  
من این است که درینجای جنگستان ، «ماهان و سمعت وظیعتی که دارد و وقتی از این سخن  
گفتند «ماهان و سمعت وظیعی که اندیشه به آن در میم کنگره بارها آگاهیمین انقلابیون  
گویندست رایه شرق آورده است «ماهان و سمعت وظیعی باید برای توده کارگران پیشوایان  
آنها طرح شود ، همین مقولات با معاشر حق تقویک برای همه آنها قابل درگ است . همان  
چیزی که ماراجیاب میگند آنها را هم میگاب خواهد کرد . مایماید از اینجا به میان کارگران و به  
مسائل پیشوایان آنها برمی و میم مسائل را طرح کنیم . بگویند که «حریان حزب آغاز  
شده است . حریانی که حریق از بیک جنین جهانی است . بیهیمه که آمریکا ، انگلستان و  
شوروی به چه روزی امتداد ماند ، بیهیمه که طبقه کارگر ، علی رغم تمام اوهام و توهہات موروثی

بیرون از این خرد و خوده بولنداس که بزرگ هن اوست گفته میکند به همراه حال به حرکت افتاده است در لهستان با مردمی که روزنیو نیسم برای او گذاشتند است و در انگلستان طبقه اینکه در قلعه تربیت یونیورسیتی های سراسر است و در امریکا با شعبه های زیادی که برای موانع افزوده میشود و در ایران نیز هم وجود آنکه ساله میل بزرگ هشت سالگی میکند. اما به همراه این طبقه کارگر است که دارد این بیوست را می تراکاند و خود را شان میدهد. اینها را بگوییم و بگوییم که "در ایران انتقامی های این عقیمت گهای نشان کوچک بود که بروطانی به خود داد. و دتفنا چون این حرکت مستقل خود را نیز آغاز کردند این طبقات دیگر توانستند انتقامی را که باید به شر مرید و رسید و رساید حکومت کارگری می دهن چون جرا بر سر کاری آورد و به یک دوره طولانی مبارزه طبقاتی عدل کنند که هنوز از آن دارد." کارگران بگوییم که مامن مار آگاهانه در دل این مبارزه طبقاتی گام تهاجم و تمام سرات خرد بیژوازی را بد و انگشت دارند. این یک گونه داشی شرمندی است.

بهشت از این‌ها از این ضرورت محبت کرد فاماک مایا پید خودمان را با هم گشتم. نه به این عنوان که مادر این کنگره، انسانهای حقوق انسان و قدر تدریجه‌های هستم که از اساس می‌دیگران متعاقبتیم. نه، و ماجنیس ملتهاي ذهنی ای هستم. ما انسانهای هستم که شرایط معمین را درگیر کردیم، ایم و معتقد بهم دیگران نیز میتوانند آن را درگیر کنند. آنچه مارا قوی میکند، و مایا پید به این عنوان خود را با هم گشتم، اینست که به حکم شرایط مهندسی در موقعیتی قرار گرفته ایم که شاید بلطف کنایه ادارس‌اللهای پس از ۱۹۱۲ در آن فرار داشتند، در آن مطلع جهان سمت یک تخاصم آشکار طبقاتی بین مردم و ملشی که باهه موقع ایمسر واقعیت را دریافتند و مهد استند و اعلام کردند که این تخاصم چگونه و به شیوه طبقه‌ای باید فهمه شاید. ما هم در وضعیت شایه آنان فرار داریم، و اگر هنایر متفاوتیه کمی باشند، مایسیار از آنان در آن مطلع قوی شیم. مایا پید ای قدرت را برای هر فعال خوش گفونستی معنی گشتم. باید این را نشان بدهم که چگونه در فرستی کوتاه خط نایه حریان قدرتند طبقاتی ای شدمی مشهود که اگر بناست در ایران و مبنظمه کسی هما امری را بخنگد، ۲۰ سال هم بخنگد، این خط است که خواهد چنگید؛ اگر بناست نسیونی در ایران سوسالیسم را مستقر کد، خط ماست که چنین خواهد کرد. خطی که از مم اکتب خود را برای یک نهاد قطعنی با هم توپازی و اسراییلیسم در گلبت آن آماده می‌سازد. مایا پید اس افق وین را می‌نمیرم شایه اهمیت کاریان و حادیگان مای هم بینم تا خود را با هم گشتم.

مازمان حمال قلمه این جوان چهاری طبقات در سطح جهانی عملی بود پس از آنکه هر تفاوت طبقات در سطح نظری و ملی «ماراگیک گام از تایپد کان طبقات دیگر دیورت و تابعیت نکرد». در ایندادی امری با ناصله همود راهگویی هایی چون فداخی و پرگار گردیدن میتوان طبقاتی از ناسی نمی کردیم، اما با تدبیت این بود که از آنها عین قابل‌گذشتی میان مأجوب‌نشاست. سطح علی‌جهانه همچو این درجه تعامل و تابعیت نظری و تابعیت انسان می‌باشد. آنها این اب نکرده بود، اما به مرور زمانات با وجود پیش‌علی مایه طبیعت میتوان متصل شد. طبله کارگر، طبیعت ای که به تابعیت برک موجود سیاسی در حال رشد بود و انتراخت، راد و همکار زمان خارشد بوده‌است. ظاوت و تابعیت مایه‌نشینی‌های سیاسی خوده بین‌لایزی که قدمت نسلم مارکسیسم بعنی هیئت‌گفتند در این ۴ سال پایه به پله مشخص شد پرجسته شد، است. اهمیت کثیره نایست که این تابعیت را نکلیل میکند، کنگره نایناتیت ماخترده بین‌لایزی و ادراشیه های علی و جانی برای تیک مشخص کرد، ما اینجا به کنونیتی‌های کاطی هدیه شدیم، گویندی‌هایی که دیگر نظریت یک همیش از نظرات واحدشان از خوده مهربانی‌ازی تکوک شده نیست، فقط تدریجی و برنامه در می‌شان بخواز نیست، بلکه تمام موجودی‌شان، تمام حق‌شان در تابعیت ابعاد نظری و علی از مردم می‌خوازد و سن خوده بین‌لایزی گستته است.

این کلره دخول سیاره‌ی همراه باشد، اگرچن من توان در برتر دستگرد های آن برای تیک گشته را از دید گاهی مارکسیستی به نفع کشید راندی و توائی دهانه‌ای بروآزاد ساخت و به حرکت در آورد. ما اکنون نظرات بروانتری خود را در شاخه‌های مختلف فعالیت انسکاوس داده ایم و حل خود را در زمینه های مختلف علی این‌باخرده بروزیازی قرسیم گردد ایم، اگرچن باید این احکام و عنوده ها را بکار بست. اگر ناچیل از این گفته "کتف" و "نکد" ابرازه‌های اصلی کار مایه‌ند، اکنون "پکارستن" خله اصلی نکامل مارا تشکیل میدهد. هم باشد در سطح نظری این ایده ها را در سطح وسیع‌تر مان عصده و در درین جدیش گهوندیسته بیویم وهم از هم اکنون بیاد، کردن آنها را در دستگرد کارمند و مکاریم. بس متوجه این کنگره را بطور خلاصه کنگره برای تیک گهوندیسته ناید. این کنگره، کنگره ای برسر تنویری و بدگاه های دنیوی نبود. حتی اگر تدویری تشکلات مورد بحث قرار گرفت، بهبیش بود که پناهه ضریوت برای تیک هد فتد. پس از اینکه بروانتری ایستاده از پیش‌روانش پیش براحتی راطلب میکند، در دستگرد کنگره قرار گرفت.

مادر خلمنه‌ای این‌بطو به برنانه حزب گهوندیست دوهدف در می‌امد خود قرار دادیم. ساختن حزب و سازه‌ی به شیوه‌ی جزیی، امریز کاملاً مشخص است این هردو از کان هدیه تلخی، مارکسیستی به برای تیک گهوندیستی به معنی والمه کلمه است. ساختن حزب و سازه‌ی به شیوه‌ی جزیی آن مولتمدی اساسی برای تیک ماست، و برای تیک گهوندیستی از این پس در این دو بعد میتوان منشود. و دیدیم که چگونه این هر دو جنبه برای تیک مادر را این پس بگزیند خود دند، با اینکه براین دوبلوه، مادر امر برای تیک شرکر کردیم. اگر مادر را این کنگره به مزینه‌ی های طبیعی بروانه‌ای اکننا میکردیم و باختی اگر تمام توجه خود را مخطوف به تاکتیک میکردیم و تاکتیک را صور حاصلات اموز خود قرار می‌دادیم، هنوز برای تیک هم نشد بودیم و هرگز نکرد، بودیم، ما هنگامی، برایستی به برای تیک بود اختنم که بخت را بسته

تمثیل شکلات خنجری و سدن ملی برای تهک کمونیستی گشایدند، این توجه به امر حزب و شیوه‌ی های حزب مبارزه، نظرخواهانی است برقرارگیری یکسانه و اجتناب ناچار بر مادر مبارزه نظری، و دیگر از این پس باید در متفوپ ماقونیستهای همه جانبه و بلشیگ، در نظروصل هر دو قربت شود و عوامند شد. ستایش کمونیست نه صرفاً یا هاتا بدش، بلکه شجاعیش باشد لایت. های ملی اش مشکس می‌شود. صریحی که بینزاری از کمونیستها دارد، تصویری که از ملکرد بلشیکها گرفته شده است، اینست که کمونیستها ملکین و سازماندهیان عاهر و لئهاری هستند، کسانی که اگر حتی سروکله یکی از آنها را کن مسطقه کارگرشن به آشود، بینشانها باید منتظر در درسر باشند. زیرا کارگران مشکل خواهند شد، شمع خواهند کرد، شمار پیدا می‌کند، اصول کاروفعالیت مدنی را می‌آورند، ظاهرات و انتساب پنجه آنرا می‌شود و پنجه. خدرت سازماندهی، این آن خصوصیت سنتی کمونیستها بوده است که همراه بینزاری را مه هراسی اند اختهایست. در این شکنجه که مارکسم، آید تبلوی طبقه کارگر است چیزی را زینه دهد، ناسب خارگشیست شدن کارگران را میدانند و از آن می‌پرسند. اما آنچه در سطح ملکی کمونیستهای اهواز از احزاب لیبرال چیزی از خود را بینشانها، از احزاب دهانی و فسیره متعاف نمی‌کند، خدرت شکوف کمونیستها در سازماندهی مازار طبقائی بوده است. کمونیستها اهل از هر چیز سازمانده هستند. روشنی مایهاد مایهوم که در این ۳ سال می‌اد مارکسم انقلابی، هر اشتی به شیوه بلشیکها سازمانده نموده اند، این معنای جذامن ندارد که گوش ای از هر چیز کمونیستی مانعی داشته است. مانعی بوده اند. پس این کنگره همیت مارا تکمیل کرد. امر برای تهک به شیوه کمونیستی محور این کنگره شد و همه به طیور گز ناچار بزی بر آن شعرک شدند. دیگر هیچ کس خالقی به پشت راجع به جناحهای حاکمه ایزش اشغالی و نزع سود و غرق سود و ملوانی نظیر آن را داشتند و همچنان برای سال حسن پیکارنام روز اندلاس را که در چند شماره نشیوه خود موضع تشوییک مارا نمودند نقد اسرا را داده است. نهود. همه بر امر برای تهک نظر داشتند و در اینجا نزهه حلقه اصلی ساله برای تهک، یعنی ساله سازماندهی و تکنیکی تشکلات کمونیست معمولی بودند، به این معنی بحت ماراجع به تکنیک شکلات پیش در مخصوص برای تهک بود. تکنیک شکلات تکنیک واصل میان تکنیکی طیورگلی (نقد طیورگلی) و اندیاد این تکنیک و نقد بینش برای تهک است. کنگره ناد را می‌زیند پسک انقلابی از خود نشان داد. طبقه ای که در حال بیدار شدن است در طول سه سال گذته خود را لحاظ نظری کامل استانیز کرده بود. اکنون مهابست از نظر ملی سیز خود را استانیز کند، و کنگره خالق شانس را منعف کرد. امریز دیگر بحث بر سر اندیاد این روشهای ملی مشکل طبقائی است. و اندیاد این روشها دیگر اجتناب ناچار بزاست. نه به این معنی که جبری است، بلکه به این معنی که امروز جنیانی به حرکت در می آید که فعالیت و تحریکهای فعل خود را خواهد یافت و مناسرو موافق مقابله مانده و منفصل را کار عوامند گذاشت. درست همانطور که در طول مازاره ایده طیورگلی چند سال گذشته به طبقه ای اینها چون بادگش هاوس در سالم جریان می ترکیدند و نایدیدند، امروز نیز بیرونیم در مردم ملی و نایدیدگان آن از مطلب این جهان جاری خواهند شد.

این کنگره، کنگره برای تهک بود، اما نه صرفاً در مدد و داد، م. گ، بلکه به معنای

گسترده طبقاتی - کوتیشت آن . این طبقه کارگر است که اکنون به موازین فعالیت ملی خود دست میابد . و این به بهای بسیارگرانی بدست آمده است . صرفنظر از رفاقتی بسیاری از اتحادیه‌ها کوتیشت و گویله که اکنون در کار مانیستند مالبری هدر رفته رفاقتی زیادی از دیگر شغل‌ها و سازمانها و فعالیت‌های کارگری رفاقتی که بدليل ناگاهی به اشغال و شبهه‌های مبارزه مستقل کوتیشت و ازماند هن پرولتاری انقلاب در سطوح مختلف در برگیر میزبانی مادر و ناتوان مانند ، این بهای گرانی است که طبقه کارگر برداخته است ، اینک طبقه‌ای که بیخواهد بین این قریبی بد هست ، طبقه‌ای که بیخواهد آن روشهای ملی را اتخاذ کند که اورا به پیروزی نزدیک نکند ، این طبقه با ماست ، این طبقه وجود دارد و اگر در این چند سال انقلاب حاضر به دادن این همه قربانی بسوده است ، و اگر امن استواری را دارد که پس از قیام راه خود را ادامه بدد . بجز خط ما و حربان مانند رهبرانی پیدا کند ، بهای گرانی که طبقه کارگر برای پیشوی تاکنون نایبرداخته است اینان مارابه پیروزی محکم تر می‌باشد پیشروع متوجه شدمکند . اگر این بهای گراف را بحاطر بسازیم آنکه اهمیت و طایف خود را همیت تصمیع شبهه‌های ملی نادرست خود را بخوبی در می‌باشم .

خصوصیت تحول بعنی کنگره مایابد به عنی سوت به درون طبقه کارگر برد شود . مایابد پس از کنگره ، هستگامی که سائل ملی احاطه مان میکند ، اختناق و شارهایی تحت فشار میکارد ، محدود آسائل افزاد بروابه تشكیلات در سطح وسیع برایان طرح شود ، عالمی عضور نه تنسته به دستاوردهای کنگره والردست بد هم و نظریان گئے حد داشتیات مان مارابه حال خود بیاورند ، از آنجه اینجا بحث شد غافل شدم و د ، سائل ملی غرق شدم و آن دستاوردهای کنگره صراحتاً بصورت اصلاحاتی در روشهای ملی خود بگیرم . مایابد خصلت تحول بخش کنگره را منم ، در روابط خود پس از کنگره منعکس کنم و امن روابط راسخنا تحول بخشم ، من بگمار بصورت مشدود به آنیه در این کنگره به آن دست پیدا کردم اشاره میکنم .

دستاوردهای کنگره صرفاً در قطعنامه‌ها متجلی نمی‌شود . قطعنامه هاجک د ، مباحثات رسمن کنگره است و تنهای در سطح خود و از طریق مبارزه علی مالزهبری ناطح خوده ها ، خواهد نواست تمام دستاوردهای مارامنکس کند . آنیه در قطعنامه هامنکس است نیازی به مازگوش ندارد . لذا من از آنها فراتر میروم به جنبه های عمومی تر رایه ای دستاوردهای کنگره میهارم .

از ابتداء منعکس مود که مباحثات اصلی ماحول دویست " حزب " و " سپک کار " در خواهد زد . از میان ابتداء منعکس بود که بحث تاکنیکها بحث اصلی کنگره نداشده بود . ما میباشت ساله براتک و میانش براتک کوتیشت بطور کلی را حل وصل مکردهم و ساله تاکنیک ، مسنه متابه عضویات دورانی و مقطعمی این براتک ، طبعاً در درجه دو اهمیت قرار میگرفت . سوال اصلی مانعکس میانش براتک کوتیشت در وسیع نهاد م تحری انقلابی به براتک انقلابی بود . کلید اصلی ، آنطور که در کنگره شخص شد ، مبحث روشهای ملی کوتیشت بود که اگر آنرا درگلی ترین سطح در نظر بگیرم ، مقوله حزب کوتیشت را نیز در برمیگیرد . هر اکت

درک اهمیت حزب کمونیست بنا به یک واقعیت، بنا به یک ضرورت، خود جزوی از مالیه روشنای ملی کمونیست ها بود. این درک که حزب رامیتوان واید ساخت، اینکه حزب پس از واقعیت است، یک مقوله اسلامی است، تکمیلی و مجرد نیست، صرفاً یک آرزو نیست، بلکه تشکل واعصی ملکومیت‌ها در صورت برخورد آن بودن از مخصوصات معینی همان حزب کمونیست است، این درک، خود جزوی از روش برخورد کمونیستی به امر برانگیز و روشنای ملی کمونیستی است، بعضی مخلص ساده، این جزو روشنای ملی کمونیست‌هاست که برای پیاده کردن اهداف و نظرات خود حزب می‌سازند، و پیشروزترین قشر طبقه کارگر را در یک حزب تشکل می‌کنند. پس دیگر ضرورت تشکیل حزب، هرچه مفهوم شماری به بحث ندارد، این جزو لایحه‌ای برانگیز ماست.

ما در این کنگره در بحث‌های منوط به حزب کمونیست آن استدوار افسر قابل دسترسی که خرد و بینتواری از حزب ساخته است را در هم تکثیر، برخود نیروهای مشخص عرضه بهینه‌یاری سوسالیست، نظیر بیکار و ملائی به مقوله حزب نهادی به بازگیری ندارد، اینها سازمان خود را داشتند ولذا در حل نهادی به حزب نیز دیدند. حزب لازم نیست، زیرا "سازمان بر افتخار ما" نیست، این پاسخی است که در واقع در پس سکارام این تشکل‌ها نهفته است، وقتی چندین نیروهای القاض نظیر پشتکام پس از اتفاقی استهزا آمیزی پندارند و به عالمی خود را دادند این القاب به ما مرا تعلیم کنند، ظرفی خود را بحقیقت خود از مقولات مبنی ابتل و حزب و ضرورت آنها را افشاء می‌کنند. این واقعیت که چندین نیروهای اصولاً طلاقی به تشکیل حزب کمونیست ایران ندارند و اینکه فرض ممکن ما در این مدت توهمی بهش نموده است این بجز برهنه گش روشان شده است. سازمانهای مشخص خرد، بینتواری سنج اندازی این قشر اجتماعی در مغایل تشکیل حزب طبقاتی برویان را در موارد بسیار به نایابی گذشتند و اینجا سازی به تفصیل بهشتز نیست. اما در صفوی چندی خود مانیز افکار خرد، بینتواری خود برخورد به مقوله حزب وجود داشت و به سه بود موافقی بمناسبت این راه تشکیل ملی حزب کمونیست ایجاد گردید. یک دیدگاه رایج دیدگاه آکادمیست، اکونومیست و دیگرانیک است که حزب را به فراهم شدن شرایط مفروض و از نظر تئوریک ایده‌آلی منوط و موقول می‌کند. جمله مورد ملاحظه این دیدگاه اینست: حزب حاصل ثلثیق و با بیرون سوسالیسم طبعی با چندی طبقه کارگر است، بهمار غوب! اما برای اینکه بالاخره درک تکمیل که چه وقت مبنیان حزب را تشکیل داد و اگرچو این امر حزب کمونیست ایران را سازیم چه ماید گنیم، ماید با این رفیق آکادمیک و دیگرانیک خود وارد سرزمین مجاہب تئوری نیویم. ماید بیکار درباره مقوله "حاصل" بحث کنیم. منثور از این مقوله چیست؟ بعد باید روی "ثلثیق و بیرون" فور گنیم، به چه نوع رایط‌نمای میان سازمان کمونیست و طبقه کارگر یا چندی طبقه کارگر میتوان "بیرون" و "ثلثیق" اخلاقی کرد؟ برای مثال آما طبقی اینست که کارگران منع نفت کمیت تکمیلانی را بعنوان وهم قول کند؟ نه آنه! این بیرون با کارگران صفت نفت است و نه طبقه کارگر. آما باید آن بنا بر های کارگران مانعه ملاطفه و احترام کارگران باشند؟ نه! این ماطفه شخصی است! آما همه کارگران باید نفت شعارهای ما بسیج شوند؟ نه! این

چیزیش تاکتیکی سازمان فر حاتم کارگران است ۱ خوب، اگر این بحث به سرانجام رسید آنرا باید درباره مقولات "طبقة کارگر و جنین طبقة کارگر" وارد کرد و شهود شد. آیا ملان حرکت کارگران را مشهود تر دنباس طبقات نام نهاد؟ آما این نا آن اختصار را مهتوان پیروزی نماید؟ و قس طبیعتاً، رفق اکتوبریست و اکادمیست ما بک دنها حرف و نظر و تصریه و تذکر در غیال تمام این مقولات دارد. بالاخره این دیدگاه سیتواند تصمیروت و مطیع ای از بررسی و ملزومات ساختن حزب کمونیست ایران در این شرایط شخصی بدست بدهد، نمیتواند هدف این فرمول بندی و هدف هرضه شدن آن در این مطلع معنی از هیات جنین کارگری و کمونیست ایران را شخصی کند. بلکه حکمی تئوریک، شهودی این مقولات و تضادی صورده به ما میدهد که باید پیک به پیک این مقولات را برد این، براند از گفته‌م، و سرچایش بگذاریم تا تایید وقوع بررسی احاجیه بهای این کمونیست های یک کشور معین در شرایط تاریخی معین حزب خود را تشکیل بدیم. در این دیدگاه حزب به یک انتظار تحلیلی و ایده‌آل تبدیل مشوده گه دسترسی به آن برای ما انسانیات خانی محال است. آخر، حزب چیزی است که بهبوند دارد، نقیض دارد، رهبر همه کارگران است، باید آن سراسر کارگری است، رهبرانش و متکرپیش دارای این با آن عضویاتاند، لعن حزب بود، است، حزب پلشیک حزب بوده است، ما که هستیم که حسارت تشکیل حزب را به خود راه داد ما همین تأثیر خود را با این دیدگاه به رواحت روشن کردیم. ما این درگ اصولی را تبیه کردیم که حزب کمونیست، حزب کمونیست های یک دوره مشخص در یک جامعه شخصی است، شرطی که این کمونیستها در نظر و حل کمربیت پاشند، در این شرایطی می‌شکل می‌شکل حزبی است. طبعاً شرایطی میتوانند موجود باشد که در آن حزب واحد طبله کارگر را باید از طریق وحدت پخته شدن به مجموعه سازیانهای حزبی نیز متعدد موجود آورد. این سازمانی هی حزب واحد از طریق وحدت سازمانهای حزبی است. کار سراسری هر سازمانی نام خود را حزب نمیگارد به این دلیل است که سراسری تبیه، کار سراسری را در دستور خود ندارد و کمونیستهای بسیار دیگری، استوار برهمان مواضع و اصول در سازمانهای حزبی منطقی دیگر حضرت دارند و فعالیت میکنند. اما بهر حال هر سازمان در چنین شرایطی خود را به تابه یک سازمان حزبی منفرد و معنوان بگذاریان حزبی می‌مالیت میکند. این بحث دیگری است و بررسی مطیع ساختن حزب هم در چنان شرایطی باید وحدت پخته شدن به سازمانهای حزبی را معمور خود قرار دهد. اما این دیدگاه خود را بجز اس سما اجازه نمی‌داد حتی بخود بصورت یک سازمان و تتكلل حزبی نگاه نگیریم، ایندما می‌باشد از آن که هفت ناشناخت و ایده‌آل محیب و غیرب برخیرد از شیوه تدوینیم خود را بخشی از یک جشن حزبی و یک تشکل حزبی بنامیم!

در اینجا لازم است تذکری بدهم درخصوص عملت کنکرت هر تئوری در هر شرایط تاریخی - شخصی - هر تئوری زمان طرح شدن و مردم شدن دارد و زمان طرح شدن و عوشه شدنی، برای مثال اگر ما بایدیم و حزب کوچکی سازیم و بخواهیم بلا فاصله با این حزب قدرت را بگیریم و نگاه داریم، آنگاه آن رفقی ما که بر این واقعیت پاشنایی کند که حزب کمونیست حزبی است که بخش وسیعی از طبقه تارگر را در مفهود خود داشته باشد،

کاملاً برقح است. این حکم تثویل و فیق ما در چنان شرایطی پاسخگو نیاز حرکت تمامی  
جنیش طبیه کارگر است. آری در چنان شرایطی نمیتوان حزب را تشکل کوچک اندلاعی  
سمم نامید. در شرایطی که نیروهای بیندازی از چهار طرف هدوم نظامی خود را آغاز  
کرد مانند و حزب برای حفظ ندرت سیاسی می‌جنگد. آنکه بدینه است که تصریف حزب  
پوشایه سازمانی با پایانگاه تولد مای وسیع، تعریفی اصلی و اتفاقی است که با تیازهای  
آن مطلع حرکت طبیه کارگر عطایق دارد. این یک حکم تثویل و فیق درست خواهد بود که سرمهای  
درست خود طرح شده است. در اینجا برآن وجه و مخصوصیت یک حزب کمونیستی اینست  
که اینه شده است که در کسب و محفظ قدرت نقش تعیین گشته دارد. اما اگر همان حکم  
امروز طرح شود، یعنی در شرایط تاریخی - مشخص امروز - در شرایطی که سال‌هاست -  
گذاری حزب طرح است، آنکه این حکم معناشی جز این ندارد که ایندا بدین حزب  
ویسا در میان کارگران کار کنید، به رهبری ملی جنیش طبیه کارگر عدیل شود، آنکه  
حزب را تشکیل بدهید! نادرستی این حکم از روز روشن نیست. اینجا دیگر این یک  
فرولند خرد، بیرونی است که درست به ساق سازمانهای خرد، بیرونی اس نظیر مجاهد و  
قدامی و پیگار در راه تاسیس حزب مانع تراشی می‌گرد.

کنگره در همن حوال تقد شدنس در برآور دیدگاه و لونتاریستی و اراده گرامیانه از  
پرسوه تشکیل حزب کمونیست قرار داد. ولوتاریسم هواستار تشکیل حزب از طریق وحدت  
فوای سازمانی نیروهای طرفدار برناهه جزیه در کیفیت موجود آنها است. مانیکوشم آری به حکم  
شرایط صنعتی میتوان و باید حزب را ساخت، اما حزب درگرو تحقق طریقات مبنی شخصی است.  
حزب درگرو بوجود آوردن کیفیت و مخصوصیات خدمتی دو جنیش ماست. جنیش مایباشد برناهه  
حزب کمونیست را باید رک نیمههای کمونیستی فعالیت ملی تکمیل کند، سنتیهای کمونیستی  
باید همان کارمایاشد و برای ساختن حزب باید کارهای داشت و بوجود آورد که برای من  
سخت ها نکنند و صفت اسریوت اپنکار اداری نمی‌کنند. کنگره مانعده کامی در رجهت تحقق این  
طریقات، یعنی درک این سنن و پرسوه آمزش کار رهابود. ما حزب را درگرو استواری جنیش  
- مان بر حانی پر اتیک به شیوه یک حزب کمونیست میدانیم و معتقدیم میتوانیم لریم برد اشتیش  
این گامهاین گند مرابه دیگر تبره ما توضیح دهیم. حقیقت مایتواند جنیشی باشد که در طوف  
چند ناه از نظر اصول پر اتیک از آن جنیش پیروی می‌نمی که تحت تاها رک نیمههای فعالیت میکرد و امثال  
روجانی ها و طابدینی های تابع معلوم و اداء متفق آن هستند، صلا و پرسنه متابیز باشد. ما  
میتوانیم در طوف چند ماه هریت صلن جنیش کمونیست ایران را در تابیز مایتمان اشکال  
فعالیت خرد، بیرونی - سوسیالیستی ثبت نماییم و میتوانیم میتوانیم پرسنه می‌نمی که شیوه  
پرسنه دهن کنیم. برد اشتیش این کام تهای شرط لازم تشکیل یک حزب کمونیست است.  
شرطی که نمیتوان از غزار آن گذشت.

ما در این کنگره تثویل حزب لذتی را درگ کردیم، دیدگاه دگاتیک و ولوتاریستی  
نمی‌نمی که تشکیل حزب را کوچیدم و معنای این را که حزب را باید صلا و والما، یعنی  
بدین اتفاق وقت ساخت دیگر کردیم و دست به کار آن شدیم. ما اهمیت پر اتیک به شیوه  
کمونیستی بطور کلی و جایگاه آن در امر تشکیل حزب کمونیست ایران را دریافتیم.

در برخود همین درگ پایه‌ای بود که مابه مقوله تاکتیک‌ها بود اعمتم. ما تاکتیک‌های خود را به تابه تاکتیک‌های پد جنگی خوبی در نظر گرفتیم که باید توسط پیش‌باز طبله کارگر و در راس آنها سازمانهای خوبی انداد شود. تاکتیک به تابه "اطلام مومنگری"، تاکتیک به تابه "اظهار لعنه سیاست" ، تاکتیک به تابه "ابرار وجود دلخیسی" ، تاکتیک به تابه "من بدی" با این و آن، بدیگر برای ما خوبی ندارد. تاکتیک ما طرح نقطه علی مرزی فعالیت سیاسی خاست و برای انداز طرح شده است. وقتی در مبارا ساله بیکاری و اخراج سازماندهی خوبی و غیره‌یعنی پیش‌باز طبله کارگر، پیچ دستگاری انتظامی و سازماندهی آفرینش‌آور انقلابی - دستگاری در قبال مصاله ندشت قلمروهای تاکتیکی طرح کردیم، مشخصاً اینها را در دستور هر سلول خوبی و هر که خود را کوتوپیست و کارگر به شروع میداند فراردادیم. اینها بدیگر همچویک، پیش‌باز من بدی ها این ما آن سازمان و گروه و گروپ طرح نشد ماند، بلکه موضوع الگوی جدی کار ما مستند. نکته مشتبدیگردن من حثه‌های تاکتیکی کنگره تبریز خاص بحث‌ها روی مسائل جنپیش کارگری بود. پیرو این‌عنوان به سائل والیع خلبان طبلاتی بیانگر جهت گشی و بالعی مابه سمت این جنبش است. این کنگره بر موضوع کارما، بعنی طبله کارگر، تاکتید گذشت و ۲ قلمروهایی که کنگره در این محصول به تصرف رساند، به مخصوص عصالت شخص و دلیل این قلمروها، خود تاکید دیگری سر اهمیت برآورد کوتوپیست در جنبش ما بود.

دستاوردهای دیگر کنگره، تصویب اساسنامه اتحاد مازان کوتوپیست بود. اساسنامه ما را باری خواهد داد که بقایای روابط سلطی در تشکیلات را از حان برداش و وظایف کوتوپیست را در تشکیلات، از رهبری تا حوزه‌های اولیه، در تقسیم کار، در سلسله مرابط تشکیلاتی در اختیارات و این‌ها اساساً وارگانها برقرار کیم. اساسنامه شرط لازم برای طبیعت تشکیلات با ظایف درجه تهییم بود. اما ما اساسنامه را برای بانگاهی سازی‌باتی صورت نکردیم. این سندی است که باید متنها در امر سازماندهی بکار گرفته شود. ما باید اساسنامه را نیز آجتوش بدیم. و بالاخره در میانه بحث کنگره باید به مباحثاتی کادر باره انتخاب‌نایابی‌نالیم داشتم اشاره کیم. بحث انتخاب‌نایابی‌نالیم، ما را به تقویت مارکسم انقلابی در سطوح جهانی و دستاوردهای دیگر مشخص دری از موقعیت اعزام و سازمانها و جنبش‌های کارگری و کوتوپیست در مردمین اطلاع شعید کرد و این نیز در کنگره ماء بعنی استقبال از مسائل یک جنپیش‌طبیعتی جهانی در درجه نیم را منعکس می‌کند.

در کنگره قلمروهای نکات مخصوص تر و مهم‌تر نیز در کنگره روش شد که ذکر آنها لازم است. پیش‌باز من بدی دستاوردهای مهم کنگره در زمینه روش‌های علی کوتوپیست این بود که ما مبتلا در ماقضی کار کوتوپیستی فاعل و پیچده نیست. این سیاست‌داری و خوده بسته‌داری است که در طول ده‌ها سال تئوری مارکسم و برآتیک به شیوه کوتوپیست را باش‌حلوه داده است. تجربه چندسال اخیر نشان داد که آنها غافل و پیچیده، و می‌رسوند این دلیلی و برآتیک خوده بسته‌داری است. آثار مارکس و انگلیس و لینین را چنان غافل جلوه داده ماند که سهاری بنشایش از طالعه آنها پس می‌زندند، کار تشکیلاتی کوتوپیست را چنان غافل و مغضن احاطه به نمود و فن پیچیده‌ای حلوه داده ماند که این‌روی سیاری از مارکس در

این زمینه بی صرف تقدیم است، بلکه فهمیدم که کارگویی روش، واضح و مطبوع است. به این همه قوت و فن و "منندی" و شیوه و شگرد هیچ نیاز ندارد. ما در این کنگره در مقام کارگری و آشناه تکری خود را بروزی اس در زمینه کارگری ملی را از جلوی چشم فعالیت خودش گویندیم که کارگریم جذب ما به مهندیم ملتفین، موجدهن و سازماندهان دست خواهد داشت. آخوند مگر کارگری چیزی جز این است که به طبقه خود راه رهایش را مشناشانم و او را برای انجام این امر متعدد و مستقل کنم؟ کنگره ما نشان داد که محتواهای تبلیغ و ترویج ما دزهای تربیت و مداومه‌ترین شکل آن چیزی جز گویندیم که در کارگران در متن زندگی زندگی زندگی نیست. ترویج یعنی رواج دادن و رواج دادن معناهای جز این ندارد که بروتعداد امثال خودمان بروزیم. امثال خودمان یعنی کسانی که به رهایش کامل طبقه کارگری مندیشند. واس سرتاً یعنی از دنیاد افراد "هم نظر" با ما نیست، زیرا خودمان به "نظرات" مان محدود نمی‌شویم. افزودن بر "امثال خودمان" یعنی گسترش فرمیان، یعنی افزایش مبارزان برای این که در پیش گرفته‌اند در تمام وجود علی و مشتمل آن. شرط مان تثوی نیست. ترویج یعنی اشانهاش بروود به آنها به مان اهداف و روش‌های زندگی و مبارزه که خودمان بد برقراریم. ترویج یک تلاش نظری نیست، اشاعه تثوی نیست، انتشاره مطابق‌ددید نیست، بلکه افزودن بر اشاعه‌ای است که در دل به ک انقلاب جاری و زندگه برای یک انقلاب کمیز کارگری مبارزه می‌کنند. آیا این امر بجهود ملای است؟ آیا گویندیم شدن خود ما امری به وجود نمی‌گیرد و فامن بود؟ نه! به گویندیم از روای عینک آشناه تکری نظری و دیز و لک های طبقه خود را بروزی اس نگاه نکنیم و سلطناها به سراغ تولد طبقه انسان برویم تا از آحاد آن افرادی چون خودمان بسازیم. آگاه و مستقل کنم.

نکته دیگر این بود که کنگره دریافت که ما بعنوان گویندیم هرگز نباید به آنچه‌زی که هست و آنچه بودست آورده‌ایم رضایت بدهیم. این حکم همواره صادق استنکجه در زمینه نقد وجه در زمینه کارگری است. کارگریهای مهندسان از آنچه هست بهتر باشد، حتی اگر آنچه که هست "پوچیزی تمام باشد". یعنی حتی مرد ای تمام پیروزی‌مند همه نگوییم "کارها درست شد، روی خلطاً افتاده‌ایم"؛ بلکه خودمان را خود خلطاً بینیم. خود را نیروی سرگرد و پیش بروند" بدآئیم. به این راستی شایم که برناهه و رهبری منضمی داریم، به اینکه سیک کارمان را اصلاح کردیم، اینها هدف نیستند، بلکه وسیله مبارزه‌ماند، و سیله "سازماندهی و رهبری مبارزه‌ای سیاسی" تولد های طبقه‌اند و نازه همچیک از مراحل پیش روی گذشتی کشیده‌اند طبقه نیز مرحله آخر و کافی نیست. ما باید این آرمان خواهی گویندیم را، یعنی به کم و محدود رضایت ندادن و در همه حال برای تحقق اهداف نهایی عنگیگران را در خود برویش بدهیم.

اما تا آنجا که از اتحاد مبارزان گویندیم بعنوان یک تشکیلات مشخص صفات می‌کنیم، شاید مهندسان دست‌آورد کنگره برای ۱۰۰.۰۰۰ تسلیی بود که کنگره در محدودیت و درینای آن اتحاد کرد. بدین این کنگره ۱۰۰.۰۰۰ دیوانی میهم داشت. مبارزه و تلاش درجه‌بله جو پسرانه و سیک کار ندیدم، حتی اگر همه اجزاً و افراد آن می‌توانند انقلابی و

پیگر و مستگ ناید برباشند، راه به جان نمیرد، اینجا دیگر صفت بر سر پیشتر ماندن با نماند. ا.م.ک نیست آنکه بخت اساساً برسیلاً تشکل است که روش‌های خود ره بولنوس را به ندانند. ما در این کنگره تمام گزینش‌های خام انحرافی را که در صفت ما وجود داشت در مباحثات خود صفت نداشتند کردیم. میتوین دستورهای این کنگره برای ا.م.ک این بود که نه صرطاً پک سلسله دیدگاه‌های نظری بلکه پک تناقض را در صفت مقدم خواستند که میتوینستی غاره از اد، کنگره با اتحاد میازان که میتوینست را بحث‌های پک ایزار سرای مارکسیسم انتلایس ایران حفظ کرد و تقویت نمود. این برآشی کم مشقت ترین و مستقیم‌ترین گذاره انتخاب روش‌های میتوینستی بود. واضح است که بدین این کنگره گذاره انتخاب روش‌های بوسیاطر برتری نیز می‌توانست وجود داشته باشد. کنگره نه تنها نظرات جدیدی را در می‌سازه سوئیل مارکسیسم انتلایس طرح کرد، بلکه ا.م.ک را بحث‌های پک تناقضات به مدافعان صرفت این نظرات هدایت کرد. اتفاق نظر ما در این کنگره و در مباحثتی با این اهمیت دستوردهی برای ما بود.

من مطلعتم آنچه گفتم طبق فرم اینکه مفصل بود جمع‌بادی کاطی از آنچه در کنگره بدآن دست را نخدم نبود. نکر میکنم چنین جمع‌بندی کاظن اصولاً کاری بهایت دشواری است، من گوشیدم به هسته‌های اصلی در بحث‌های کنگره اشاره کنم، و این هسته‌های اصلی آن چیزی است که باید همواره در ذهن ما زندگ باید. هی شک نا از اینجا با احاطه کامل به حریمیات و ظایه‌ش که برای خود تعیین کرد مایم بوقت تعیین. اما ما آن طلب‌نای اصلی را بدست آوردیم، جزئیات کار ما باید در آینده توسط تک تک ما و شاید بیشتر از همه توسط کارگر که میتوینست و بسوی سوسالیسم تدقیق شوند و اما حتی اینکار هم به شرک و دخالت هسته‌ای تک تک رفتا نهاد دارد. رابطه نظر را با خود تهیه نیک جانه تهییم، بلکه خود می‌گش که نظر را نیز هدایت کنیم. همه‌هیں معتقدند تگرانی برخی رفاقت از اینکه شاید همه ما برجزیات کار سلط نباشیم چنان میور نهایه داشت. اگر ما از این کنگره رهبری کردن و رهبری شدن را آموخته باشیم، در چنین سویش ما خود را در حل تصمیم خواهیم کرد. اگر رفاقتی کامل در صفت ما باشند که درگوش و کار و منافع شکلات به فرازهای شهرد و شدماند آنها را خواهیم شناخت و فعال خواهیم کرد و اگر کسانی باشند که هم مورد در صفت ما جای گرفتارند آنها را کار خواهیم کرد. ما با ذکر بر مناسبات اصلی شکلاتی بر عطاها گزیز ناید بر خود در آیده نیز ناقص خواهیم آمد. بسط و تدقیق آنچه در کنگره با انتظام پک و تطبیق شکلاتی هم ناست که باید به شیوه‌ای متشکل آنرا به الجام بررسانیم.

### رفقا!

اکنون در کنگره ما دیگر تمام مرات ملى خود ره بولنوسی به دلو انکد، شده است. چنین با میتواند از کامپس بصلیم، از خاطره آن خسراشی که در راس جنیش بولنوسی بودند، آن حست و خیزها، آن به اصطلاح آگزین‌ها، آن به اصطلاح سائل تهییم، آن نوسانات و آن آب درهای که میدن‌ها، رها شود. امریز در برابر بولنوسی، اهر بالیم و نیم اسلام اش پک جوان بولنوسی فرار گرفته است، جوان جزب که میتوینست ا

پیرویست‌ها و بنی‌ست‌هایشان دو دشمن ماند و به هوا و قناعت و امیریز یک جریان است که طوفان تمام پاسخیم، ارتضاد و شنهایلیمی که گریبان خرد و بینزاری را گرفته است به طبقه کارگرند افراده هدو اورا به درین گرفتن راه مستقل خود را میدواند. دوره نوبنی آغاز شده است که در آن پهلوتارها حزب خود را باز می‌باید. گذگره سوی کوبیده و گذگره اول اتحاد حمایزان گمونیست‌الخطات آغازگر این دوره نوبن بودند. صوبه انتشار برنامه حزب گمونیست و اینکه تاکید گذگره ما بر شیوه‌های گمونیستی فعالیت علی آخرین میخباری است که بر ثابت سوسالیسم خرد و بینزاری در ایران کهیده شده است. اینها آن مبنای است که در لطفعنهای ما بعنوان عصوبیات دوره نوبن در حیات جنبش ما از آن پادشاه است. خطات بسیار بیشتر گوهر جنبش ما دوراه است. من امیریز نهایی به یک خطابه تهیه می‌نمایم، زیرا واقعیت مبنی و ملحوظ خود از هرجیز شورانگیزتر است. برای همه رفقا آیندی بینزاری می‌گشم.

## حزب کمونیست ایران درگروچبست؟

(طرح لئو)

منصور حکمت - ف. پرتو

رثنا!

سازه برای تکمیل عملی حزب کمونیست ایران و تعزیز و انداد آن گامهای عملی ای که باید سارا درآید، ای نزدیک در این حزب منعکل گند، آمروز مبتلزم نشد و دیدگاه آنرا نی اصلی در قبال تحریف حزب کمونیست و به این اعتبار بروزه تکمیل آن است. دو دیدگاهی که در گذشته با آن مواجه بود «امم و در آینده نیز در ادکال مختلف در مقابل مافراطواحدگرفت. این دیدگاه، میار تنداز دیدگاه، اکتوبریست و دیدگاه ولونتاریتسی (راده کراماده). این هردو هدایتی تفاوت در فرمولیندی های تئوریک و تئیج گیریها را دارند، برای این اصل پایه ای مشترکند و آن سندولوزی غیر نایا لکنیکی، ستافیزیکی و جامدی است که بر تحریف حزب کمونیست بر آن متکی هستند.

۱- اکتوبریسم و ولونتاریسم بر برخورد به حزب کمونیست

دیدگاه اکتوبریستی که انتراپرایم شری است، حزب را جنبه تعریف و تعمیر می گند: «حزب کمونیست حزبی مابذق نیز در میان طبقه کارگر است، تماینده جنبش کارگری است و از طریق ارگانهای مختلف در کارخانهای و محلات و سایع کارگری با توده کارگران در ارتباط میزدگد است. بطور ملائم حزب کمونیست بک حزب دینلوز و گسترده کارگری است»، حکمه مبنوان حزب کمونیست را تکمیل میاد؟ پایخ در این دیدگاه در محاوا کلی جنبش است: «بمدونه با طبقه کارگر، بهینه هر طبقه تکمیل حزب است» و لایم بروزه عملی تکمیل حزب کمونیست عبارت است از گفتگو برانیک تبلیغی، ترویجی و سازماندهی کمونیستی در جنبش

کارگری، نا آن حد که حوب به هنگام تاسیس معاونت کلی با بعتر نابل ملاحظه ای از کارگران و جنبدان کارگری باشد.

ما هم اکنون در قالب نقد فناشیان ملی (الملت) به برنامه حزب کمونیست راهنمایی کرد و کتابخانه ای تلویضی مسعود روچوی در چزو «جعیندی مکاله...» با این نهدگاه هر ده بورزواهی سوابع عده ایم. این چکیده آن موضع است که نهروها و احزاب خرد بورزواهی پیویش آن دسته از آنها که تحت نام مارکسم حد می گویند در آینده به کرات در مقابل ما قرار خواهد ناد.

نقطه مزیمت و محتوای جامد و منافعیکی این نهدگاه در اینست که حزب کمونیست را نه به منابع ملک پادشاه زنده متغیر و منکامله بلکه به عنوان ملکیت ثابت و لامتصادر نظر می کند. تصوری از ملک حزب ایند آل در هر ایام ایند آل ترسم می کند و آن را تعریف معمولی و عینیگی حزب کمونیست للهاد می کند. تصوری که اینجا همان عمل و هایدار نیسته بلکه کاملاً زانیده عرابط منص و ناریهی مینی امت و زیرا که دلیلنا از موقعیت احراز کمونیست مدن در عرابط منص ناریهی و بیویه از موقعیت حزب بلقویک در سال ۱۹۱۷ منتقل شده است. هر ده بورزواهی این تصور را در دست می کنند و به ما حکم می کند که «با باید چون حزب بازیده می آیند می سازید حزب کمونیست نیست». ترا این نهدگاه حزب کمونیست به تاگزیر موجویتی کشته و هایداره ترسم محدود بندیده ای که گاه حزب است و گاه حزب نیست و زیرا عند عنوایل بود نظر اکنونیستها فر تصریف حزب کمونیست (ملدو و گتردگی حزب و «پیوند آن پا غوریها») عود موقایی متوجه شد که بسر می اوناع و احوال سیاسی و اجتماعی در مرحله نظیر وجود با خدم وجود و بطور کلی درجه ردد می ازد آنکه طبقاتی در حل جامد، بر حسب تفاصیل احوال طبقات، قیاده ایگانی سرگوب و تعیین بورزوازی بر برولتاریا و غیره تغیره تغیره می کند. ایند ایجاد و درجه نفوذ هر حزب کمونیست در عرابط فعالیت مرتقاً متفاوت در عرابط اول می ازد طبقاتی و حاکمیت بلاش از ارجاعه بسیار با ابعاد میان حزب در عرابط انتقالی اندیلان، در آستانه نیما و پیاز آن بر دیگر تحریکی بر برولتاریا کاملاً متفاوت است. نهدگاه اکنونیست مینی پسر بزرگانی می ازد همچنین از حزب است! زیرا با تصریف حزب بر حسب متغیرهایی چون کیست و اراده هایی آن، جوهر و میزانی ایمهایدار حزب کمونیست را انکار می کند. از این نهدگاه، حزب کمونیست غافل ملک جوهر و اساس بایدار و مادی امت که به آن امکان می دهد برهار ایطال مختلف اینکال و ابعاد ظاهری متفاوتی بخود بگیرد میزان نفوذه نیوان و گشودگی فسالیتیش فر در معاوی مختلف توان این حزب کمونیسته با همان هیبت تاییت، با قدر پیانند. نهدگاه اکنونیستی نیت و اند برای مثال توافق دهد که چه جیز نر طول ۲۰ سال فعالیت در اینکال مختلف و در دورهای مختلف به حزب بلقویک هیبت واحدی می بخشد. هر صورتی که در سال ۱۹۰۵ هریم است در ایزرسیون با نفوذ اندیک در حیان کارگران و ایسا محدودیه کار مخفی، در فوریه ۱۹۱۶ هریم است دارای فعالیت علی گشته و در پیوند با عوراها با نفوذ تعیین کننده ای در میان کارگران و پیاز از انقلاب اکبره هریم است در فقرت سیاسی که هزاران نهاد حاصل، اقتصادی و اجتماعی را سازماندهی و چشمی می کند و ساخته ای

موسالیم را غیر راس میلیونها کارگر پنهان میدارد. در میان این مدت میزان تفویض تسویه ای و  
قدرت حزب و ارگانهای نهاد آن و سمعاً و مکرراً تغییر مافانه و شمار اعماقی داشته و مدعماً  
برابر افزایشیانه است، از سوی قدرت پلی‌حزب که بجز این میزان بذر آنده و به همراه از مانند  
تلخ پرولتاریا برای ساختمان سوالاتیم بدل شده است، اما همان میان حزب پلی‌دموکتیک  
سائد است، اگر تغییر اکتوبریستی از حزب را پیده‌یم، آنکه باید مستند باشیم که حزب  
پلی‌دموکتیک نه در حد ذاتی و نه در حال ۱۹۰۴ نه نه حتی نه ۱۹۱۵ میلادی حزب  
کمونیست نبوده است (هر که در این دیدگاه حزب پدیده‌ای زنده نمی‌باشد که اینداد عارضی آن  
به تناب نزدیکی و رد و تکامل حزب انقباض و انساط می‌باشد بلکه پدیده‌ای است که بته  
به شرایط می‌بیند و از تو زنده می‌شود) دیدگاه اکتوبریستی حزب را در طول زمان گسته و  
نشغل می‌بینند، زیرا همانطور که گفتیم آن را تنها در شرایطی به رسمت می‌شناد که هرود  
آن شرایط ذاتی نمی‌شوند. شرایط اینده آن می‌بینی که خود تابعی از اوجگیری پیرانه‌ای  
انتدادی و سیاسی جامد سرمایه‌داری و پدیده‌نگاری است و لذا در مقام ویژه‌ای  
پدید می‌آید. پلاوه یه چرات می‌توان گفت که هیچ حزب کمونیستی که از تفویض تسویه‌ای گشته  
برخوردار پایانه نمی‌تواند پیرای مدنی طولانی در اپوزیسیون بماند؛ زیرا ملک‌حزب کمونیست  
قدرتمند و پایانفونده در دل هر بحران انتدادی و سیاسی جامد سرمایه‌داری بینایه تعریف  
برای حل نهایی ساله لفتره‌سازی کام پیرمن دارد. با پرولتاریا و حزب او به قدرت میرساند  
و با نتیجه عکست انقلاب و حاکمیت‌خدا انقلاب شرایط و تناب توای نوبتی فر وابطه مهلان  
طباقات املی جامد پدید می‌آید.

اما من نیزیم حاکم بر دیدگاه اکتوبریستی امری معرفتی نمی‌نمایم که از «فریک تشوریکه  
ضعیف» اکتوبریستها و پرپولیستها نامی داشته باشد؛ این انتقام موضع و مطلق هر دویه -  
بورزوایی است که از تذکل پرولتاری می‌براید و می‌کوهد از منطق عین کمونیست‌ها می‌  
که بر اساس برنامه خود پایه دارد حزب کمونیست را بازتند پلک‌گیری کنند و حدت‌ساخته جامد و  
منابن در نهاد برنا می‌خواهد حزب کمونیست و امر تشكیل معلی حزب در اینجا ریشه دارد. اکتوبریست  
وهم با تبدیل حزب به یک‌مقوله امام‌گیری و امام‌الله تشكیل آن به وجود شرایط اینده‌ای‌بزر  
شده، علاوه‌شکل حزب را می‌کنند زیرا خود حزب کمونیست اساسی ترین پیغمبر عرب  
کنفرانس تفویض کمونیسم و کمونیستها در توده‌ها ملتفه کارگر و اعمال رهبری کمونیستی بر  
جنینه کارگری است. نه اکتوبریستم برای چه‌کوئی ساختن حزب کمونیست ایران فر واقع  
ضدهای برای نهاختن آن است. این استنکاف از همکول حزب کمونیست در عین حال از مکرو  
بیانگر سکایم پرپولیست‌هاست که به همین قیمت تمنی‌توانند از «سازمان خود» به نفع  
حزب واحد کمونیستی «ست بکنند» و از سوی دیگر جلوه‌ای از عدم اعتماد به نفس «ترزلزل

ایلان‌لوزیک و کوندیمیش هرده بورزوایی ذاتی پرپولیسم است.

دیدگاه پرولتاریستی و اراده گرامانه نیز دیدگاهی متأثیریکی و انتراختی است. در  
این دیدگاه حزب در تحلیل شهابی به حدت‌سازمانهای موجود طرفدار برنا می‌باشد حزب کمونیسته  
در عین کنیت موجودهای نفلیک می‌باشد. آنچه در این میان کدرنگ و فراسوی می‌شوده لین  
واتیست است که حزب کمونیست‌دارای جوهر مادی سین و کیفیت ویژه‌ای است که آنرا نه مرتقاً

بر اینداد طاهری، بلکه در باید و اساساً نیز از سازمانهای موجود سپهر گوبله و ام.بل  
 ستایر می‌سازد. نیدگاه و لوتناریستی این ستایر را در کنی کند و به آن اهمیت تعلق دهد،  
 حزب را به منابع کمپیونی نوین و متفاوت در سطح می‌گیرد و ادعام و وحدت نیروهای موجود  
 و مذاکتر پر سنا ای اسناد و سوابات تهدیدی، پراوی تشکیل حزب کافی نیست. این نیو، ای  
 اختباری است. خلصه‌تا فیزیکی این نیدگاه در اینست که حزب را پکونهای تهیی و درک می‌گند  
 و آنرا به آنچه هم اکنون موجود است کاهش می‌دهد. اگر اکتوپیسم نصوبی او از پذیرش لایتیور  
 از خدمهای طاهری حزب بسته می‌باشد، و لوتناریسم با پذیرش فیزیانشادی خدمهای کنویس  
 هنوز ما و پایه‌دهوش از آن کهنهٔت ستایر و نوینی که ناید مرای تشکیل حزب در مفهوم  
 خود موجود آوریم، علاوهٔ تعریف و تعمیری اینست و جاند از حزب بسته می‌لعد. نشانهٔ  
 خدمهای بینهای ای که وجد ستایر حزب کمونیست از سالی و سازمانهای موجود است، علاوهٔ  
 متناهی چز نکار و تحریره نکت خود ره کنفرانس وحدت در طبقی دیگر و لآخر شانهٔ حالی کردن  
 از وظیفهٔ تشکیل پاک حزب کمونیست به معنی واقعی آن، نثاره، و لوتناریسم نی تواند به نهن  
 سوال صاده پایخ گوید که اگر وحدت تیره‌های برنامه حزب را با همان کمیت موجود و دعهان  
 می‌توان حزب نامده، جراحتی از این سازمانها می‌ویزه کوچله را که از پر اتمک سوار  
 گشته‌ای نیز برخورانی است، از هم اکنون به نهایی حزب کمونیست نی تام؟ تفاوت  
 اساسی پاک حزب کمونیست با کوچله کمونی و ام.بل کمونی در جهت و وحدت نیروهای موجود  
 چه کمیت جدیدی، پرا امثال در قیام با کوچله کمونی بوجودی آورد که این نامگذاری  
 جدید راحا زمی‌کند؟ نیدگاه و لوتناریستی پایانی اصولی می‌آیند نداده امکن  
 اکتوپیسم تشکیل حزب را مکول به سال می‌کند، نیدگاه و لوتناریستی تشکیل فوری حزب را  
 می‌پواهد، اما با شانهٔ حالی کردن از تحقق سازویات مادی معنی برای اتحاد پاک هنوز حزبی  
 علاوهٔ تشکیل حزب را به تغییر نام سازمانهای موجود تنزل می‌دهد و لذا هر چیزی غایق خدمهای  
 پاک حزب کمونیست، با آینده‌ای مبهم و تناقضات تعبیین کنندهٔ ترویج بوجود می‌آورد. حزبی  
 که ناید تنها برای مدت کوتاهی بتواند نام جدید را بر خود تعیین کند.

کام اول در تشکیل پاک حزب کمونیست واقعی اینست که تعریف و تعمیر درستی از خدمهای  
 اساسی حزب داشته باشیم. تعریفی که حزب را برینای مولفهای پایدار و ماهوی آن بنشاند.  
 تعریفی که ته بر شرایط امروز بنشاند باید و نه بر شرایط ابدی آل تدبیل، بلکه خدمهای  
 تدبیرنایدیزی و بینهادی حزب را منها قرار دهد. ما ناید اسرور پاک حزب کمونیست سازیم:  
 اما نه می‌توانیم در انتظار عیث فراهم آمدن شرایط مورد سطر اکتوپیسم‌ها تشکیل حزب را  
 به فردایی نامعلوم موكول کنیم و نه می‌توانیم بخاطر فوریت ساله و در ت McKim به شرایط  
 وجودیت‌های امروز به نیو، ای لوتناریستی از "حزب نیو" و "کمونیست بودن" سازمانی  
 که ناید تکلیل دهیم چشم بوشی کنیم، بین چه باید کرد؟ پاکگویی به این سوال در وهله  
 اول مستلزم دستیابی به درکی اصولی و زنده از حزب کمونیست است.

#### ۴- حزب کمونیست چوست؟

قبول از هر حزب ناید این امر بدهیم را خاطرینان کنیم که حزب کمونیست چیز نوظوری  
 نیست، اختراعه ایداع و کشف جدیدی از جانب مانعست. کمونیسم خود پاک گردید منعی و

جا افتاده بر حین طبقه کارگر جهانی است. نظریه دیگر کرامات بر این حین، نظریه تربید و پوییسم (اتحادیه گری)، آثار کوئنکالیسم، رفرمیسم و امثال آن این گفته عاید اکتوژنیست هارا می‌نماید، اما همان اکتوژنیستها حاره‌یدند رامنی و بیرون همچو مذاق و چند اثی از ترمومونومیم، سندیکالیسم و مسی آثار عیسی به منوان جریمات موجود در جهانی کارگری ایم پیرند و این گرامات را حتی هنوز گرامات «مودیلودی» برولتاریانا مگلا وند چندی اتحادیه ای کارگران بیشتر گرامی همچو عیسی کارگری برای متعدد عده در مرآ بر سر چاهد داران و کارفرمایان در چهارچوب نظام موجود را به نمایند می‌گذارد. اما امروزه در سال ۱۹۸۲ به مناسه میک جنبیت بالفعله خسید اتحادیه ای حضور است که اموله، سیاست و مواری آن هستنا نوط رفرمیم بوزراهی و اشتراحتی کارگری را می‌باشد. آن در اروپا نشونه‌زه و تدوین عده است، کنکرهای و کندراعیهای و نشکلهای جهانی ای دارد که مدنداستهای سیاسی احواب پیور روزانه سوال - دموکرات اروپا را تشکیل می‌یعنده. خسید اتحادیه ای اموزش نه تنها به مبنی اصل مودیلودی نیست، بلکه حتی در موارد سیاری بوزره در اروپا و آمریکا آگاهانه بوزرازی به منابع آلترا نهیمی بروابر تشکل جزیی برولتاریای انقلابی تبلیغ و حمایت می‌نمود. نایمن وجود اکتوژنیستها در اطلاع «خسید مودیلودی کارگران» به آن لطفای شامل نمی‌گنند. اما غالباً کمونیم طرح می‌خوده، این ایده بوزرازی که کمونیم جهانی می‌داند طبقه کارگر است که تازه باید با آن - بیوند "ببورده" قدملم سی کند. حال آنکه کمونیم اولاً در همان حد ابدیمای و گرامات کلی آن، با تفاوتات کهن و محمد رجیبران در باول ناریج معنی بر لزوم الشایه مالکیت عصری بر وسائل تولید و سو استعمار ماقنایی سازگاری دارد. تاتیها و نیز میں حالی به منابع میک جنبیت مفسر والفسی و سیاسی پارهای خود مستقیماً کارگران را در معرفه ملیمیتی علیق مشکل کرده، انقلابات کارگری مندد را رعمری کرده و حتی بروای مدتی آنست نه فقط در میک کجوره علم فشرت سیاسی را به آنان جناده است. این درست است که سویالیم ملی از بروی خسید همود پیهودی سی روهد، اما این ایده به منابع آن نیست ته کمونیم همراه و تا ابده هلمزغم بیوند تاریخی که بارها با بعضی ای معتقد، خسید جهانی کارگران باقته است، جهانی شارج از جنبیت طبقاتی است که باید مدام با آن - بیوند "ببورده" ببورده و در هر کدور هر روز از نیو بیود ببورده. اگر بر ایندای فرن بجهنم اتحادیه گردی هنوز مدندا جهانی مودیلودی. شوربزه، نده و هنوز شاحدود زیادی هم بود و کمونیم و سویالیم ملی تازه آغاز کرده بیود نا از عمارح خسید کارگری به معنی اصلی، به آن سرفی خود، امروز فریب میک قریب بر آنکه زنده، اینقانی برولتاریا خصوصیات تازه ای به این جهانات بخنده است. اتحادیه - گری بهد، از بعراز حالت مودیلودی بدرآمد، و کمونیم بر حق جنبیت کارگری نعمودی بایدار و بایرجایانده است. اکتوژنیستهای ما لذاقل میک فرن از ناریج متفاوتاند. کمونیم دیگر پنهده نو و نوط بوری برای چنبیت طبقاتی نیست، بلکه امروز دیگر به میک چز لایخزدی آن و به پاک گرامی مصلی بر سقوط آن بدل خواه است. مانعقت کمونیم بین امثل اول، انتقام اکنتر، بین الملل سوم و انقلابیون کمونیست بی خوار فر طول این دهها سال، پیلیختها کارگر را تحت بروم کمونیم بسیج کردند، ایده کمونیم، ایده‌الغای

مالکیت خصوص بورزوایی و ایندیه تعلکل برولنارها نریک حزب مستقل سیاسی و ایندیه گمپ قدرت را در میان کارگران کاچند و مارور گردید. آری، کمونیسم ناریخی دارد و ایندیه تاریخ با رها موجودیت کمونیسم را به نایمه حریانی منتقل به برولنارها به شوسترانه است. امروز عمار تبره بربی، هرا فرنی، حکومت کارگری به میان انتشاره عمار، اتحادیه قدرت ماست. آن بله اصلت خود بعده دی مریان کارگران ببرهوردار است. باور گردید جنده کمونیستی به منابه پکیجربیان زنده در جنبه طبقاتی برولنارها، گام اول در تحریف زنده و اصولی حزب کمونیست در مراقبه امروز است.

اما کمونیسم از دیگر جریانات موجود در جنبه طبقه کارگر من Mayer است و دنیهای سیاستی این تمايز تعریف می‌شود و به خود موجودیتی مستقل می‌باشد. مانندیت کمونیست در میان ایندیه امر وجوده مختلف این تمايز را بین کردید است. تمايز لظری کمونیسم و کمونیستها از سایر جریانات به عصر امروز که برینه حزب کمونیسترا در دست ناریم نیازی نداشده تندارد. کمونیستها آن بعده از برولنارهاستند که منافع برولنارها را بر علیه سالکرست خصوص بورزوایی بطور کل و کل نظام سرمایه داری بر تمام وجود آن نیایدگی می‌کنند. ایس، سورنام نظریات کمونیستی است. اما تمايز کمونیستها با دیگر جریانات تنها در نظرات و اهدافان نیست؛ کمونیسم از آنارکیسم، سندمکالیسم، اتحادیه گری هلال گرامی، اینبرالیم، رفریسم، پارلماناتاریسم و غیره بر عقیل نیز تمايز است. این تمايز میلیونی، بعده شوهای سیاره، کمونیستی برا ای رسیدن به اتفاق کمونیستی نیز خود مولدهای در تئوریهای و موجویت متنقل ماست. کمونیسم گرامی در جنبه طبقه کارگر است که با امنا و روزنهای متنقل خود از سایر جریانات سیاسی - طبقاتی تمايز می‌شود.

حزب کمونیست دنکلکجزیں این جریان مخصوص و تمايز است. کمونیسم پکیجربیان گلی و هام است، اما حزب کمونیست پنهانه و متولای ای مخصوص است. حزب، آن دنکل سیاسی است که امنا و شوهای کمونیستی را به نحو ایامه کار و استوار اتحاد می‌کند و رواح میدهد. حزب کمونیست، کمونیسم متعلق است و لذا هر تعلکل که اولاً این امنا و شوهای را پیشانده آن را از آن خود بدانده به آن متنهد خوده می‌باوره خود را بر سینای آن سازمان دهد و به پیغامبر و نانیاه از توان کافی و استواری عملی لازم برای ایامه کاری و شیان قدمبر این امر بروغوردار باعده پکیزب کمونیست است. حال عواه این حزب کوچک با پرسزگ خوده شده، ما قوی خوده در اینزی میون باعده ما دولت را تعلکل پنهانه اینه حزب، همی کمونیست خواهد بوده زیرا تمايزه دنکل کمونیسم به منابه پکیجربیان تمايز و متمدنی جنبه طبقه کارگر است این آن خواه ایسی و پایدار هر حزب کمونیست است که هر گاه، بطری خود جزیں نر کار تفاوتد بوده و هر گاه بوجود آید حزب دنکل عملاً تعلکل خواهد است. اکنون توییم و ولونتاریسم نر دو به این جوهر و درونهایه حزب بین دووجه و بین تفاوت آید و لذا نیتوانند نموده ای ملزومات واقعی و هایهای تعلکل حزب کمونیست ایران بدست دهد. ما باعده از اینجا هرچند و نهایا درین فرآهم آوردن این ملزومات باعهم، تکلیف ابعاد حزب را مبارزه می‌نماییم خواهد کرد.

## ۳- حزب کمونیست ایران امروز در گروچیست؟

آیا سایتوانم ملکتمن و غور از حزب کمونیست ایران را تکمل نمی‌نموده؟ زیرا تکلیف واحد ما با کمپنیات و خدمویات گوشی ما هنوز نمی‌تواند نهایتی داشته باشد که کمونیسم فرید است. نهایتی بروولتاریا سوچا لست در همه وجوه مبارزه ام را باشد. بر طول سال گذشته، بروشن انقلابی که هر روز به انتظار ما نهاده است بجهة کارگر و بیکار و این آسوزی من بعده جنبش ما ناچار خواسته باشد نظری و برنامه‌ای کمونیست ایران بدل نمود. جریان برناهای حزب کمونیست امروز کاملاً منافع و اهداف مختلف پرولتاری را نهایتی داشتند که می‌گشتبندیت فدم و استواری خود را در این زمانه به ثبات رسانیده است. برنامه حزب کمونیست محسول و قدرمند حال سبیل این استواری و تمدیده ام را کمونیست است. یک سال قبل اوضاع به گونه‌ای تغییر یافته، انقلابی‌گری نهاد پرولتاری نهاد مختلف بناهای مارکسی و کمونیست تبلیغ می‌شد. مارکسیم نقد همه جانبیه سراسری و سلطانی پرولتاریا از کلیه تجاه سرمایه‌داری است. حال آنکه یک سال قبل انقلابی‌گری بعد وسیعی از آنان که خود را کمونیست می‌نامیدند، از نندی محدود و کوتاه نظریه از اینها آن می‌شود و هارش سرمایه‌داری و امیریالیسم فراموش شد. سائل می‌شود - بخوبی کارگری نقطعه غریب و چهار جوب لکری بعنوان اعظم کمونیست‌ها ایران را تکمیل می‌داند. "نهاد امیریالیسم" آنهم به روابط محدود و نزدیک از خود را نگاه دارد. خود را که قمعت نام کمونیست و سوچا لست بیان می‌کند، اما امروز برناهای حزب کمونیست همه جانبیکی کشیده شده‌اند. رابه آن بازگردانده است. برناهای اعلام کردند که ما به تمام سرمایه‌داری از بالاتان یا پایین، به همه اندام و جواح آن، به همه وجود، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن مفترضم و برای جانبیکی کل این نظام با سوچا لست می‌حلکم و این هفت انتخاباتی می‌باشد. برناهای حزب کمونیست ما را به روشنی کمونیست و نه مرقا تبدیلگر، سرفی می‌کند. این نکد همه جانبیه و این پژوهه برای ایجاد تحولی همه جانبیه در نظام اجتماعی، بدین معنی است که جنبش ما اکنون بیکر اهداف و منافع کل پرولتاریا انقلابی ایران را نهایتی می‌کند. جنبش ما اکنون در نظرات و برنامه خود جنبش برائی کمونیستی است.

اما این شایيز نظری و برنامه‌ای کافی نیست. هر چه کمونیست تنها نظریات و برنامه نیست. غبوبه‌های ویژه بیارزه برای این برنامه نمی‌جزت، از تعریف کمونیست‌هاست. بلوچ طبقاتیکر نمی‌توان به اعتقاد پرولتاری رسید، و این نقطه خطا امروز نیست. هر اکنون از نزدیک افراد متکل، در غبوبه‌ای علی مبارزه، بر کار تشكیلات و سازماندهی هنوز استقلال کمونیست را بیان نمی‌کنند، نهایتی این گراید مقص و منایز در جنبش طبیعت کارگر نیستند و لذا تکلیف ما هنوز نمی‌تواند خامن اداده کاری و استواری مبارزه سراسری اهداف پرولتاریا، به همراه مستقل پرولتاری، نماید. هنوز نمی‌تواند به حزب کمونیست والی باندد. عزیز که ما امروز یا همین کیفیت موجودیان تکمیل نعمت خوبی خواهد بود با انتظارات و برنامه پرولتاری، اما نعمت تالیم غبوبه‌ها و عملکرد خود را بورزوازی. ما ناید برای تکمیل حزب در این جنبه نیز از خود بورزوازی جدا نمی‌شویم. ما باید روشن‌های علی همود را نهاد بود و روشن‌های کمونیستی بدل کنیم، نهایا به این طریق قادر خواهیم بود که خوبی برائی کمونیستی بازیم.

نقد کمونیستی از سیاست کار عربه بورزوایی و آلترا شیوه کمونیستی در روش‌های عملی، باید  
بر جنبش ما تثبیت شود. این آن گام نهایی است که هنوز کاملاً برداشته ناید.  
استلال نظری و عملی کمونیستها مساویه پیده هر طبقه کمونیست است. مولدهای  
ویژه ما این ساله را از اهمیت تاریخی ای برخوردار ساخته است. ما در عراحتی نصیشم که  
پیرای مصالح تبلیغ احزاب کمونیستی که با خواهان بین الملل سوم در کشورهای مختلف موجود  
آنند، از انحرافات بپریم و موازین کمونیستی خود و حاضر و موجود بکسان العمل بروانی  
را « بهذیرم ». ماه پیا زمک گستاخند د سال در تئوری، برخاست و برآتیک کمونیستی،  
هرار دهها سال حاکمیت روپریونیم تر لکر و مدل بر جنبش ما هود باید این استلال را  
سیددا و از نو تامین کنیم و حتی خود لسلوں فعال تکمیل سیده همان بین العمل بروانی را  
باهم که بتواند تکمیل گاهه تکمیل احزاب کمونیست در نیکر کشورها باعده. پس ما باید مبار  
نهیکر با همان قدرت و ملایقی مفهود را از اتفاقات و احزاب خود بروانی تهاجم کنیم که بر این  
تعتمدین بار مارکس و انگلیس خود با مادیقت کمونیست در قبال سوسالیسم پیرپری و لتری و هنمن  
کوئند. اما پذیره و تکرار احکام مارکس و انگلیس و لقین برای ما کافی نیست. زیرا ما  
امروز ده نشای در مقابل کامپانالیسم بلکه در پرا بر روپریونیم قرار گرفته ایم که آنهم  
رمیکارانه به مارکس و انگلیس و لقین احتداد می‌کند. نانهای استقلال طلبانی سا اسرزو زیاد  
تر عین حال مانعیستی خود روپریونیستی باید و این مارایه جدا کردن هر چه صريح تر و  
 واضح تر متفوپ مان او نظرات و مفهومهای انحرافی ای که امروز بنام نظرات و مفهومهای  
کمونیستی مرسوم عده استه موظف می‌کند. اگرها هرنا پرینای تایپر برداشای خوبی اتفاق  
به تکمیل خوب کنیم، اما در روش‌های عملی منزد به آنجه رایج استه به آنجه متعلق به  
طبقات دیگر استه تکمین کنیم، آنگاه خیز ساخته ایم که نه اتفاقها رسالت تاریخی خود را در  
راه امیاهای سلیمانیم به ادامه نخواهد رسانده بلکه در آینده ای ده جهان دبور در عطاکرد  
حساسی - تکمیلاتی خود از جریانات روپریونیستی قابل تعطیف نخواهد بود.

#### ۲- تثبیت روش‌های عملی کمونیستی امروز برای ما به چه معنی است؟

حزب باید ارگان مبارزه مشر و ولنگنا پذیر به خوبه کمونیستی و برای اهداف  
کمونیستی باعده. این روش‌ها باید بر لمالیت‌تزری ناظر باعده. اما این چکونه تامین  
چی خود؟ آیا ما باید منتظر عویم نا تک تک سازمانها، گروهها و ساحل طرددار برناهای  
حزب کمونیست اولاً نقد بروانی روش و سیاست کار پیوپلیستی را پیشبرند و ثانیاً هر یکه  
برآتیک گشته، ای را پرینای روش‌های جدید آغاز کند و به شر برپارانه تادسته تکمیل  
حزب بزنیم. آیا منتظر از تثبیت روش‌های عملی کمونیستی، بهماده عدن و جا افتادن آن در  
کلیه سازمانها و گروهها و تر کلیه طرح کار عملی استه و نایاب حامل خود حزب پرکار  
نخواهد بود؟ یا سیستمی است. ما هنی برای تثبیت روش‌های بروانی در مقیاس وسیع در  
مرور چند بد وجود حزب کمونیست ایران نهاده ناریم. حزب خود لازمه تصحیح برآتیک سادر  
طرح وضع است. بسی وقتی ما از « تثبیت » این روش‌های مستقل نمی‌گوییم، مساله دیگری  
را از نظر داریم.

مانطور که گفتم آنجه بک حزب را حزب می‌کند و حزب رگاه می‌دارد طول و مردم لرگاهی

آن، کمیت نفوذ آن، تعداد اعماقی آن و غیره نمی‌ست. بنای حزب انگلستان و جمود اهداف مرتبه  
و سنتها و روش‌های عملی پایه‌دار در حزب است. مادام که این اهداف و روش‌ها زندگانی و  
حریمان دارند، حزب وجود دارد و هرگاه تنفس یوند و از میان بروند حزب گشته و متلاشی  
می‌شوند. اما این اهداف و روش‌ها چگونه فقط می‌شوند؟ برنامه و مسویات رسی سازمانها و  
امرازاب‌کمونیستی‌بلور پایه‌دار این اهداف و موازین هستند. هر که به حزب می‌پیوندد، با  
برک و پدربر فای مسویات به عنصری جزیی بدل می‌شود و سلون نازه‌ای را در خدمت‌خواهان  
اهداف و روش‌ها می‌سازد. حزب از این طریق خود را تداوم می‌بخند و گترش می‌دهد. اما  
اگر نز مورد مسائل نظری و مرتبه‌ای، متون مسویاتی‌بلور بهار سهی نز استواری پایه‌داری  
حزب اینها می‌کنند نز زمینه روش‌های عملی و موازین جانشایه کار جزیی، روابط تحریب  
دهد و حافظه نداشته باشون جزیی و برآئیک عملی حزب که به این موازین و روش‌ها خصلت سنتی‌ی  
شتبه است نیز می‌بلندند تنفس تعمیمی کنندۀ ای نازند. با همین درجه از اهمیت، وجود کاکرهای  
جزیی است که مسلط سیک کار کمونیستی هستند و کامرانی‌های که حاملین و حافظین زندۀ  
لشکار ای اندلاع کار کمونیستی هستند.

اما ما در درایاطی به تکمیل عرب کشورت ایران دست می زنهم که فاعلیاتی ددها  
العمر از سنتها و همراهان اسلامی کار عملی به عدو، کشورتی ها منکد، ماوارث روس  
و ایلان و پروردگر و همیشگان خود را و نه تنها بطور طبقی بر سر روابط کشورتی فرازینگر تقدیرهای  
ت بینها در در اینهای از می بینوهم را بطور مستمر تری آذونم، بلکه ناید با سلاح بد  
سازی است و سهیک؟ از موجود این روابط و حفظ این راه را چشم اجها کنم، پس از این تدبیر و حفاظ  
بر پرورها اعلیٰ گذشتی در پذو تکمیل هر چیزی است توجه ما بنا گزینه باده اساساً بر مامل  
برند، در کارهای ای کشورتی متمرکز هود، ما مانند پسر خلقه را برداشت پنگریم، زیرا کادرها  
نهای اخیر واقعی ما برای تدبیر و تکمیل روش های کشورتی بر عرب کشورت ایران هولند  
برند، تدبیر روش های عملی کشورتی تیز در مقام گذشتی برای ما مطالعه هم تدبیر آشناز  
سان کارهای کشورتی که ناید امروز حقیقتی اینهای را تکمیل نمود و شاهن اراده -  
کارهای خواری عرب بر موادی میعنی ملی ساختی که مانند، نهاده استواری جزو مابین نظرات  
و درجهای کشورتی امروز ترکام اول نهایا با گردآوری و منشکل گزین آن کارهایی مانند  
که، میز از خود میزد و ازی را عینما فریز کرده باشند، این لامگری محدود خود را زوالی راند  
اوکرده، پیاره راهی همه حادثه علیه سرمایه داری و هد ناواخر آن را از داشتن هدیه باشند،  
کارهایی که از زاویه ساعت و مصالح مبتدا جهانی بروان: ازها حرکت گشته و کاره اهداف،  
که دیگر اینهای را از زاویه این ساعت و اهداف مصالح مبتدا مبتکرند، کارهایی که  
اینلایه گزی خود را نهاد دموکراسی و عنیون دموکراتیک، بلکه از سیاست و منظمت با  
بر ماده اداری استناد کنند، کادرهایی که محتوای سیاسی - ملطقاتی عربه میزد و این میله کار  
بیوه اینی را نهاد گشته به شکت بعنوان این روشها و میله کار میعنی معتقد شده باشد و لذا تعت  
همیز شرایطی مه این سهیک کار تسلیم شوند و تکمیل نکنند... کارهایی که به این قدر تدبیر  
به ساختن یک عرب کشورتی با کهفتی سوین و سایر اندیکی کاملاً منسایز با بر اینهای حقیقتی

جنبه ما کمربسته باشد.

پس به اعتقاد ما از نظر عملی و اجرایی برای تشكیل حزب کمونیست یا مدار سال کارها آغاز گرده و نه از سازمانها و نه از امنیت و امناده، مزب کمونیست ادامه و جمدی و خداکثرا مجموعه اصلاح نده، سازمانهای موجود نهست. حزب کمونیست مجموعه ای از مسماه جدید نهست. حزب کمونیست حزبی که هفتاد و هشت اول با اینکار میگردید را نه فقط در حزب، بلکه از هم اکنون در کارها بیننا عود که سه میاند این که قدرتی که داشتند را نه مدت کوتاهی به آن تمدد کارها بی پرانته سازمان خود نیز بوجود آورند. ما میتوانیم در مدت کوتاهی کاری بیک تشكیل حزب را در نهضته که ماید متوجه فقرات حزب را تشكیل دهنده، و ادامه کاری بیک تشكیل حزب را در نهضته مراحل تکلیف گیری و تعکیم آن تامین و تضمین کننده دست یابیم. در چهار سو این مسماه تواست تمام نیروهای موجود طرفدار برناهه حزب کمونیست را در حزب قوی سازماندهی کنم، برآنکه مبتلات سازمانی گذشته، حدود نگری های عملی و نظری گذشته و نظام انتصف گذشته خود را به حزب تحویل کنند.

۵- نفعه مبتل، برای تشكیل کنگره اول باید برجه اساس منکی باشد؟

نز سوروی بخت ما این بود که گره اصلی کار حزب امروز ساله ثبتیت اصول عملی کمالیت کمونیستی است و این گره بست کارها متنهد و سلط به اهداف و روش های منفذ کمونیشی باز می شود. همین میتواند مقاطعه غربیت ما این تعبیر بروزه میلی تشكیل کنگره مؤسی حزب کمونیست باشد. این کارها ماید گردآیند و باید وجوه به وحدت نظر موجود تبعثر بروهم برناهه حزب کمونیست، در درک جامع و نلد معمقی از بیک کار پهلویانی والترنیه و کمونیستی در عرصه ای مختلف فعالیت عملی نیز به وحدت نظر برسند. حزب باید با اینکار به این کارها متوجه فقرات و استخوان‌بندی اولیه خود را بوجود آورد و همین تمام انرژی و توان سازمانها، ساخته و عناصر مدافع برناهه حزب کمونیست را حول این استخوان‌بندی مفاد و استوار سازماندهی تعاوند. تنها به این طریق ویزگرها و محدودیت های کنونی جنبه مانع بر سر راه تشكیل به حزب کمونیست واقعی ایجاد نخواهد گرد.

نه نهست که طرح پلاکتنه عمل منع، باجز تهات کانی، برای تشكیل حزب خسروی است. در این مقاله ما به طرح کلی ساله بعنی تاکید بر جایگاه تعبیر کننده ساله بیک کار و ارتباط تناکانگ آن ساله کارها اکتفا می‌کنیم و توضیح مفصل تر جنبه های مختلف این سutherland به مقالات دیگر موقول می‌کنیم.

www.iran-archive.com

« وظایف سویال نمکراتها » برای کمونیست‌های ایران از زیر آمداست که  
بارگاه مواد غذایی بارها بود استناد قرار گرفته است. ترجمه « بیانگلناوار بر  
هاب دوم آن، علاوه بر قویتیات روپنگر لینین درباره « مکان و اهمیت این اسر  
لراموانی است برای بازموانی آن ». « وظایف » باید مجدداً مواد غذایی باشد و اینکه و  
بیان از گذشت‌دها سال در همان موقعیتی قرار نارد که سویال نمکاری روس  
در سال ۱۸۹۲ قرار داشت<sup>۹</sup> و به این اعتبار آیا وظایف کمونیست‌ها همان « وظایف  
سویال نمکراتها » را در سال ۱۸۹۲ است؟ از و نه<sup>۱۰</sup>

آری بجهه این دلیل که جنبش کمونیستی ما شیخ اکتوبر فرموله<sup>۱۱</sup> نوین حیات  
عده باشکای « وحدت ایندولوزیک » خود « برای وحدت در زندگه » برائمه و ساز -  
سازدهی (تکمیل حزب کمونیست ایران) میکوهد « فرعلطه » کنونی ما نویز  
همایی ترین ستله... ستله فعالیت عملی سویال نمکراتها (کمونیستها) است.  
ما روی جنبه « عملی سویال نمکراتها (کمونیسم) تکه همکنم زیرا جنبه »  
نتوریک آن اکتوبر دیگر از قرار معلوم از پلک طرف دیده ترین دیره « بجهل سرانه  
حال قائم و گوئیها عدیدی را که برای سرکوبی جهان فکری جدید در همان هنگام  
طبور آن بعمل می‌آید و از طرف دیگر دفع آشمن از اصول سویال نمکراتها  
(کمونیسم) را از سرگزراشده است. اکتوبر هایین عده و اساس نظرات نتوریک  
سویال نمکراتها (کمونیستها) بصد کافی و معنی است. ولی فرباره « جنبه « عملی  
سویال نمکراتها (کمونیسم) بیننامه » سراسی آن، اسلوبیاں فعالیت و  
ناکهنه آن - اینها نیتوان گفت. از آنجا که جنبه « عملی کمونیسم » موادی من  
فعالیت عملی و تغیلاتی آن نهاد امری طبقاتی است و با توجه به خصیصت

انترنامونالیستی مبارزه " طبقاتی برولتاریا و نیز مکان تاریخی بلعو  
باید جنبش نتیجه گرفته و طایفه کمونیتهاي ایران بر لحظه " کنونی همان  
" و طایفسیال دمکراتها در سال ۱۹۹۲ است .  
نه ، به این دلیل که حزوه " وظایع ناطر به دورهای تاریخی سهیال  
دمکراس روس است که " هیچ آتنا گونیسی میان تشوری و عمل سهیال دمکراتها  
موجود نبود " و از اینرو این حزوه " کارپولی گزندنر و عیین تر مارا طلب  
نمیکند " . اما جنبش ما در مقطعی با " وظایع " تکمل عملی حزب کمونیت روپرورت  
که شعاری میان تشوری و برناهه آن با روپایی عملی و تکملاشنی این به فرام  
نهانی خود رمده است . از اینرو " وظایع " مان گزندنر معنی پنهانی دارد  
آنچه که سیکردم بلکه نقد کامل و گستاخی از آنهاست . بعبارت دیگر  
" وظایع " مدام آن جهیز است که هست و ما منتقد آن جهیز هستیم که هست .  
و تینه " کنونی مادردونلی عیوهای اندکال خوده بوروزایی فعالیت عملی و اجها  
با عویس براین عرصه است . اما احجا " بلوریسم عملی - همانند احیاء بلشویک  
نظری - تعبیواند تکرار ساده " و طایفه " در ۱۹۹۲ و یا حتی ۱۹۰۶ ( چه باید  
کود ؟ ) باید . هک جنبد زنده " بلوریکی در سقط گنوی تنهایتواند بعنای  
پنهانی دارد اسی " و طایفسیال دمکراتها " در تکمیل با ویژگیهای جدید  
کمونیستی ایران و موقعیت کنونی تاریخ و مبارزه " طبقاتی " باید . بایمن  
اعتبار وظایف کمونیتهاي ایران همان وطایفسیال دمکراتهاست اما پنهانی دارد  
و در اشکانی متنفع نیز .  
در همان تذکر این نکته لازمت که سلطاب داخل هر انزوا از لذتمن و  
سلطاب داخل گروهه از رفع مشرم است .

ف . برثو

## پیشگفتاریه چاپ دوم و ظایف سوسیال دوگرانهای روسیه

لین

درسته ای از نگارش جزو،<sup>۱</sup> حاضر که اکنون برای دوین بار منتظر روانگوئی  
به تیازهای تبلیغی مانع میگردد. در این مدت کوتاه عیش باشد،<sup>۲</sup> کارگر هوان  
ما آنچنان بیشتر لقها را پسندگری کرده است و آنها نفعهای فمیلی در موقعیت و قدرت سوسیال.  
دستگاری روسیه حامل گشته که ممکن است تیازه نهداده انتشار یاده.<sup>۳</sup> به کجا زو، ندیمی  
بیهود پیثار آید.<sup>۴</sup> آیا ممکن است که در سال ۱۹۰۹<sup>۵</sup> وظایف سوسیال دستگاری روسیه<sup>۶</sup> بدبخت  
سال ۱۸۹۲<sup>۷</sup> املاک تیموری شکرده باشد؟ آیا عود نویسته که بر آن زمان هنوز<sup>۸</sup> اولین نجوبه<sup>۹</sup>  
فعالیت خوبی غور را بمعینی مینموده در زیدگاهی<sup>۱۰</sup> بیش به آین مثله هیچ قدیمی قاتر  
برانه است؟

چنین نتوالهای (با خایه ایشیا) احتمالاً در زعن عواستندگان بسیاری طرح هواهد  
ند و برای پاسخ به آنها باید ب چزو،<sup>۱۱</sup> بجه باید کرد.<sup>۱۲</sup> رجوع کنیم و بمنی از نکات  
ماروده در آنرا تکمیل نمائیم. این ارجاع از آنسر و شروری است که ننان باده غصیور  
میبیند، چگونه خذلات عدوی را در رایمه سا وظایف کیوشی سارح ساخته و نجز آنها را که در  
آنها نرباره<sup>۱۳</sup> شرایطی زسان نگارش جزو،<sup>۱۴</sup> که اکنون نهداده انتشار می باید، و بر مورد  
ارتباطی با آن<sup>۱۵</sup> دوره<sup>۱۶</sup> بخصوص در سکالم سوسیال دستگاری روسیه گفته شده، تکمیل نماید.<sup>۱۷</sup>  
کلاه من چهار دوره را در چزو،<sup>۱۸</sup> نوی الذکر<sup>۱۹</sup> (جه باید کرد)،<sup>۲۰</sup> ببرغیرد،<sup>۲۱</sup> آنچن دوره به  
فلکو حال و نادودن آیند.<sup>۲۲</sup> اشاره میکند<sup>۲۳</sup> سوین دوره<sup>۲۴</sup> تسلط<sup>۲۵</sup> (مادا نسل  
آناد)<sup>۲۶</sup> جریان<sup>۲۷</sup> اکوتیمیست<sup>۲۸</sup> است که از سال ۱۸۹۲-۱۸۹۳ آغاز میشود<sup>۲۹</sup> (النای ۹۲ - ۱۸۹۶).

دوره \* دوم و سال‌های ۹۶ - ۱۸۸۶ دوره \* اول نامیده مده‌اند، بر دوره \* دوم هر م Raf دوره \* همچنین عدم توانشی مجان عود سوپاگ دیگر آنها وجود نداشت. در آن زمان سوپاگ دیگر اس از نظر اینشولوزیک وحدت داشت، و بر آن زمان بود که کوپر جعل آند تاچمن و مفتی در زمینه \* پرانمک و سازمانی ( تکمل حزب کارگر سوپاگ دیگر اس روسه ) نیز بسته‌اند. در آن زمان توجه املى سوپاگ دیگر آنها روی وطن کردن سازل داخلی حزب و تضمیم گمری بر باره \* آنها متمرکز نبود ( آنجنان که بر دوره \* سوم بود ) بلکه از هکوری روی سفل سازه \* اینشولوزیک ملیه سفالفین سوپاگ دیگر اس و از سوی بدگر روی سفله \* توجه کار ملی حزب، متمرکز بود.

همچ آنستاگونیتی [ تمارس \* م ] میان شوروی و سفل سوپاگ دیگر آنها آنجنان که بر دوره \* \* اکوتوریسم وجود داشته موجود نبود، جزو \* مورد بحث عملیاتی ویژه \* موقعت آن زمان و \* وظایف سوپاگ دیگر اس را منعکس می‌نماید. این جزو، کار عملی گسترده‌تر و عمق‌تر را طلب می‌کند، و همچنین نوع \* مانند \* در مقابل این کار از نظرناوار و شنی در هیچ‌کجا از نظراتِ اصول با شوروی مام نمی‌بینند، و همچنین ( در آن زمان همچنین وجد نداشت ) در تلقیه میارزه \* شناسی و اقتصادی نمی‌بینند. این جزو، با توجه‌اند در باره \* اصول [ سوپاگ دیگر اس ] طایفه به مردمان ناردنیا ولیا و ناردنیاها برآورده این سفالفین سوپاگ دیگر اس \* تلاعه می‌کند آن سو \* نظایرات و تعبیاتی که آنها از جنبش جدید بروی فکاه مهادره بزداید.

بدین ترتیب، بر شرایط حاضر، زمانیکه دوره \* \* اکوتوریسم \* آنکارا به پایان ببرده موضع سوپاگ دیگر آنها می‌باشد که ۵ سال به مر بود. البته وظایفی که در مقابل ماقرار دارد در تئیجه \* رخد و پیغ مندرج در طاو، این مدت \* بدلر غیرقابل مقابله‌ای بوده‌است. ترس است \* منشی عمویات املى شرایط خاص خصوصیات ویژه \* دوره \* دوم \* راه در متاس و محتوا و بررسیای گسترده تری تجدید می‌کند. اختلاف بین فعالیت‌ها ای عملی ما با شورویه بروانو و وظایف تاکنیکی مان به تناسب بتو - اکوتوریسم \* زامل بیرون \* ما مهندسیم و یاد مریم کار عملی عینیت و گسترده در را مجدد طلب نمایم، جرا که مبانی شورویک این کار بسط و پیغ فرام آمده است. ماباید باز به جریانات سلطی هر سوپاگ دیگر ایکه در روسه توجه ویژه‌ای مبذول ناریم، اینها می‌باز با جریانات روسه را به که مامتناهی می‌باشند تردد که بر نهاده \* اول سال‌های ۱۸۹۰ وجود نداشتند - اما متكامل تر سازمانهاست تر و \* پذیره تر \*.

بهروان ناردنیا ولیا با بدور اندیختن جای \* که \* عوده \* بدانقلابیون سوپاگیم مبدل شدند و عین اس نخان نموده \* آن است که آنها بروط راه توقف کردند. آنها از کهنه ( سوپاگیم \* روس \* ) برپهادند، اما هنوز به نو ( سوپاگ دیگر اس ) نمی‌توانند آند. تنها تکوی سوپاگیم انقلابی که بشریت ماسر می‌نماید، یعنی سارکیم هر رسنای نقد بورزایی ( \* سوپاگیت‌ها \* ) و اپورتوبیتی ( \* انقلابیون ) به پایگاهی شهرده مده است. در عمله لندان اینشولوزی و اصول آنها باره \* آواتوریسم انقلابی \* و همچون محدود که به طرز مندد بروز می‌کند \* لانهای آنها برای هزار زوار دادن اقطاع و طبقات

اجتماعی ای چون تحریکرده، همه برولتاریا و دعفانانه جانبداری پرسوومدای آنها را  
تحریم «جهنمیک» برمی‌آمد. این حداقل جال آنها (اجتماعی کردن زمین، تعاوینها  
و جیوه‌دن به نیاز مسکنی موجود، رمک به ایگرا شماره‌های ۳۳ و ۹۶) ۱ عدوه برمی‌ورد  
آنها به لیبرالها (رمک به رولوتمناتاها روپیه شماره ۱ و پرسی آنای زینلوقی از  
آسوایارزنه در شماره ۹۱ سوسالیستیه مونانجه) و سواری جیوه‌های دیگر که مایه اختلال  
زیاد می‌باشد بعده از مکبار با آنها برگورده نمائند. بر رویه هنوز عنابر و غربابا  
اجتماعی بسازی وجود ناردکه عدم تبادل و نقدلکران را تقویت می‌کنده در افرادی با اتفاقات  
را نیکاله می‌است تا تبلیغ آنها کند و عنقه است با مدین جان روز را زنده می‌کند و مانع  
آنها می‌شود تا آرمانی عورتا با آرمان برولتاریا و میارزه طبقاتی او بکی کنند عنابر  
و غربابی که سوال دیگرانها را ملزمه می‌آزاد هنوز با جریانها می‌جذبند و حدت می‌گیرند.  
آنفلامون سوسالیست نا آن هنگام که تکامل سما بهداری و حدت می‌گیرند طبقاتی های معنی  
آنها را استفاده و توبه حساب کنند.

پیروان ناریدنیه براوو که نظراتغان در سال ۱۸۹۲ به همان سهی نظرات «اندلیمون  
سوسالیست» گذشتند بوده بسرعت برگشته، این [پرسیه رن] از سنه نایدیه مددید.  
لهکن امده، «مریخ و رومیه آنها - این امده که می‌است آزادی سما را بکلنسی از  
سوسالیسم خدای می‌خندند - هنوز از بین لرفته و نیتوانتاز بین بروده همرا که در  
رویه جریانها لیبرال دیگر آنها بسازی می‌شوند. باهن دلیل آسوایارزنه لیبرال که  
خرده بورزوایی و بورزوایی بزرگ می‌شوند. بروزه را به گرد خود جمع کند، به وارث  
می‌خواهد شایندگان اپوزیشنون بورزوایی در رویه را به کرد آسوایارزنه لیبرال که  
مشروع ناریدنیه براوو و ادامه دهد». مسلم، بدیگر و یعنی آن نبدیل مده است. وها نظر  
که زوال و انتقال رویه «کهنه» قبل از رفرم دهه انان بپرسیاه و روشنلکران نوع نعم  
اجتناب ناینتر است، روشنلکرانی که همانندی به گمون روستائی و توانهای کشاورزی  
علقمندند که به تحریم «فریبند» همانطور هم طبقات دارای رویه «سما بهداره  
بورزوایی و خرد بورزوایی نهر ناگزیرند که بالیبرالیم مریخ خود رشد کند و پنهان عونده  
لیبرالیم که فارد فرک می‌کند حلظ ملک حکومت مطالعه پر غرچه، وعده و احده که همچو  
دفعاتی در مقابل سوسالیسم ندارد، مرف نمی‌کند. [حکومتی که] با دوست آنها بسراي  
اعکال اروپائی می‌گذرد طبقاتی و حاکمیت می‌گذارند و با پلند بپرواژی زانی شان (در دوره  
بهداری و بعد برولتاریا) برای پنهان کردن منافع طبقاتی خود از طریق اتفاقات می‌گذرد.  
بطور کلی، [سازگاری زیارتدم]

بدین ترتیب ما مدعیم نا از ملاکین لیبرال که قلائل می‌کند «حزب مقرده خواه  
زمیتوو» و پایه گذاشتند می‌شویم باهم. بگذارید ابتدا از کم اهمیت ترین مثال  
حروف کنم: ما از آنها برای نیزون راندن آنای استروه از میان سوال دیگرایی  
رویه، برای تکمیل اتحاده او از بکشیده مارکسیتیه ملک لیبرال مندکریم، این بسا  
کلک می‌کند که با منال زنده به هرگز و همه کس معنی واقعی برنتندهم بطور عالم  
و برنتندهم رویه، بطور عالم، را نشان دهم. دوم، آسوایارزنه با اتلاد برای نبدیل

انظار مختلف پوروزا زی رویه به لمپرالی ای آگاه سما کلک میکند تا تبدیل توده های هرجچه بینهایی از کارگران به سیاست‌گذاری‌های آگاه را تسریع نمایند. بر کشور ما آنقدر غصه سویا لیس لمپرال - ناردنلکرستونین فراوان بوده که مریان لمپرال مخدود در مقابله با آن بروشنی ندمی است به بعد، اکنون بدگر کار آسانی استنا نموده زندگی از مسوزروا زی لمپرال و دمکراتیک رویه را به کار گران و نهاد به مک‌حرب‌سیاس مستغل طبقه کارگر اکنون بدگر کار ساده‌ای است که روشنگران را فراموشیم تا موقع عورتا و انتخابین سارند؛ لمپرالیم یا سویا لیس دمکراسی؛ تدوریها و جریانات نهم بند بر سرت بسویله "سد آشیاب این" دو قطب رند باشند و بالته خرد میتوند. سرم، والیته مهتر از همه ما از لمپرالیا منبور عواهم بوده اگر از طریق مصالحتهان، اتعاد بین حکومت سالنه و پنهانی معهده از پوروزا زی و تحمل‌گردیدوا تضمیع نمایند، ما سوگونم "اگر" و زیرا لمپرالیا از طرس لان زدن با حکومت سالنه با تحسین کارگرها ملک آمسز و بسویله جذگ علیه انتلاجمون "هد نمی‌نماید" و غیره، آنقدر حکومت سلطنه راه که میازره علیه حکومت سلطنه را تضمیع ممکنند. ما با افناه بی امان و سازمان ناپدید بر نزلول لمپرالیا و کلمه "تلائی‌ها آنها برای لان زدن با دولت، تائیرات این جنبه عیانت آمر فعالیت سیاس مختار پوروزا - لمپرال را خشن شواعهم کرد.

ندین ترتبیم هم تاریخها ولیها و هم تاریخوب بر او و گامهای مطیعی مراجعت نکامله تیمین و شکل دادن به آرمانها و طبیعت‌والعنی خود مرداخته‌اند. مبارزه‌ای که در سه‌هش اول سال‌مای ۱۸۹۰ پس محاذه، کوچک‌حوالان اتفاقی بروخ بیهوده، اکنون بعنوان میک‌مارزه تعبین گشته‌اند. جریانات‌سیاس پنهانه و احزاب‌سیاس وابی اعیانه میگردد، یا تکوه، یه این امر، انتشار خبید. وظایف از آنرو که گذشته امیر جز راهنماد امنیت حوان آن می‌آورده و همان میدهد که چگونه سویا لیس دمکراتها به یک چشم مونهمی در میان دوگر جریانات‌تاثیل آمدند، موقعيتی که نشانه به نازگی کاملاً متصنعد، استه و از آنرو که به ارائه "نهویر روشنگر و شخص نزی از" وظایف اساساً میکان ولی بهجهده، ستر خرابی خافر کلک ممکنند، نتیج میتواند متفاوت باشد.

اکنون سویا لیس دمکراتها یا وظایف "میر یا یا هان یا همین" به شناس احتمال نظر را تو زلات در میان خود و فنده، گردن صفویان و وحدت تعلکلا لی نتیج بروم مارکهم انتلاسی، شعر کلو نه اس نلاهه‌ایان برای وحدت تمام سویا لی دمکراتهای که بر کمتر بر کارهای عملی و توبیه و تعیین فعالیت‌های امن و مسنا در همان زمان بدل توبیه به توضیح اهمیت واقعی دو مریان قوی‌الذکر به وهمه‌ترین تردد، های روشنگر و کارگر، جریاناتی که سویا لیس دمکراس مدنها است که می‌باشد با آنها تسویه حساب کند، رویه ویند.

اوت ۱۹۰۹

مجموعه آثار لیمن، جلد ۶  
صفحه ۲۰۹

www.iran-archive.com